پرتویی از فضایل امیرمؤمنان علیه‌السلام در حدیث

لطف‌الله صافی‌گلپایگانی.

## سخن مترجم

بسم الله الرحمن الرحیم

و ایاه نستعین

گفتن و نوشتن درباره شخصیتی که برتر از وصف، بالاتر از اندیشه و والاتر از جوهر کلام است و فضایل و مناقب ارزنده‌اش به قدری زیاد و فراوان است که قابل احصاء و احاطه نیست، کاری بسی دشوار، بلکه بدون هدایت خداوند سبحان غیر ممکن است.

در حدیثی از پیامبر اقدس صلى‌الله‌عليه‌وآله به امیرمؤمنان علی علیه‌السلام آمده است:

ای علی! جز خدا و من کسی تو را آن‌سان که شایسته است، نشناخت.[1]

ابعاد مختلف و به ظاهر متضاد وجود ذی جود آن حضرت را کسی می‌تواند درک و توصیف کند که از او بالاتر باشد یا همتای او. و به مصداق کلام معروف: «معرِّف باید اجلی از معرَّف باشد» چه می‌تواند بگوید انسان ملکی درباره انسانی ملکوتی که «فضائلش به شماره نمی‌آید»؟[2] و بنابراین فرموده رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله «اگر جنگل‌ها همه قلم و دریاها همه مرکب و پریان شمارشگر و انسان‌ها نگارگر شوند، نمی‌توانند

فضائل علی بن ابی‌طالب را برشمرند.»[3]

از این رو، بی‌تردید بهترین ومستندترین منبع برای شناخت علی علیه‌السلام، قرآن مجید و سخنان نغز و شیرین رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله است.

با توجه به آنچه گفته شد بسیاری از نویسندگان بهتر آن دیده‌اند که سیمای درخشنده امیر مؤمنان علیه‌السلام را در آینه احادیث نبوی به نظاره بنشینند و بنگرند معلم و مربی امیر مؤمنان علیه‌السلام آن حضرت را چگونه معرفی و توصیف می‌کند.

یکی از عالمان برجسته که بیان فضائل، ویژگی‌ها و برجستگی‌های امام امیر المؤمنین علی رامدنظر داشته و به بازشماری قطره‌ای از دریای بیکران فضائل امام علیه‌السلام از لسان گهربار نبی مکرّم صلى‌الله‌عليه‌وآله از کتب و منابع عامه پرداخته است، آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی دام ظله الوارف است.

چرا این کتاب را ترجمه کردیم؟

چون ترجمه این گونه کتاب‌های پر ارج برای شیعیانی که نمی‌توانند از منابع عربی استفاده کنند، سود بخش خواهد بود. زیرا مایه استواری ساختارهای اعتقادی و داد و اعتماد آنان شده و به جانشان نورانیت و به دلشان صفا و به اندیشه‌شان روشنایی و به خود آنان آگاهی می‌بخشد، صاحب این قلم از سر عشق و ارادتی که به سرور پرهیزکاران و امیرجانِ مؤمنان

داشت، و بر حسب وظیفه، با استمداد از عنایت ایزدی به ترجمه آن پرداخت تا آن عده از برادران و خواهران ایمانی که بهره کافی از زبان عربی ندارند از این کتاب ارزشمند بی‌نصیب نمانند.

کاری که ما در این اثر انجام داده‌ایم

علاوه بر ترجمه، برای احادیث کتاب، تیتر گذاشته و فهرست منابع را به طور مستقل در پایان کتاب افزودیم. در موارد معدودی توضیحاتی را در متن یا پانوشت، داخل [] آورده‌ایم.

امید است این خدمت ناچیز در پیشگاه با عظمت حضرت بقیة الله الاعظم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مقبول افتد و مؤلف محترم، مترجم و ناشر مشمول رحمت بیکران حق‌تعالی و عنایات خاصه ولی او قرار گیرند. بمنّه و کرمه.

قم/ آشیانه آل محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله

ناصر باقری بیدهندی

## مقدمه مؤلف

بنام خداوند بخشنده مهرورز

وَ ماذا یَقُولُ النَّاسُ فی مَدْحِ مَنْ أتَتْ

مَدائِحُهُ الغَراءُ فی مُحُکَمِ الذِّکْرِ

چه می‌توان گفت در مدح شخصیتی که مدح و منقبت بلندش در قرآن کریم آمده است.

سکوت معنی‌دار فصحا و بلغا و علما و حکما و عرفا و اولیاء از ذکر مناقب امام امیر المؤمنین عليه‌السلام - برادر رسول خدا، همسر فاطمه زهرا، داناترین مردم، کسی که در خداشناسی و عبادت پس از پیامبر اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله برترین شخصیت است- گویاتر از مدیحت‌سرایی و ذکر فضائل و مناقب و مراتب رفیع و مقامات والا و حضور شکوهمند او در صحنه‌های مختلف و معجزات آشکار و عجائب زندگی اوست.

از این رو اعتراف به عجز در پیشگاه مقدس و با عظمت آن حضرت برای همگان بهتر است. سَروری که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله در خطابی درباره‌اش فرمود: «اگر انسان‌ها نویسنده و پریان حسابگر شوند، نمی‌توانند فضائلت را بنگارند.»

امیر المؤمنین عليه‌السلامشخصیتی است که خداوند متعال فضائلی غیر قابل شمارش برایش قرار داد. فرزانه‌ای که پروردگار سبحان در شب معراج با پیامبرش با صدای دلربای حضرت علی عليه‌السلامتکلم کرد.[4]

همو که بعضی اصحاب در فراوانی فضائلش گفته‌اند: «علی سوابق درخشانی دارد که اگر سابقه‌ای از آن را بین همه آفریدگان توزیع کنند همه به خیر می‌رسند.»[5]

آن حضرت، بزرگترین نشانه خدای متعال و علم و قدرت و سائر صفات برجسته اوست و در عالم امکان مانندی جز پسر عمش رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم ندارد. همو که حضرت رسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم حامی بی‌نظیر او بود. آن سَرور اسوه جانفشانی و در نصرت حق و اقامه عدل، یگانه و در اعلاء کلمةالله فوق العاده بود. با ضعفا ترّحم و با فقرا مواساتی عظیم داشت. از خدای متعال خوفی فراوان بر دل داشت. و افصح و ابلغ همگان بود و در خوراک و پوشاک و در تمامی احوال و افعال با عظمت بود.

بلند مرتبه است خدای علی مرتبه عظیم، آفریننده چنین انسانی و ودیعت گذارنده این عظمت‌ها و کمالات در این آفریننده.

بزرگ است خدایی که چنین انسانی در مقابل عظمتش کُرنش می‌کند و در مقابل جلال و جبروت و سلطنتش خود را کوچک می‌داند و از کبریایی‌اش خائف و ترسان است و در مقابل ذات پاکش به عجز و فقر اعتراف دارد. و اوست کسی که گفت:

الهی کَفی لی عِزّاً أنْ اکُونَ لَکَ عَبْداً، وَ کَفی لی فَخْراً أنْ تَکونَ لی رَبّاً

خدای من همین عزت مرا بس که بنده تو باشم و برای من افتخار همین بس که تو خدای منی.

اوست ممسوس در ذات حق، و بسیار گریان از خشیت الهی و مجاهد در راه خدا. اوست صراط مستقیم و عروة الوثقی و حبل الله متین، و میزان اعمال، و تقسیم‌گر بهشت و دوزخ، و دست باز خداوندی و دیده بینای حق و حجت بالغه‌اش.

حضرت امیر عليه‌السلامدر نامه‌ای که به معاویه نوشت فرمود:

فَانّا صَنائِعُ رَبِّنا وَ النّاسُ بَعْدُ صَنائِعُ لَنا

ما ساخته و تریبت یافته مستقیم پروردگاریم و مردم تربیت شده ما هستند.

ابن ابی الحدید در ذیل آن می‌نویسد: «این سخن بزرگ و برترین سخن است و معنایش سرآمد معانی، و ساخته و پرداخته خداوندگاری که خدایش صانع اوست و منزلتش را رفیع و سرآمد مصنوعات نمود.

حضرت می‌فرماید: احدی از انسان‌ها بر ما نعمت ندارد، تنها خداست که بر ما نعمت داده است. بین ما و بین او واسطه‌ای در کار نیست. دیگران به وسیله ما تربیت شده‌اند و ما واسطه بین خدا و آنان هستیم و این مقام بلندی است. ظاهرش این است که شنیدی، و باطنش آن است که آنان بندگان خدا هستند و مردم بنده آنان.»[6]

و از سوی دیگر صاحب این مفاخر عظیم را می‌بینیم که از خوف خدا چون مارگزیده به خود می‌پیچد!

و آن گونه که بعضی از یارانش [ضرار پسر حمزه ضبابی [7] او را توصیف کرده دارای چشمی گریان، و متفکر بود وقتی با خود خلوت می‌کرد به محاسبه نفس می‌پرداخت.

و می‌گفت: «آه از کمی زاد و توشه و دوری راه و کمی انس، علی را با نعمت‌های فناپذیر و لذت‌های زودگذر چه کار؟» و می‌فرمود: «بدان که امام شما از دنیای خود به دو پاره تن پوش و از خوردنی‌هایش به دو قرص نان، بسنده کرده است به خدا قسم! از دنیایتان شمش طلایی، و از غنایمش ثروتی نیندوخته‌ام و حتی این پیراهنی که پوشیده ام را تن پوش دیگری فراهم نکرده‌ام.»[8]

چه بگوییم از نفس پیامبر که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم درباره‌اش فرموده بود: «تو می‌شنوی آنچه من می‌شنوم و می‌بینی آنچه من می‌بینم جز آنکه تو نبی نیستی.»[9]

از این رو آنچه ما درباره امیر المؤمنین و مولی الموحدین می‌گوییم چون قطره‌ای است در مقابل دریا و ذره‌ای است در مقابل خورشید. پس عقول جهانیان و زبان ستایش‌گران، کوچک‌تر و نارساتر از آن است که حق این امام همام را ادا کند.

لکن از همان آغاز که خود را شناختم نسبت به یادمان آن

حضرت و فرزندان گرامش حرص و ولع داشتم و این امر به مرور ایام و گذشت سال‌ها فزونی می‌یافت و شوقم بیشتر می‌شد و قلبم به مطالعه احادیث و آثار و استماع مناقب و مدایحشان نورانی می‌گردید.

و گویا شاعر، این اشعار را به زبان حال من سروده است:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| حب آل الرسول خالط عظمی‌وجری  |  | فی مفاصلی فاعذرونی  |
| أنا والله مغرم بهواهم‌عللونی  |  | بذکرهم عللونی  |
| لا عذب الله أمّی أنّها شربت‌حب  |  | الوصی وغذتنیه باللبن  |
| کان لی والد یهوی أبا حسن‌فصرت  |  | من ذی وذا أهوی أبا حسن  |

«محبت خاندان پیامبر با استخوانم در آمیخته و در مفاصلم جریان پیدا کرده پس مرا معذور دارید.

خدا را سوگند که من شیفته آنان هستم.

با یاد آنان مرا از خود، بی‌خود کنید.

مادرم را عذاب خدا فرا نگیرد که جام عشق علی پیمود و از راه شیر به کامم فرو ریخت.»

و پدری داشتم شیفته ابو الحسن علی، و مرا شیفتگی علی از این پدر و مادر به ارث است.

در این کتاب صد و ده 10] حدیث در مناقب حضرت از جوامع حدیثی اهل سنت از مسانید و صحاح سته و غیر آنها به گزین کردم و آن را «قبس من مناقب امیر المؤمنین» نامیدم.

ناگفته نماندکه احادیث وارده درکتاب‌های اهل‌سنت درباره حضرت علی عليه‌السلامفوق العاده فراوان است. به رعایت اختصار و این که گفته‌اند گاه مختصر مفید، انسان منصف بصیر را از مراجعه به موسوعه‌های بزرگ و مجلات متعدد بی‌نیازمی‌کند؛ بر این تعداد بسنده کردم واوست یاور ومددکار.

و حمد ویژه خدایی است که ما را بدین موهبت عظمی رهنمون شده و اگر هدایت الهی نبود ما بدین امر هدایت نمی‌شدیم. و صلی الله علی سید الانبیاء و المرسلین ابی القاسم محمد و آله الطاهرین.

و دوست دارم این مقدمه را به مُشک صلوات بر محمد و آل با نقل این ابیات خاتمه بخشم:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| یا ربّ صل علی النبی وآله‌أزکی  |  | الصلاة وخیرها والأطیبا  |
| یا ربّ صل علی النبی وآله‌ما  |  | اهتزت الأثلاث من نفس الصبا  |
| یا ربّ صل علی النبی وآله‌ما  |  | لاح برق فی الأباطح أوخبا  |
| یا ربّ صل علی النبی وآله‌ما  |  | قال ذو کرم لضیف مرحبا  |
| یا ربّ صل علی النبی وآله‌ما  |  | أمت الزوار طیبة یثربا  |
| یا ربّ صل علی النبی وآله‌ما  |  | غردت فی الإیک ساجعة الربا  |
| یا ربّ صل علی النبی وآله‌ما  |  | کوکب فی الجو قابل کوکبا  |
| یا ربّ صل علی النبی وآله‌سفن  |  | النجاة الغر أصحاب العبا  |
| یا ربّ صل علی النبی وآله‌فی الحشر  |  | إذ یتساءلون عن النبا[11]  |

بار الها! بر پیامبر و آلش درود فرست.

پاکیزه‌ترین و بهترین و شایسته‌ترین درودها را.

پروردگارا! بر پیامبر و آلش درود فرست.

مادامی که درخت اثلاث از نَفَس باد صبا در اهتزاز است.

خداوندا! بر پیامبر و خاندانش درود فرست.

تا زمانی که آذرخشی در زمین‌های هموار بدرخشد.

ایزدا! بر پیامبر و آلش درود فرست.

تا آن‌گاه که انسان کریمی به میهمان خود خوش‌آمد گوید.

خداوندا! بر رسول خود و خاندانش درود فرست.

تا موقعی که زائری هست که آهنگ یثرب کند.

بار پروردگارا! بر پیامبر اعظم و خاندانش درود فرست.

تا لحظه‌ای که پرنده خوش‌خوان بر شاخسار درخت بخواند.

بار الها! بر حضرت رسول و عترتش درود فرست.

مادام که در آسمان ستاره‌ای در مقابل ستاره‌ای قرار می‌گیرد.

خداوندا! بر پیامبر و آلش درود فرست.

[همان کشتی‌های نجات و اصحاب عبا.

و قرار بده آنان را شفیعان ما.

در روز رستاخیز آن‌گاه که می‌پرسند از خبرها.

##  علی علیه‌السلام امیر غدیر

عن زید بن أرقم و جماعة من الصحابة، قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

مَنْ کنتُ مَوْلاهُ فَعَلِیٌّ مَوْلاهُ، اللّهُمَّ والِ مَنْ والاهُ و عادِ مَنْ عاداهُ.

زید بن أرقم وگروهی از صحابه روایت کرده‌اند که رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود:

هر کس را که من مولای او هستم علی نیز مولای اوست. خدایا یاران او را یاری و دشمنانش را دشمن بدار.[12]

## علی علیه‌السلام هادی امت

عن ابن عباس: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

أنَا المُنْذِرُ وَعَلیٌّ هادِی- و أشارَ بِیَدِهِ إلی عَلِیٍّ وَ قالَ-: بِکَ یَهْتَدِی الْمُهْتَدُونَ.

ابن عباس از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم روایت کرده که آن سرور فرمود:

من بیم‌دهنده‌ام و علی هدایت کننده- و با دستش به علی علیه‌السلام اشاره کرده، فرمودند: به واسطه تو هدایت‌شوندگان راه می‌یابند و هدایت می‌شوند.[13]

## ورود به شهر علم پیامبر صلی الله علیه و آله

عن علی علیه‌السلام و ابن عباس و جابر بن عبدالله: قال صلى‌الله‌عليه‌وآله :

أنَا مَدِینَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِیٌّ بابُها، فَمَنْ أرادَ العِلْمَ فَلْیَأتِ الْبابَ.

علی علیه‌السلام و ابن عباس و جابر بن عبدالله روایت کرده‌اند که پیامبر اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

من شهر علمم و علی دروازه آن، پس هر کس طالب علم باشد ازدروازه آن وارد شود.[14]

## علی عليه‌السلام دو کفة ترازوی علم پیامبر صلی الله علیه و آله

عن ابن عباس: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

أنَا مِیزانُ الْعِلْمِ وَعَلِیٌّ کَفَّتاهُ، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَیْنُ خُیُوطُهُ، وَفاطِمَةُ عِلاقَتُهُ، وَالأئِمَّةُ مِنْ بَعْدِی عَمُودُهُ، یُوزَنُ بِه أعْمالُ الْمُحِبّینَ لَنا وَ الْمُبْغِضینَ لَنا.

ابن‌عباس از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روایت‌کرده است‌که حضرت فرمود:

من میزان علمم، و علی دو کفه‌اش، و حسن و حسین بنده هایش و فاطمه آویزه (شاهینش)، و امامان بعدی دستگیره آن هستند، که در آن کارهای محبان و دشمنان ما وزن و سنجیده می‌شود.[15]

## یاد علی علیه‌السلام عبادت است

عن عایشة و ابن عباس: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

ذِکْرُ عَلیٍّ عِبادَةٌ.

عایشه و ابن عباس از رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله روایت کرده‌اند که فرمود:

یاد کردن از علی عبادت است.[16]

[توضیح: مناوی گوید: یعنی عبادت خداست و خدا در برابر آن پاداش می‌دهد.]

## پیغمبر و علی علیهما السلام از یک ریشه‌اند

عن ابن عباس، قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

أنَا وَ عَلِیٌّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ، وَ النَّاسُ مِنْ أشْجارٍ شَتّی.

ابن عباس از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روایت می‌کند:

من و علی از یک درخت آفریده شدیم و مردم از درختان متعدد.[17]

[توضیح: ریشه نسبی مقصود نیست. «اشاره به نور نبوت و ولایت است که از این دو از ازل یک جلوه می‌کردند هنگامی که این نور نبوت و ولایت به صلب عبدالمطلب رسید، از هم جدا شده، یکی به پشت ابوطالب منتقل گردید و دیگری در صلب عبدالله».]

کارزار علی علیه‌السلام بر تأویل قرآن

عن وهب بن صیفی: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

أنَا اقاتِلُ عَلی تَنْزِیلِ الْقُرآن، وَ عَلیٌّ یُقاتِلُ عَلی تَأویلِ القُرْآن.

وهب بن صیفی از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روایت کرده است که حضرت فرمود:

من برای تنزیل قرآن کارزار می‌کنم و علی در ارتباط با تأویل آن نبرد می‌کند.[18]

[توضیح: یکی از معاصران در ذیل حدیث فوق این بیان را دارد:

مراد از تنزیل قرآن، تصدیق به وحی بودن آن است که پیغمبر برای آن جهاد کرد؛ و مراد از تأویل قرآن، فهم صحیح آن و عمل کردن به احکام آن است، که علی در جنگ جمل و صفین و نهروان انجام داد. (عترت ثقل کبیر، ص 196)]

من به درختی مانم که ...

عن ابن عباس: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

أنَا شَجَرَةٌ، و فاطِمَةُ حِمْلُها، وَعَلیٌّ لِقاحُها، وَالحَسَنُ وَالحُسَیْنُ ثَمَرَتُها، وَالْمُحِبُّون أهلَ البَیْتِ وَرَقُها مِنَ الجَنَّةِ حَقّاً حَقّاً.

ابن عباس از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روایت کرده که حضرت فرمود:

من به درختی مانم که فاطمه باردان آن و علی بارور سازنده آن، حسن و حسین میوه آن و دوستداران خاندانم برگ‌های آن درخت‌اند که آن درخت و توابعش از بهشت‌اند.[19]

## علی علیه‌السلام حجت خدا بر بندگان

عن أنس: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

أنَا وَعَلِیٌّ حُجَّةُ اللهِ عَلی عِبادِهِ.

انس از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روایت کرده که حضرت فرمود:

من و علی حجت خدا بر بندگانش می‌باشیم.[20]

## افتخار به علی علیه‌السلام

عن جابر: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

إنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ یُباهی بِعلیِّ بْنِ أبِی طالِبٍ کُلَّ یَومٍ المَلائِکَة المُقَرَّبینَ حَتّی یَقُولَ: بَخٍّ بَخٍّ هَنیئاً لَکَ یا عَلیُّ.

جابر از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روایت کرده که حضرت فرمود:

خداوند با عزت و جلال هر روز بر فرشتگان مقربش به علی بن ابی‌طالب افتخار می‌کند. تا آنجا که می‌گوید: «به به! ای علی گوارا باد بر تو.»[21]

## بشارت به علی علیه‌السلام

عن شراحیل بن مرة قال: سمعت رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

أبْشِرْ یا عَلیُّ حَیاتُکَ مَعِیَ وَمَوْتِکَ مَعِیَ.

شراحیل فرزند مره گوید: از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله شنیدم که فرمود:

ای علی! بشارتت باد که زندگی و مرگ تو با من است.[22]

## جواز عبور از صراط

عن أبی بکر قال: سمعت رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله یقول:

لا یَجُوزُ أحَدٌنِ الصِّراطَ إلّا مَنْ کَتَبَ لَه عَلِیٌّنِ الْجَوازَ.

ابوبکر گوید: شنیدم رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله می‌فرمود:

احدی از پل صراط نمی‌گذرد جز کسی که از علی جواز عبور داشته باشد.[23]

## همراه با پیامبر در بهشت

عن عمر، قال: سمعت رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله یقول لعلی:

یا عَلیُّ یَدُ کَ فی یَدی تَدْخُلُ مَعِیَ الجَنَّةَ حَیْثُ أدْخُلُ.

از عمر بن خطاب نقل است که گفت: شنیدم پیامبر اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به علی فرمود:

ای علی! روز قیامت در حالی که دست تو در دست من باشد وارد بهشت می‌شوی و من هر کجا که داخل شدم، وارد خواهی شد.[24]

## دشمنی علی علیه‌السلام وخاندان رسول‌خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله

عن جابر بن عبدالله، عن رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

ثَلاثٌ مَنْ کَنَّ فیهِ فَلَیْسَ مِنّی وَ لا أنَا مِنْهُ: بُغْضُ عَلیٍ، وَ بُغْضُ أهلِ بَیْتی، وَ مَنْ قالَ: الإیمانُ کلامٌ.

جابربن عبدالله از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روایت‌کرده‌که حضرت فرمود:

سه چیز است در هر که باشد از من نیست و من از او بیزارم: دشمنی علی، بغض خاندانم وهرکس معتقد است‌که ایمان صرف گفتار می‌باشد.[25]

## بهشت آرزوی دیدار امام علی علیه‌السلام را دارد

عن أنس: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

ثَلاثَةٌ تَشْتاقُ إلَیْهِمُ الجَنَّةُ: عَلیٌّ وَ عَمّارٌ وَ سَلْمانُ.

انس از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روایت کرده است که حضرت فرمود:

بهشت در آرزوی دیدار سه تن به سر می‌برد: علی، عمار و سلمان.[26]

## حق امام علی علیه‌السلام بر عهده مسلمانان

عن جابر: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

حَقُّ عَلیِّ بْنِ ابیطالِبٍ عَلی هذِهِ الامَّةِ کَحَقِّ الوالِدِ عَلی وَلَدِهِ.

جابر از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روایت کرده که حضرت فرمود:

حق علی بن ابی‌طالب بر مسلمانان چون حق پدر است بر فرزندش.[27]

## محبت امام علی علیه‌السلام، نابودکننده گناهان

عن ابن عباس: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

حُبُّ عَلیِّ بْنِ ابی طالِبٍ یَأکُلُ الذُّنوبَ کَما تَأکُلُ النّارُ الْحَطَبَ.

از ابن عباس نقل شده که رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

دوستی علی بن ابی‌طالب گناهان را می‌خورد چنانچه آتش، هیزم را.[28]

## دوستی امام علی علیه‌السلام برائت از آتش

عن عمر بن خطاب: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

حُبُّ عَلیٍّ بَراءَةٌ مِنَ النّار.

از عمر بن خطاب روایت است که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

محبت علی مایه دوری از آتش دوزخ است.[29]

## محبت امام علی علیه‌السلام عمل صالح است

عن معاذ بن جبل: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

حُبُّ علیِّ بْنِ ابیطالِبٍ حَسَنَةٌ لایَضُرُّ مَعَها سَیِّئَةٌ، وَ بُغْضُهُ سَیِّئَةٌ لاتَنْفَعُ مَعَها حَسَنَةٌ.

معاذ بن جبل از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روایت می‌کند که حضرت فرمود:

محبت علی بن ابی‌طالب حسنه‌ای است که با وجود آن، گناه زیان نمی‌رساند، و دشمنی او گناهی است که با وجود آن، هیچ عمل نیکی سودی نمی‌بخشد.[30]

[توضیح: زمخشری در توضیح این گونه احادیث می‌نویسد: زیرا دوستی علی علیه‌السلام ایمان کامل است و با ایمان کامل گناهان ضرری نمی‌زنند.]

## امام علی علیه‌السلام دوست رسول خدا صلی الله علیه و آله

عن عائشة: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و هو فی بیتی لما حضره الموت:

ادْعُوا لِی حَبیبی. فَدَعَوتُ أبابَکْرٍ، فَنَظَرَ إلَیْهِ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله ثُمَّ وَضَعَ رَأسَهُ، ثُمَّ قَالَ: ادْعُوا لِی حَبیبی. فَقُلْتُ: وَیْلَکُم ادْعُوا لَهُ عَلِیَ بْنَ ابِی‌طالِبٍ، فَوَاللهِ مَا یُریدُهُ غَیْرَه، فَلَمّا رَآهُ أسْتَوی جالِساً، وَ خَرَجَ الثَّوبَ الَّذِی کان عَلَیْهِ، ثُمَّ أدْخَلَهُ فیهِ، فَلَمْ یَزَلْ یَحْتَضِنُهُ حَتّی قُبِضَ وَ یَدُه عَلَیْهِ.

از عایشه نقل است که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله در مرضی که بدان وفات یافت در بیت من بود که فرمود:

حبیب مرا به نزدم بیاورید. من (پدرم) ابوبکر را دعوت کردم. پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله بدو نگریست و آن‌گاه سر خود را بر بالین نهاد و همان سخن را تکرار کرده فرمود: «حبیبِ مرا به نزدم بیاورید». به حاضران گفتم: وای بر شما علی بن ابی‌طالب را نزد او آورید که به خدا سوگند جز او کسی را نمی‌طلبد! چون علی را مشاهده کرد از بستر جدا شد و پوششی را که بر رویش بود عقب زد و علی را در

زیر آن برد و همچنان او را در آغوش داشت تا از دنیا رحلت کرد در حالی که دستش بر بدن علی بود.[31]

## محبوب‌ترین مردم نزد رسول‌اکرم صلی الله علیه و آله

عن معاذ الغفاریة:

کُنْتُ أنیساً لِرَسُولِ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم أخْرُجُ مَعَهُ فی الأسْفار، اقُومُ عَلَی الْمَرْضی، وَ اداوِی الْجَرْحی. فَدَخَلْتُ عَلی رَسُولِ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله بِبَیْتِ عائِشَةَ وَ عَلِیٌّ خارِجٌ مِنْ عِنْدِها، فَسَمِعْتُهُ یَقوُلُ لِعائِشَةَ: إنَّ هذا أحَبُّ الرِّجالِ إلَیَّ وأکرَمهُم عَلَیَّ، فَاعْرِفی لی حَقَّهُ، وَ أکْرِمی مَثْواهُ.

از معاذ غفاری روایت است که گفت:

من انیس و همدم رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله بودم به طوری که با ایشان به سفرها می‌رفتم، و از سوی آن جناب بر بالای سر مریض‌ها حاضر می‌شدم، و جراحت زخم‌خوردگان را مداوا می‌کردم. روزی به دیدار پیامبر که در بیت عایشه بود رفتم در این هنگام علی در خارج از منزل حضور داشت. شنیدم حضرت، سفارش علی را به عایشه می‌کرد و فرمود: «این محبوب‌ترین مردان نزد من و گرامی‌ترین آنها برای من است، پس به خاطر من حق او را بشناس و

جایگاه او را گرامی بدار.»[32]

## کامروایان رستاخیز

عن أمّ سلمة: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

عَلیٌّ وَ شِیعَتُهُ هُمُ الفائِزُونَ یَوْمَ الْقِیامَةِ.

ازامّ سلمه روایت شده که پیامبر اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

علی و پیروانش در روز قیامت رستگاران‌اند.[33]

[نکته: از این گونه احادیث که کلمه «شیعه» به زبان مبارک پیامبر اعظم صلى‌الله‌عليه‌وآله صادر شده می‌توان فهمید که نخستین کسی که بذر تشیع را در سرزمین اسلام پاشیده، شخص رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله بوده است.]

## مَحرَم اسرار پیامبر صلی الله علیه و آله

عن سلمان: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

صاحِبُ سِرّی عَلیُّ بْنُ أبی طالِب.

از سلمان روایت است که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

صاحب سرّ من علی بن ابی‌طالب است.[34]

## بهترین راستگویان (صدیق اعظم)

عن داودبن بلال بن أجنحة: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

الصدّیقَونَ ثَلاثَةٌ: حَبیبُ النَّجّار، وَ حِزْقیلُ مُؤمِنُ آلِ فِرْعَونَ، وَ عَلیُّ بْنُ أبی طالِبٍ، وَالثّالِثُ أفْضَلُهُمْ.

داود بن بلال بن اجنحه روایت کرده که رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

صدیقین سه نفرند: حبیب نجار، حزقیل مؤمن آل فرعون، علی بن ابی‌طالب که از همه آنها با فضیلت‌تر است.[35]

[توضیح: حبیب، فردی است که از جای دور دست شهر با شتاب آمد و مردم انطاکیه را پند داد که از فرشتگان خدا پیروی کنید. داستانش در سوره مبارکه یس است.

مؤمن آل فرعون همان است که ایمانش را از فرعونیان پنهان می‌داشت و آنان را از مخالفت با موسی علیه‌السلام باز

می‌داشت و می‌گفت: «آیا مردی را می‌کشید که می‌گوید پروردگارم خداست؟»]

## حامل لوای حمد

عن محدوج بن زید الذهلی- فی حدیث-: قال النبی صلى‌الله‌عليه‌وآله لعلی:

ألا وَإنّی اخبِرُکَ یا عَلِیُّ إنَّ امَّتی أوَّلُ الْامَمِ یُحاسَبُونَ یَوْمَ الْقِیامَةِ، ثُمَّ ابَشِّرُکَ بِأنَّکَ أوّلُ مَنْ یُدعی لِقَرابَتِکَ مِنّی وَمَنْزِلَتِکَ عِنْدی فَیُدْفَعُ إلَیْکَ لِوائی لِواءَ الْحَمْدِ وَ هُوَ أوَّلُ لِواءٍ یُسارُ بِهِ بَیْنَ السِّماطَیْنِ؛ آدمُ وَ جَمیعُ خلقِ اللهِ یَسْتَظِلُّونَ بظلِّ لِوائی یَومَ القِیامَةِ.

محدوج بن زید ذهلی در ضمن حدیثی نقل می‌کند که رسول خدا- که درود خدا بر او و خاندانش باد-، به علی علیه‌السلام فرموده است:

آگاه باش امتم نخستین امت‌هاست که در رستاخیز محاسبه می‌شوند، بشارت باد که تو به لحاظ قرابت و خویشاوندی که با من داری و به جهت موقعیت و منزلتی که پیش من داری اولین کس هستی که خوانده می‌شوی و پرچم حمد من در اختیارت گذاشته می‌شود و آن نخستین پرچمی است که در

بین دو گروه به اهتزاز در می‌آید. همه آفریدگان، روز رستاخیز در سایه پرچم من‌اند.[36]

## منزلت علی علیه‌السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله

عن عمران بن حصین: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

عَلِیٌّ مِنّی وَ أنَا مِنْهُ، وَ هُوَ ولِیُّ کُلِّ مُؤمِنٍ مِنْ بَعْدی.

از عمران بن حصین روایت شده است که پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

علی از من است و من از او هستم، و او سرپرست هر مؤمنی بعد از من است.[37]

## همانند هارون علیه‌السلام نسبت به موسی علیه‌السلام

عن عمر و أنس و جابر بن عبدالله و غیر هم: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

عَلِیٌّ مِنّی بِمَنْزِلةِ هارُونَ مِن موسی إلّا أنَّهُ لا نَبِیَّ (بَعْدی).

از عمر و انس و جابر بن عبدالله و غیر آنان روایت است که پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

نسبت علی به من همان نسبتی است که هارون به موسی داشت منهای نبوت.[38]

## عینیت با پیامبر صلی الله علیه و آله

عن ابن عباس: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

عَلِیٌ مِنّی بِمَنْزِلَةِ رَأسی مِنْ بَدَنی.

از ابن عباس روایت شده که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

علی، به منزله سر از جسدم است.[39]

[علامه مناوی درشرح آن می‌نویسد: این سخن مبالغه در شدت اتصال و پیوند آنها با یکدیگراست.]

چون ستاره صبح می درخشد

عن أنس: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

عَلیُّ بْنُ أبی طالِبٍ یَزْهَرُ فِی الجَنَّةِ کَکَوْکَبِ الصُّبْحِ لأهْلِ الدُّنْیا.

از انس روایت شده که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

علی بن ابی‌طالب در بهشت می‌درخشد چنان که ستاره صبحگاهی بر اهل دنیا می‌درخشد.[40]

## علی علیه‌السلام درِ آمرزش الهی

عن ابن عباس: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

عَلِیُّ بْنُ أبی‌طالب بابُ حِطَّةٍ، مَنْ دَخَلَ مِنْهُ کانَ مُؤْمِناً، وَ مَنْ خَرَجَ مِنْهُ کان کافِراً.

از ابن عباس روایت است که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

علی بن ابی‌طالب باب حطه بنی اسرائیل است کسی که از آن در وارد شود مؤمن است و کسی که از او خارج گردد کافر است.[41]

[توضیح: لفظ حطه دو بار در قرآن به کار رفته است: سوره بقره، آیه 58 و سوره اعراف، آیه 161 و هر دو درباره بنی‌اسرائیل است. باب حطه آن دری بود که بنی اسرائیل با وارد شدن از آن، در امان بودند. شاید وجه شبه در حدیث چنین باشد که آن باب مظهر فروتنی در مقابل ذات لایزال الهی و قوانین اوست. انقیاد از علی عليه‌السلامهم، چنین است.

مقصوداز «خرج منه»، «خرج علیه» است. یعنی کسی که بر او خروج کند. نیز نک: فیض القدیر، ج 4، ص 356]

## تقسیم‌گر آتش دوزخ

عن حذیفة: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

عَلیٌّ قَسیمُ النّارِ.

از حذیفه روایت است که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

علی تقسیم‌گر آتش دوزخ است.[42]

## نخستین گروه بهشتی

عن علی علیه‌السلام قال: أخبرنی رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

إنَّ أوَّلَ مَنْ یَدْخُلُ الْجَنَّةَ أنَا و فاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ.

فَقُلْتُ: یا رَسُولَ اللهِ، صلى‌الله‌عليه‌وآله فَمُحِبُّونا؟ قالَ: مِنْ وَرائِکُمْ.

از علی نقل است که فرمود: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله به من فرمود:

همانا نخستین گروهی که به بهشت در آیند من و فاطمه و حسن و حسین می‌باشیم.

پرسیدم: «دوستداران ما چه موقعیتی دارند؟»

فرمود: «ایشان به دنبال سر شما وارد بهشت می‌شوند.»[43]

## خدایا! دوستش بدار

عن انس بن مالک اهدی لرسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله طیر فقال:

اللّهُمَّ ائْتِنی بِرَجُلٍ یُحِبُّهُ اللهُ وَ یُحِبُّهُ رَسُولُهُ، قالَ أنَس: فَأتی عَلِیٌّ فَقَرَعَ البابَ فَقُلْتُ: إنَّ رَسُولَ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم مَشْغُولٌ وَ کُنْتُ احِبُّ أنْ یَکُونَ مِنَ الأنْصارِ ثُمَّ، إنَّ عَلِیّاً فَعَلَ مِثْلَ ذلِکَ، ثُمَّ أتَی الثالِثَةَ، فَقالَ رَسُولُ الله صَلَی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ: یا أنَسُ أدْخِلْهُ فَقَدْ عَنَیْتُهُ فَلَمّا أقْبَلَ قَالَ: اللّهُمَّ والِ اللّهُمَّ والِ.

از انس بن مالک روایت شده: پرنده کباب شده‌ای برای رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله هدیه آوردند حضرت فرمود:

خدایا مردی را برسان که خدا او را دوست می‌دارد و پیامبر نیز او را دوست می‌دارد تا با من در خوردن این مرغ بریان شریک شود.

انس گوید: «ناگهان علی در را کوفته تا بر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله وارد شود.» گفتم: «رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله سرگرم کاری است و دوست داشتم شخصی که می‌آید از انصار (مردم مدینه) باشد.» طولی نکشید بار دیگر علی در را به صدا درآورد،

سومین بار نیز علی در را زد. در این هنگام پیامبر فرمود: «در را باز کن که من در دعایم او را قصد کردم.» و چون علی به نزد رسول خدا رسید پیامبر اکرم گفت: «خداوندا! دوستش بدار، خداوندا! دوستش بدار.»[44]

## پیشوای اهل تقوا

عن عبدالله بن حکیم الجهنی: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم :

إنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ أوْحی إلَیَّ فی عَلیٍ ثَلاثةَ أشیاءَ لَیْلَةً اسرِیَ: إنَّهُ سَیِّدُ الْمُؤْمنینَ، وَ إمامُ الْمُتَّقینَ وَ قائِدُ الغُرِّ المُحَجَّلینَ.

از عبدالله بن حکیم جهنی روایت شده که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود:

خداوند، در مورد علی در شب معراج سه نکته را وحی فرمود: «این که او سید و سَرور مؤمنان و پیشوای پروا پیشگان و فرمانده سپید جبینان است.»[45]

## علی علیه‌السلام در بهشت

قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

فاطِمَةُ وَعَلِیٌ وَالْحَسَنُ وَالحُسَیْنُ فی حظیرَةِ القُدْسِ فی قُبَّةٍ بَیْضاءَ سَقْفُها عَرْشُ الرَّحمانِ عَزَّ وَ جَلَّ.

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

فاطمه و علی و حسن و حسین عليهم‌السلام در حظیره قدس (جایگاه قدس) در گنبد سفید رنگی که سقفش به عرش خداوندی منتهی می‌شود جای داده شده‌اند.[46]

## سهم علی عليه‌السلام از حکمت الهی

عن ابن مسعود: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

قُسِّمَتِ الْحِکْمَةُ عَشْرَةَ أجزاءٍ فَاعْطِیَ عَلِیٌّ تِسْعَةً وَ اعْطِیَ الناسُ جُزْءاً واحِداً.

از ابن مسعود روایت شده است که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

حکمت به ده بخش تفسیم شده که نه جزء آن به علی اختصاص یافته است و یک بخش باقیمانده به بقیه مردم موهبت گردیده است.[47]

## علی علیه‌السلام و قرآن

عن أم سلمة، قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

عَلیٌّ مَعَ القُرآنِ، وَ القُرآنُ مَعَ عَلیٍّ، لایَفْتِرَقانِ حتّی یَرِدا عَلَیَّ الْحَوضَ.

ام سلمه نقل می‌کند که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

علی با قرآن است، و قرآن با علی است، و از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا آنکه در روز قیامت کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.[48]

## معیار ایمان و نفاق

عن أبی ذر: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله عَلِیٌّ بابُ عِلْمی، وَمُبَیّنٌ لِامَّتی ما ارْسِلْتُ بِهِ مِنْ بَعْدی. حُبُّه ایمانٌ، وَ بُغْضُهُ نِفاقٌ، وَ النَّظَرُ الَیْهِ رَأفةً وَ مَوَدَّتُهُ عِبادَةٌ.

از ابوذر روایت است که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

علی دروازه دانش من است، و پس از من، تبیین کننده رسالتم (دین خدا) برای امتم خواهد بود؛ دوستی‌اش ایمان و دشمنی‌اش نفاق و دورویی است، و نگریستن به رخسارش از روی رأفت و مودت، عبادت است.[49]

## پیامبر و علی علیهما السلام از یک نورند

عن سلمان: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

کنتُ أنَا وَ عَلیٌّ نُوراً بَیْنَ یَدَیِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ مُعَلَّقاً، یُسَبِّحُ اللهَ ذلِکَ النُّورُ وَ یُقَدِّسُهُ قَبْلَ أنْ یَخْلُقَ اللهُ آدَمَ بِأرْبَعَةِ (عَشْرِ) ألْفِ عامٍ، فَلَمّا خَلَقَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ آدَمَ رَکَّبَ ذلِکَ النُّور فی صُلْبِهِ فَلَمْ نَزَلَ فی شَیْ‌ءٍ واحِدٍ حَتَّی افْتَرَقْنا فی صُلْبِ عَبْدِ المُطَلِّبِ فَجُزْءٌ أنَا وَ جُزْءٌ عَلِیٌ.

از سلمان فارسی روایت شده که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

من و علی در پیشگاه الهی به صورت نوری معلق بودیم؛ آن نور، تسبیح و تقدیس خدا را می‌کرد. [تسبیح یعنی تنزیه و گفتن سبحان الله. تقدیس یعنی خدا را بدون هر عیب و نقص دانستن چهار (ده) هزار سال پیش از آن که آدم را بیافریند. چون حضرت آدم را خلق کرد آن نور را در صلب او قرار داد، ما پیوسته با هم دریک چیز بودیم تا آن که در پشت عبدالمطلب از یکدیگر جدا شدیم یک جزء

آن من و جزء دیگر آن علی شد. [من در نبوت بروز کردم و علی در خلافت [50]

نامیده شدن علی علیه‌السلام به امیر مؤمنان

عن حذیفة: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

لَوْ عَلِمَ النّاسُ مَتی سُمِّیَ عَلِیٌ أمیرَ المُؤْمِنینَ ما أنْکَرُوا فَضْلَهُ، سُمِّیَ أمیرَ المؤمِنینَ وَ آدَمُ بَیْنَ الرُّوحِ وَ الْجَسَدِ. قالَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ: «وَ إذِ أخَذَ رَبُّکَ مِنْ بَنی آدَمَ مَنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِیَّتَهُمْ وَ أشْهَدَهُمْ عَلی أنْفُسِهِمْ ألَسْتُ بِرَبِّکُمْ» قالَتِ المَلائِکَةُ: «بَلی» فَقالَ تَبارَکَ وَ تَعالیَ: «أنَا رَبُّکُمْ وَمُحَمَّدٌ نَبیُّکُمْ وَعَلِیٌ أمیرُکُم».

از حذیفه روایت شده که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

اگر مردم می‌دانستند از چه وقت علی، امیرمؤمنان نامگذار شده است، فضل و برتری‌اش را انکار نمی‌کردند. پس افزود: «او امیر المؤمین نامیده شد در حالی که آدم در هنگامه دمیدن روح در جسدش بود.»

خداوند فرمود: «و چون پروردگارت از پشت فرزندان آدم، پیمان گرفت و آنان را بر خودشان گواه کرد که: آیا من پروردگار شما نیستم؟» (اعراف/ 172)

فرشتگان گفتند: بلی.

پس خداوند متعال فرمود: «من پروردگار شما و محمد پیامبرتان و علی امیر شماست.»[51]

## برتری ایمان علی علیه‌السلام بر هر ایمانی

عن عمر بن الخطاب: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

لَوْ أنَّ السَّماواتِ وَ الأرْضَ وَضَعَتا فی کَفّةٍ وَ ایمانُ عَلِیٍّ فی کَفَّةٍ لَرُجِّحَ ایمانُ عَلِیٍّ.

از عمر بن خطاب روایت شده که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

اگرآسمان‌ها و زمین را در یک کفه ترازو بگذارند و ایمان علی را در کفه دیگر، بی‌شک ایمان علی از آن سنگین‌تر خواهد بود.[52]

[توضیح: ایمان امیر المؤمنین علیه‌السلام در حدی است که خود فرموده: لو کشف الغطاءُ ما ازددت یقیناً.]

## عبادت بدون ولایت امیر مؤمنان علیه‌السلام اثری ندارد

عن علی بن ابی طالب علیه‌السلام: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله:

لَوْ أنَّ عَبْداً عَبَداللهَ مِثْلَ ما قامَ نُوحٌ فی قَوْمِهِ، وَکانَ لَهُ مِثْلُ احُدٍ ذَهَباً فَأنْفَقَهُ فی سَبیلِ اللهِ، وَ مُدَّ فی عُمْرِهِ حَتّی یَحُجَّ ألْفَ عام عَلی قَدَمَیْهِ، ثُمَّ قُتِلَ بَیْنَ الصّفا والْمَرْوَةِ مَظْلُوماً، ثمَّ لَمْ یُوالِکَ یا عَلِیٌ، لَمْ یَشُمَّ رائِحَةَ الجَنّةَ وَلَمْ یَدْخُلْها.

از علی بن ابی‌طالب عليه‌السلامروایت شده که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

هرگاه بنده‌ای خدا را به مدت عمر نوح که در میان قومش قیام کرد [نهصد و پنجاه سال به عبادت خدا بپردازد، و به مقدار کوه احد طلا داشته باشد و در راه خدا انفاق کند، و بر فرض به قدری عمر کند تا بتواند با پای پیاده هزار سال حج به جا آورد، و بعد (دربهترین مکان) بین صفا و مروه به ناحق کشته شود، اما ولایت تو را قبول نداشته باشد بوی بهشت به مشام او نمی‌رسد و داخل آن نمی‌شود.[53]

## پیام‌رسان برائت

عن أبی سعید الخدری: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله (فی قصة إعلان البراءة):

یا عَلِیُّ! إنَّهُ لا یُؤَدّی عَنّی إلّا أنَا أوْ أنْتَ.

از ابوسعید خدری روایت است که پیامبر اکرم (در ارتباط با اعلام برائت از مشرکان) فرمود:

ای علی! (آنچه وظیفه بر عهده من است) را ادا نمی‌کند جز خودم یا تو.[54]

[توضیح: پیامبر در سال نهم هجرت برای منع مشرکان از ورود به مسجدالحرام و رفع هر نوع پیمان از آنها، ابوبکر را با شانزده آیه از آغاز سوره برائت به مکه اعزام کرد تا در موسم حج آیات را بر حاضران بخواند. ابوبکر در نیمه راه بود که جبرئیل بر پیامبر نازل شد و فرمود: «امر الهی آن است که این آیات را یا خودت یا مردی از اهل بیت تو بر مردم ابلاغ کند.»]

## سفارش پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به ولایت پذیری

عن عمار بن یاسر: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

أوُصی مَنْ آمَنَ بی وَصَدَّقَنی بِوِلایَةِ عَلِیِّ بْنِ أبی‌طالِبٍ، فَمَنْ تَوَلّاهُ فَقَدْ تَوَلّانی وَ مَنْ تَوَلّانی فَقَدْ تَولَی اللهَ عَزَّوَجَلَّ، وَ مَنْ أحَبَّهُ فَقَدْ أحَبنَّی، وَ مَنْ أحَبَنّی فَقَدْ أحَبَّ اللهَ- تَعالی- وَ مَنْ أبْغَضَهُ فَقَدْ أبْغَضَنی وَ مَنْ أبْغَضَنی فَقَدْ أبْغَضَ اللهَ عَزَّوَجَلَّ.

از عمّار بن یاسر نقل است که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

به آن کس که به من ایمان آورده و مرا تصدیق نموده سفارش می‌کنم به ولایت علی بن ابی‌طالب. هر کس ولایت او را بپذیرد در حقیقت ولایت مرا پذیرفته ومعتقد به ولایت من ولایت الهی را پذیرفته، و هر کس او را دوست بدارد در حقیقت مرا دوست داشته و کسی که مرا دوست داشته باشد در حقیقت خدا را دوست داشته، و هر کس او را دشمن بدارد حقیقتاً مرا دشمن داشته و هر کس با من دشمنی ورزد در واقع با خداوند، دشمنی ورزیده است.[55]

## علی عليه‌السلام کفو (همتای) فاطمه سلام الله علیها

عن امّ سلمة: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

لَوْ لَمْ یُخْلَقْ عَلِیٌّ ما کانَ لِفاطِمَةَ کُفْوٌ.

از ام سلمه روایت است که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

اگر خداوند علی را برای فاطمه نیافریده بود کفو (همتایی) برای فاطمه سلام الله علیها نبود.[56]

[توضیح: به طور مسلم مقصود از کفویت و همتایی مهین دخت رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله که سیده نساء عالمین است با امیر المؤمنین علیه‌السلام که سیّدِ وصیین است، در عصمت و دانش و بینش و نکات والای اخلاقی و مقام قرب و فنا و آگاهی از اسرار قدسی و اسماء و صفات خداوند است نه همتایی از جهت خویشاوندی و امثال آن.]

## اگر در دل همه، مهر علی علیه‌السلام بود

عن ابن عباس: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

لَوِ اجْتَمَعَ النّاسُ عَلی حُبِّ عَلِیِّ بْنِ أبی طالِبٍ لَما خَلَقَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ النّارَ.

از ابن عباس روایت شده که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود:

اگر مردم بر محبت علی بن ابی‌طالب اتفاق داشتند خدای بزرگ، آتش دوزخ را نمی‌آفرید.[57]

[توضیح: علی بن عیسی اربلی در شرح این روایت می‌نویسد: راز مطلب این است که محبت علی علیه‌السلام فرع محبت پیامبر است و محبت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرع محبت خدا و توحید او و عمل به تکالیف و اطاعت از اوامر و نواهی الهی و التزام به کتاب و سنت نبوی است. بدیهی است اگر مردم همگی بر این فطرت مبارک پایبند بودند خداوند دوزخ را نمی‌آفرید. کشف الغمه، 1، ص 100.

عالم دیگری درذیل حدیث فوق می‌گوید: ازاین حدیث شریف فهمیده می‌شود که عذاب و آتش فقط برای مخالفان (یعنی دشمنان امیر و فرزندانش عليه‌السلام ، آفریده شده است.]

## علی علیه‌السلام جدا کننده بین حق و باطل

عن أبی‌ذر و سلمان: أخذ النبی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بید علی فقال:

إنَّ هذا أوَّلُ مَنْ آمَنَ بی، وَ هذا أوَّلُ مَنْ یُصافِحُنی یَوْمَ القِیامَةِ، وَ هذا الصِدّیقُ الأکُبَرُ، وَ هذا فارُوقُ هذِهِ الأُمَّةِ یَفْرُقُ بینَ الحَقِّ وَ الباطِلِ، وَ هذا یَعْسُوبُ المُؤمِنینَ، وَ المالُ یَعْسُوبُ الظالِمینَ.

ازابوذر و سلمان روایت شده که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله دست علی علیه‌السلام را گرفت و فرمود:

به درستی که این مرد اولین کس از امت است که به من ایمان آورد. و نخستین کس است که در روز رستاخیز با من مصافحه کند و اوست صدّیق اکبر (بزرگترین راستگو) و فاروق امت که حق و باطل را از هم جدا و متمایز می‌سازد. و این است خسرو مؤمنان و مال، خسرو ستمکاران می‌باشد.[58]

## ارزش مبارزة علی علیه‌السلام

عن معاویة بن حیدة: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

لَمُبارَزَةُ عَلِیِّ بْنِ أبی‌طالِبٍ لِعَمْرِوبْنِ عَبْدِود یَوْمَ الخَنْدَقِ أفْضَلُ مِنْ أعْمالِ امَّتی إلی یَومِ القِیامَةِ.

از معاویة بن حیده روایت است که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

بی‌شک مبارزه علی بن ابی‌طالب با عمرو بن عبدود در روز (احزاب) و جنگ خندق از اعمال امتم تا روز رستاخیز برتر است.[59]

## دشمن علی علیه‌السلام غیر مسلمان است

عن معاویة بن حیدة: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

مَنْ ماتَ وَ فی قَلْبِهِ بُغْضُ عَلِیِّ بْنِ أبی طالِبٍ فَلْیَمُتْ یَهودیاً أو نَصرانِیّاً.

از معاویه بن حیده روایت است که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

هر که بدرود حیات گوید و در دلش دشمنی علی بن‌ابی‌طالب باشد پس بایست یهودی یا نصرانی از دنیا رخت بربندد.[60]

## سزای توهین به علی علیه السلام

عن ابن عباس: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

مَنْ سبَّ عَلیِاً فَقَدْ سَبَّنی، وَ مَنْ سَبَّنی فَقَدْ سَبَّ اللهَ، وَ مَنْ سَبَّ اللهَ أدْخَلَهُ اللهُ نارَ جَهَنَّمَ وَ لَهُ عَذابٌ مُقیمٌ.

از ابن عباس روایت است که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

کسی که به علی دشنام دهد، به من دشنام داده است و کسی که به من دشنام دهد، در حقیقت به خدا دشنام داده است و هر کس به خدا ناسزا گوید خداوند او را در آتش دوزخ می‌افکند و همواره دچار عذاب خواهد بود.[61]

## نام علی علیه‌السلام بر سر درِ بهشت

عن جابر بن عبدالله: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

مَکْتُوبٌ عَلی بابِ الجَنِّةِ [لا إلهَ الّا اللهُ ، مُحمَّدٌ رَسُولُ اللهِ، عَلِیُ بْنُ أبی طالِبٍ أخَوُ رَسُولِ اللهِ قَبْلَ أنْ یَخْلُقَ [اللهُ السَّماواتِ وَ الْأرْضَ بِألْفَیْ عامٍ.

از جابر بن عبدالله روایت است که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

بر سر درِ بهشت نوشته شد: [خدایی جز الله نیست محمد فرستاده خداست، و علی برادر فرستاده خداست و پیش از دوهزار سال از آنکه خداوند آسمان و زمین را بیافریند.[62]

## علی علیه‌السلام همانند سوره اخلاص است

عن حذیفة: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

مَثَلُ عَلِیِّ بْنِ أبی طالِبٍ فِی النّاسِ مَثَلُ «قُلْ هُوَ اللهُ أحَدٌ» فِی القُرآنِ.

از حذیفه نقل شده که رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود:

مَثَل علی بن ابی طالب در میان مردم مَثَل «قل هو الله احد» در قرآن است.[63]

## نظر به ماه رخسار علی علیه‌السلام عبادت است

عن عائشة و أبوبکر و عمر و عثمان و ابن مسعود و ثوبان و أبی‌ذر و جابر و أنس و عمران بن الحصین: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

النَّظَرُ إلی وَجْهِ عَلیٍّ عِبادَةٌ.

از عایشه و أبوبکر و عمر و عثمان و ابن مسعود و ثوبان و أبی‌ذر و جابر و أنس و عمران بن حصین روایت شده که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

نگاه کردن به سیمای علی عبادت است.[64]

## افضل امامان علیهم السلام

عن أنس بن مالک: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

هَبَطَ عَلَیَّ المَلِکانِ لَمْ یَهْبِطا مُنْذُ کانَتِ الأرْضُ، فَبَشَّرانی أنَّ الحَسَنَ وَ الحُسَیْنَ سِیّدا أهْلِ الجَنّةِ. فَقُلْتُ: ابُوهُما خَیْرٌ مِنْهُما.

انس بن مالک نقل کرده که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

دو ملک بر من نازل شدند که از آغاز آفرینش زمین تا آن زمان، فرود نیامده بودند. آن دو به من بشارت دادند که حسن و حسین سَرور و آقای بهشتیان‌اند. من افزودم: «پدرشان از آن، بهتر است.»[65]

## حدیث جواز

عن علی علیه‌السلام: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

اذا جَمَعَ اللهُ الأوَّلینَ وَالآخِرِینَ یَوْمَ القِیامَةِ وَ نَصَبَ الصِّراطَ عَلی جِسْرِ جَهَنَّمَ ما جازَها أحَدٌ حَتّی کانَ مَعَهُ بَراءَةٌ بِوِلایَةِ عَلِیِّ بْنِ أبی طالِبٍ.

از علی علیه‌السلام نقل است که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

چون خداوند، اولین و آخرین را در روز رستاخیز جمع آورد و صراط را بر روی پل دوزخ؛ نصب کند، احدی از آن عبور نکند مگر کسی که سند رهایی از آتش به واسطه ولایت علی بن ابی‌طالب را در دست داشته باشد.[66]

## اسلام و ایمان علی علیه‌السلام

عن عمر بن الخطاب: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

یا عَلیُّ، أنْتَ اوَّلُ المُسْلِمِینَ اسْلاماً، وَ أنْتَ أوَّلُ الْمُؤمِنینَ.

از عمر بن خطاب روایت است که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

ای علی! تو اولین فردی که اسلام را پذیرفتی و تو نخستین فرد از مؤمنان می‌باشی.[67]

## مواسات امام علی علیه‌السلام

لَمّا قَتَلَ عَلِیٌ عَلَیْهِ‌السَّلامُ یَوْمَ احُد أصْحاب الْالویةِ، قال جبْرئیلُ: یا رَسُولَ اللهِ، إنَّ هذِهِ لَهِیَ المُواساةُ، فَقالَ النَّبِیُّ صلى‌الله‌عليه‌وآله : إنَّهُ مِنّی وَ أنَا مِنْهُ. قالَ جِبْرَئیلُ: وَ أنَا مِنْکُما یا رَسُولَ اللهِ.

هنگامی که علی در جنگ احد پرچمداران سپاه کفر را به قتل رساند، جبرئیل علیه‌السلام به رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله چنین گفت:

حقاً این است معنای مواسات. رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: «آخر او از من است و من از اویم.» جبرئیل علیه‌السلام گفت: «من هم از شمایم ای رسول خدا.»[68]

## امارت امیر مؤمنان علیه‌السلام

عن بریدة: قال:

أمَرَنا رَسُولُ الله صلى‌الله‌عليه‌وآله أنْ نُسَلِّمَ عَلی عَلیٍّ عَلَیْهِ‌السَّلامُ ب «إمْرَةِ الْمُؤْمِنینَ».

از بریده نقل است که گفت:

پیامبر اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله به ما امر کرد به علی به عنوان فرمانده اهل ایمان و امیر مؤمنان سلام کنیم.[69]

## دوستدار علی علیه‌السلام دوستدار رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم است

عن سلمان الفارسی: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم :

یا عَلیُّ، مُحِبُّکَ مُحِبِّی، وَ مُبْغِضُکَ مُبْغِضی.

سلمان فارسی نقل کرده که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

ای علی! محبّ تو دوستدار من است و دشمن تو دشمن من خواهد بود.[70]

## دور ساختن منافقان از حوض کوثر

عن أبی سعید: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

یا عَلِیُّ، مَعَکَ یَوْمَ القِیامَةِ عَصاً مِنْ عُصِیِّ الجَنَّةِ تَذوُدُ بِها المُنافِقِینَ عَنْ حَوْضِی.

ابو سعید گوید: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

ای علی! دررستاخیز عصایی از عصاهای بهشتی در اختیار داری که به وسیله آن منافقان را از حوضم خواهی راند.[71]

## راه رفتن در زمین بر دشمن علی علیه‌السلام حرام است

عن ابن عباس: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

یا عَلِیُّ، إنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ زَوَّجَکَ فاطِمَةَ وَجَعَلَ صِداقَهَا الأرْضَ، فَمَنْ مَشِیَ عَلَیْها مُبْغِضاً لَکَ یَمْشی حَراماً.

از ابن عباس روایت شده که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

یا علی! به درستی که خداوند با عزّ و جلال فاطمه را به ازدواج تو درآورد و زمین را مهریه او قرار داد؛ پس هر کسی که روی زمین راه برود در حالی که دشمن تو باشد و بغض تو را داشته باشد این راه رفتن او حرام است.[72]

## هدیة فرشتگان به شیعیان علی علیه‌السلام

عن أبی بکر: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

أنَّ اللهَ خَلَقَ مِنْ نُورِ عَلِیِّ بْنِ أبی طالِبٍ مَلائِکَةً یُسَبِّحُونَ وَ یُقَدِّسُونَ وَ یَکْتُبُونَ ثَوابَ ذلِکَ لِمُحِبّیهِ وَمُحِبّی وُلْدِهِ.

از ابوبکر نقل شده که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود:

همانا خدا از نور علی بن ابی‌طالب فرشتگانی آفرید که خداوند را تسبیح گویند و تقدیس نمایند و ثواب آن را برای دوستان علی و دوستان فرزندانش ثبت و ضبط کنند.[73]

## آزردن علی علیه‌السلام اذیت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم است

عن عمر بن الخطاب: قالَ: کُنْتُ أجْفُو عَلیّاً، فَلَقَیِنی رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله فقالَ:

إنَّکَ آذَیْتَنی یا عُمَر!

فَقْلُتْ: أعُوذُ بِاللهِ مِمَّنْ أذی رَسُولَهُ!

قال: إنَّکَ قَدْ آذَیْتَ علِیّاً، وَ مَنْ آذی عَلِیّاً فَقَدْ آذانی.

از عمر بن خطاب نقل است که گفت: همواره به علی جفا و اذیت روا می‌داشتم. روزی پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله مرا دید و فرمود:

ای عمر! مرا آزار دادی.

گفتم: به خدا پناهنده می‌شوم از کسی که رسولش را بیازارد.

فرمود: تو علی را اذیت کردی و هر کس علی را آزرده و اذیت کند، در حقیقت مرا اذیت نموده است.[74]

## همه درها جز در خانه علی علیه‌السلام را ببندید

عَنْ سَعْدِ بْنِ مالِک أمَرَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله بِسَدِّ الأبْوابِ الشّارِعَة فی الْمَسْجِدِ وَ تَرَکَ بابَ عَلی (قال الهِیْثَمِی: رَواهُ أحْمَدُ وَ أبُو یَعْلی وَ البزارُ وَ الطبرانی فِی الأوْسَطِ، وَ زادَ قالُوا: یا رَسُولَ اللهِ، سَدَدْتُ أبْوابَنا کُلَّها إلّا باب عَلی؟ قالَ:

ما أنَا سَدَدْتُ أبْوابَکُمْ وَ لکِنَّ اللهَ سَدَّها.

سعد بن مالک گفت: رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمان داد تمام درهای خانه‌هایی را که به داخل مسجد، باز می‌شد ببندیم و در خانه علی را وا نهاد.

هیثمی می‌نویسد: این حقیقت را احمد، و ابویعلی، بزار و طبرانی در الأوسط روایت کرده‌اند و افزوده که ایشان گفتند: ای رسول خدا! درهای ما را بستی و در خانه علی علیه‌السلام را وا نهادی. حضرت فرمود:

درهای شما را من نبستم، خداوند آنها را بست.[75]

## پرچمدار رسول‌خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در هر دو سرا

عن جابر، قال: قالوا: یا رسول الله! مَنْ یَحْمِلُ رایَتَکَ یَوْمَ القِیامَة؟ قالَ:

مَنْ یَحْسُنُ أنْ یَحْمِلَها إلّا مَنْ حَمَلَها فِی الدُّنْیا؟: عَلِیَ بْنَ أبی طالِبٍ.

از جابر روایت است که گفت: اصحاب از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله پرسیدند: آن کس که پرچم شما را در روز قیامت حمل خواهد کرد کیست؟

حضرت فرمود: چه فردی جز همان که آن را در دنیا در دست داشت، شایستگی حمل آن را خواهد داشت؟ (علی بن ابی‌طالب)[76]

## قاتل علی علیه السلام، تیره بخت‌ترین امّت

عن جابر بن عبدالله، قال: رَسُول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله لعلی علیه‌السلام:

مَن أشْقَی الثَّمودِ؟ قالَ: مَن عَقَر النّاقَةَ. قالَ: فَمَنْ أشْقی هذِهِ الامَّةِ؟ قالَ: اللهُ أعْلَمُ. قالَ: قاتِلُکَ.

از جابر بن عبدالله نقل است که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله به علی علیه‌السلام فرمود:

می‌دانی تیره بخت‌ترین کسی که در قوم ثمود بود کیست؟ گفت: آنکه پای ناقه صالح علیه‌السلام را قطع کرد. حضرت پرسید تیره بخت‌ترین امت من کیست؟ گفت: الله اعلم (خدا داناتر است) فرمود: کسی‌که تو را به قتل می‌رساند.[77]

 [توضیح: قوم ثمود افرادی سرکش و مغرور بودند؛ پیامبر آنها حضرت صالح علیه‌السلام هر چه آنها را نصیحت کرد، اثر نبخشید. از آن حضرت معجزه خواستند او به اذن خدا در دل کوه ناقه‌ای (شتر ماده‌ای) بیرون آورد؛ آنها به جای اینکه معجزه الهی را بپذیرند، آن ناقه را پی کردند و کشتند، آنها برای پی کردن و کشتن ناقه، فردی شقاوتمند و بی‌رحم به نام «قدار بن سالف» را بدین کار گماشتند و او با یک ضربت شمشیر، شتر را پی کرد، و به عنوان «شقی‌ترین فرد گذشتگان» لقب گرفت و سه روز پس از این ماجرا، بر اثر عذاب الهی، به هلاکت رسیدند.»

شرح در تفسیر نمونه، ج 27، ص 61 و 62، الگوی آسمانی، ص 35؛ معارف و معاریف، ج 3، ص 1383.]

## زینت علی علیه‌السلام

عن عمّار بن یاسر: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

یا عَلِیُّ، إنَّ اللهَ تَعالی قَدْ زَیَّنَکَ بِزِینَةٍ لَمْ تُزَیَّنُ العِبادُ بِزینَةٍ أحَبُّ إلَی اللهِ تَعالی مِنْها، هِیَ زینَةُ الأبْرارِ عِنْدَ اللهِ عَزَّوَجَلَّ: الزُّهْدُ فِی الدُّنْیا، فَجَعَلَکَ لا تَزْرَا مِنَ الدُّنْیا شَیْئاً وَ لاتَزْرَا الدُّنْیا مِنْکَ شَیْئاً وَ وَهَبَ لَکَ حُبَّ المَساکِینَ، فَجَعَلَکَ تَرْضی بِهِمْ أتباعاً، وَ یَرْضُونَ بِکَ إماماً.

از عمّار بن یاسر روایت شده که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

ای علی! خدای متعال تو را به زینتی آراسته است که هیچ بنده‌ای به زیوری چنین مزین نگشته و خدا آن را بیش از هر زینت دیگری دوست دارد و آن زهد در دنیاست که زینت نیکوکاران در نزد خدای با عزت و جلال است.

پس تو را طوری قرار داده که نه ازدنیا دست تو را می‌گیرد و نه دنیا چیزی از تو به دست می‌آورد. خدا در وجود تو علاقه به مساکین را عطا کرد، پس تو را طوری قرار داده که راضی شدی که رهبر آنها باشی

و آنان نیز به پیشوایی چون تو خشنودند.[78]

## صاحب حوض کوثر

عن أبی هریرة و جابر بن عبدالله، قالا: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم

عَلیُّ بْنُ أبی طالِبٍ صاحبُ حَوْضِی یَوْمَ الْقِیامَةِ.

از ابو هریره و جابر بن عبدالله نقل شده است که گفتند: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

در روز قیامت صاحب حوض من علی بن ابی‌طالب خواهد بود.[79]

## نخستین مسلمان

عن أنس، عن رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

صَلَّتِ المَلائِکَةُ عَلَیَّ وَ عَلی عَلِیِّ بْنِ أبی طالِبٍ سَبْعَ سِنینَ، وَ ذلِکَ أنَّهُ لَمْ تُرْتَفَعْ شَهادَةُ أنْ لا إلهَ إلّا اللهُ إلَی السَّماءِ إلّا مِنّی وَ مِنْ عَلِیٍّ.

انس نقل کرده که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

فرشتگان الهی مدت هفت سال بر من و علی‌بن ابیطالب درود می‌فرستادند. و این در زمانی بود که هنوز شعار توحید و کلمه لا اله الا الله جز از من و علی به آسمان بر نمی‌خاست.[80]

## علی علیه‌السلام برادر پیامبر صلی الله علیه و آله

عن عبدالله بن عمر. قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

عَلِیٌ أخی فِی الدُّنْیا وَ الآخِرَةِ.

از عبدالله بن عمر روایت است که گفت: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود:

علی برادر من است در این جهان و سرای دیگر.[81]

## برادر و وزیر پیامبر صلی الله علیه و آله

قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم :

أخی وَ وَزیری، وَ خَیْرُ مَنْ أتَرَکُ بَعْدی، یَقْضی دینی، وَ یُنْجِزُ وَعْدی عَلِیُّ بْنُ أبی طالِب.

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

برادر و وزیر، و بهترین شخصی که بعد از خود می‌گذارم و دین مرا تأدیه کرده و وعده‌هایم را عملی می‌سازد، علی بن ابی‌طالب است.[82]

## راه علی علیه‌السلام حق است

عن عمّار بن یاسر، سمعنا رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله یقول:

عَلِیُّ مَعَ الْحَقُّ وَ الْحَقُّ مَعَ عَلِیٍّ، لا یَفْتَرِقانِ حَتّی یَرِدا عَلَیَّ الْحَوْضَ یَوْمَ القِیامَةِ.

عمّار بن یاسر گفت: شنیدم رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

علی با حق است و حق با علی است؛ این دو از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا در رستاخیز در کنار حوض کوثر بر من درآیند.[83]

## کینه‌های پنهان

عن علی علیه‌السلام:

بَیْنَما رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم آخِذٌ بِیَدی، وَ نَحْنُ نَمْشی فی بَعْضِ سکَکِ المَدینَةِ، إذْ أتَیْنا عَلی حَدیقَةٍ، فَقُلْتُ: یا رَسولَ اللهِ، ما أحْسَنَها مِنْ حَدیقَةٍ! قالَ: لَکَ فی الجَنَّةِ أحْسَنُ مِنْها. ثُمَّ مَرَرْنا بِاخْری فَقُلْتُ: یا رَسُولَ اللهِ، ما أحْسَنَها مِنْ حَدیقَةٍ! قالَ: لَکَ فِی الْجَنَّةِ أحْسَنُ مِنْها. حَتَّی مَرَرْنا بِسَبْعِ حَدائِقَ، کلُّ ذلِکَ أقُولُ: ما أحَسْنَهَا! وَ یَقُوُل: لَکَ فِی الجَنَّةِ أحْسَنُ مِنْها.

فَلَمّا خَلا لَهُ الطَّریقُ اعْتَنَقَنی، ثُمَّ أجْهَشَ باکِیاً. [قالَ: قُلْتُ: یا رَسُولَ اللهِ، مَا یُبْکیکَ؟ قالَ: ضَغائِنُ فی صُدُورِ أقْوامٍ لا یُبْدُونَها لَکَ إلّا مِنْ بَعْدی .

قالَ: قُلْتُ: یا رَسُولَ اللهِ، فی سَلامَةٍ مِنْ دینی؟

قالَ: فی سَلامَةٍ مِنْ دینِکَ.

علی علیه‌السلام می‌گوید:

روزی به اتفاق رسول خدا در حالی که دست مرا در

دست خود داشت در بعضی از کوچه‌های مدینه می‌رفتیم. از کنار باغی گذشتیم. عرضه داشتم یا رسول الله! این باغ چه زیبا است! فرمود: باغی که در بهشت برای تو مهیّا شده از این زیباتر است. سپس قدم زنان به باغ دیگری رسیدیم، گفتم: ای پیامبر خدا، صلى‌الله‌عليه‌وآله این باغ نیز زیبا است!

فرمود: باغ تو در بهشت زیباتر از آن است.

تا اینکه از هفت باغ گذشتیم در همه آنها من همان سخن پیشین را و آن حضرت همان پاسخ را تکرار کردیم. هنگامی که به پایان راه رسیدیم پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله مرا در آغوش گرفت و سخت بگریست.

عرضه داشتم: ای پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله ، چرا می‌گریی؟

فرمود: از کینه‌هایی که در سینه گروهی علیه تو نهفته شده و آشکار نمی‌کنند مگر پس از آنکه مرا از دست بدهند.

پرسیدم: آیا من بر سلامت دینم خواهم بود؟

فرمود: بله در سلامت دینت می‌مانی.[84]

## پدرم فدای شهید تنها!

عن عائشة: رَأیْتُ النَّبِی صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم الْتَزَمَ عَلِیّاً وَ قَبَّلَهُ وَ یقُول:

بِأبیِ الوَحیدُ الشهیدُ، بأبی الوحیدُ الشهیدُ.

از عایشه نقل شده است که گفت: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله را دیدم که علی را به خود چسبانده و می‌بوسید و می‌فرمود:

پدرم فدای آن شهید تنها باد، پدرم فدای شهید تنها.[85]

## هم‌درجه پیامبر صلی الله علیه و آله

عن علی علیه‌السلام: ان رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله أخذ بید حسن و حسین فقال:

مَنْ أحَبَّنیَ وَ أحَبَّ هذَیْنِ وَ أباهُما وَ أمَّهُما کانَ مَعِیَ فی دَرَجَتی یَوْمَ القِیامَةِ.

از علی علیه‌السلام روایت است که رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله دست حسن و حسین را گرفت و فرمود:

هر کس مرا و این دو نفر و پدر و مادرشان را دوست داشته باشد، در روز قیامت با من در یک رتبه خواهد بود.[86]

[توضیح: این بدان جهت است که هر کس مردمی را دوست داشته باشد با آنها محشور می‌شود.]

## پرسش در قیامت

عن أبی برزة: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

لاتَزُولُ قَدَما عَبْدٍ حَتی یُسْألَ عَنْ أرْبَعَةٍ:

عَنْ جَسَدِهِ فیما أبْلاهُ، وَ عُمْرِهِ فیما أفْناهُ، وَ مالِهِ مِنْ أیْنَ إکْتَسَبَهُ وَ فیما أنْفَقَهُ، وَ عَنْ حُبِّ أهْلِ البَیْتِ.

فَقیلَ: یا رَسُولَ اللهِ، فَما عَلامَةُ حُبِّکُمْ؟

فَضَرَبَ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بِیَدِهِ عَلی مِنْکَبِ عَلیٍ عَلَیْهِ‌السَّلامُ.

ابن برزه روایت کرده که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

هیچ بنده‌ای [روز قیامت گام از گام بر نمی‌دارد تا از چهار چیز بازخواست شود: از جسدش که در چه راهی آن را فرسوده، از عمرش که آن را در چه راهی صرف نموده، از مالش که از کجا آورده و در چه راهی خرج کرده، و از دوستی با ما اهل بیت [که در دل پرورده یا نه؟]

سؤال شد: ای رسول خدا! نشانه دوستی با شما [پس از شما] چیست؟

پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله دست خود را بر شانه علی علیه‌السلام [که کنارش ایستاده بود] زد.[87] دوست علی علیه‌السلام مؤمن و دشمنش منافق است

عن أبی‌ذر: سمعت رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله یقول لعلی علیه‌السلام:

إنَّ اللهَ أخَذَ مِیثاقَ المُؤْمِنینَ عَلی حُبِّکَ، وَ أخَذَ مِیثاقَ المُنافِقینَ عَلی بُغْضِکَ. وَ لَوْ ضَرَبْتَ خَیْشُومَ المُؤْمِنِ ما أبْغَضَکَ، وَ لَوْ نَثَرْتَ الدَنانِیرَ عَلی المُنافِقِ ما أحَبَّکَ. یا عَلِیُّ، لایُحِبُّکَ إلّا مُؤْمنٌ، وَ لایُبْغِضُکَ إلّا مُنافِقٌ.

از ابوذر روایت است که گفت: شنیدم رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله به علی علیه‌السلام فرمود:

خداوند به دوستی تو از مؤمنان پیمان گرفته و نیز بر دشمنی تو از منافقان پیمان گرفته و اگر تو (با شمشیرت) بر بینی مؤمنی ضربه وارد کنی تو را دشمن نخواهد داشت و دل آزرده نخواهد شد. و چنانچه دینارها را به پای منافق بریزی تو را دوست نخواهد داشت.

ای علی! تو را دوست نمی‌دارد مگر مؤمن (به خدا و رسول) و با تو دشمنی نمی‌کند مگر دورو و منافق.[88]

## به دوستی علی عليه‌السلام فرزندانتان را بشناسید

قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله - فی صفة علی علیه‌السلام-:

یا أیُّهَا النّاسُ، إمْتَحِنُوا أوْلادَکُمْ بِحُبِّهِ، فَإِنَّ عَلِیّاً لا یَدْعُو إلی ضَلالَةٍ وَ لایَبْعُدُ عَنْ هدیً، فَمَنْ أحَبَّهُ فَهُوَ مِنْکُمْ، وَ مَنْ أبْغَضَهُ فَهُو لَیْسَ مِنْکُمْ.

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله در صفت علی علیه‌السلام فرمود:

ای مردم! فرزندانتان را به دوستی علی علیه‌السلام آزمایش کنید، زیرا علی به گمراهی نمی‌خواند، و کسی را از هدایت دور نمی‌نماید، هر فرزندی او را دوست داشت از شماست (حلال زاده است) و هر فرزندی او را دشمن داشت، از آن شما نیست (نامشروع است).[89]

## راهنمایی پیامبر صلی الله‌علیه‌وآله

قال الإمام الحسن علیه‌السلام:

أرْسَلَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم إلَی الأنْصارِ فَأتَوْهُ، فَقالَ لَهُمْ: یا مَعْشَرَ الأنْصارِ، ألا أدُلُّکُمْ عَلی ما إنْ تَمَسَّکْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدَهُ؟

قالُوا: بَلی یا رَسُولَ اللهِ. قالَ: هذا عَلِیٌّ، فَأحِبُّوهُ بِحُبّی وَ کَرِّمُوهُ لِکَرامَتی، فَإنَّ جِبْرَئیلَ عَلَیْهِ‌السَّلامُ أمَرَنِی بِالَّذی قُلْتُ لَکُمْ عَنِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ.

امام حسن علیه‌السلام فرمود:

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم پیکی به سوی انصار فرستاد و آنان را فرا خواند، انصار اجابت کردند. حضرت به آنان فرمود:

ای گروه انصار! آیا می‌خواهید شما را به چیزی راهنمایی کنم که اگر به آنان چنگ زنید، هرگز گمراه نشوید؟

گفتند: یا رسول الله بفرمایید.

فرمود: این شخص علی (بن ابی‌طالب) است، او را به سبب محبت و دوستی با من، دوست بدارید و او

را به گرامیداشت من، گرامی بدارید؛ زیرا این گفته را خدای عزّوجل به من فرمان داد تا به شما بگویم.[90]

## بیت رفیع علی و فاطمه علیهما السلام

عن أنس بن مالک و بردة:

قَرَأ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم هذِهِ الآیَةَ: (فِی بُیُوتٍ أذِنَ اللهُ أنْ تُرْفَعَ)، فَقامَ إلَیْهِ رَجُلٌ فَقالَ: أیُّ بُیُوتٍ هذِهِ یا رَسُولَ اللهِ؟

قالَ: بُیُوتُ الأنْبِیاءِ.

فَقامَ إلَیْهِ ابُوبَکْرٍ، فَقالَ: یا رسولَ اللهِ، هَذا الْبَیْتُ مِنْها؟- لَبَیْتُ علیٍّ وَ فاطِمةَ- قالَ: نَعَمْ مِنْ (أفاضِلِها).

از انس بن مالک و بریده نقل شده است که گفتند:

پیامبر اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله این آیه شریفه (فی بیوت اذن الله ان ترفع [توبه/ 36]) را در جمع یاران تلاوت فرمود، یکی از آن میان برخاست و گفت: کدامین خانه‌ها مورد نظر است یا رسول الله؟ حضرت پاسخ داد: خانه‌های انبیاء الهی.

ابوبکر برخاست و اشاره به خانه علی و فاطمه کرد و گفت: ای رسول خدا! آیا این خانه هم شامل این بیوت می‌باشد؟

حضرت جواب فرمود: بلی این خانه جزء

شرافتمندترین و با فضیلت‌ترین آن خانه‌ها می‌باشد.[91]

## توصیه درباره علی علیه‌السلام

قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

مَن سَرَّهُ أنْ یَحْیا حَیاتی وَ یَمُوتَ مَماتی وَ یَسْکُنَ جَنَّةَ عَدْنٍ غَرَسَها رَبّی فَلْیُوالِ عَلِیّاً مِنْ بَعْدی وَلْیُوالِ وَلِیَّهُ، وَلْیَقْتَدِ بِالْأئِمَّةِ مِنْ بَعْدی، فَإنَّهُمْ عِتْرَتی، خُلِقُوا مِنْ طینتی، رزِقُوا فَهْماً وَ عِلْماً، وَ وَیْلٌ لِلْمُکَذِّبینَ بِفَضْلِهِمْ مِنْ أمَّتی، القاطِعینَ فیهِمْ صِلَتی، لا أنا لَهُمُ اللهُ شَفاعَتی.

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود:

هر که بدین دلشاد است که چون من زیست کند، و چون من بمیرد، و در بهشت عدن که پروردگار درختان آن را غرس کرده است جای گیرد، بایستی بعد از من از علی هواداری کند و هوادار هواداران او باشد، و از امامان پس از من پیروی کند؛ زیرا آنان عترت من هستند، از سرشت من آفریده شده‌اند و فهم و علم روزی آنان ساخته‌اند. پس بدا بر تکذیب کنندگان از امت من که پیوند مرا درباره آنان بگسلد، خداوند شفاعت مرا شامل حالشان نگرداند.[92]

## خداوند، دل علی علیه‌السلام را به ایمان آزموده است

عن أمیر المؤمنین علیه‌السلام:

جاءَ سُهَیْلُ بنُ عَمْرو إلی رَسُولِ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله فَقالَ: یا مُحَمَّدُ، إنَّهُ قَدْ خَرَجَ إلَیْکَ اناسٌ مِنْ أرِقّائِنا لَیْسَ بِهِمْ لِلدّینِ تَعَبُّداً فَارْدُدْهُمْ عَلَیْنا. فَقالَ ابُوبَکْرٍ وَ عُمَرْ: صَدَقَ یا رَسُولَ الله. فَقَالَ النَّبیُّ صلى‌الله‌عليه‌وآله : لَنْ تَنْتَهُوا یا مَعْشَرَ قُرَیْشٍ حَتّی یَبْعَثَ اللهُ عَلَیْکُمْ رَجُلًا مِنّی امْتَحَنَ اللهُ قَلْبَهُ لِلْإیمانِ یَضْرِبُ رِقابَکُمْ عَلَی الدّینِ وَ أنْتُمْ مُتَجَفِّلُونَ عَنْهُ اجْفالَ النِّعَمِ. فَقالَ ابُوبَکرٍ: أنَا هُوَ یا رَسُولَ اللهِ؟

قالَ: لا.

قالَ عُمَرُ: أنَا هُوَ یا رَسُولَ اللهِ؟

قالَ: لا، وَ لِکَنَّهُ خاصِفُ النَّعْلِ.

قالَ: وَ کانَ فی کَفِّ عَلِیٍّ نَعْلٌ یَخْصَفُها لِرَسُولِ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله .

از علی علیه‌السلام نقل شده که فرمود:

سهیل بن عمرو [همراه عده‌ای از قریشیان مکه نزد رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله آمد و عرض کرد:

یا محمد! گروهی از فرزندان، برادران و بردگان ما نزد تو آمده‌اند. آنان نه به دلیل علاقه به دین و نه برای فهم واندیشه آمده‌اند (به عبارت دیگر) نسبت به دین، هیچ التزام و تعبدی ندارند آنان را به سوی ما بازگردان.

ابوبکر و عمر بر سخنان او صحه گذاشتند اما نبی اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود: ای گروه قریش! شما هرگز به اصلاح نمی‌رسید تا آن که کسی را به سویتان گسیل دارم که خداوند، دلش را به ایمان آزموده است تا شما را بر اساس آموزه‌های دینی گردن زند و شما همچون شترمرغ سرکش از او فرار می‌کنید و طغیان می‌ورزید.

ابوبکر گفت: آیا آن مرد که می‌گویید منم ای پیامبر خدا؟

فرمود: خیر.

عمر گفت: آن کس منم ای پیامبر خدا؟

فرمود: آن مرد همان اصلاح کننده کفش است.

سهیل بن عمر گوید: در دست علی کفش رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله بود که آن را وصله می‌کرد.[93]

## علم علی علیه‌السلام

قال أبو سعید الخدری: سألت رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله عن قولِ اللهِ تَعالی: «وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْکِتابِ»؟ قال:

ذاکَ أخی عَلِیُّ بْنُ أبی طالِبٍ.

از ابوسعید خدری روایت شده که گفت: من درباره آیه شریفه (و من عنده علم الکتاب) (و کسی که علم کتاب نزد اوست) از پیامبر اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله سؤال کردم، حضرت فرمود:

آن شخص برادرم علی بن ابی‌طالب است.[94]

## حکمت امام علی علیه‌السلام

عن حمید بن عبدالله بن یزید المدنی: ذکر عند النبی صلى‌الله‌عليه‌وآله قضاء قضی به علی بن أبی‌طالب، فأعجب النبی صلى‌الله‌عليه‌وآله ، فقال:

الْحَمْدُ لله الَّذی جَعَلَ فینا الحِکْمَةَ أهْلَ الْبَیْتِ.

از حمید بن عبدالله بن یزید مدنی روایت شده: علی قضاوتی کرده بود و در نزد رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله سخن از آن قضاوت رفت، رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله بسیار خوشحال شد و فرمود:

حمد و سپاس ویژه خداوندی است که حکمت را در ما خاندان قرار داد.[95]

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در مبارزه است با دشمن علیعلیه‌السلام

عن أبی هریرة: نظر النبی صلى‌الله‌عليه‌وآله إلی علی و حسن و حسین و فاطمة علیهم السلام، فقال:

أنَا حَرْبٌ لِمَنْ حارَبَکُم، وَسِلْمٌ لِمَنْ سالَمَکُمْ.

از ابوهریره روایت است که گفت: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله به علی و حسن و حسین و فاطمه عليهم‌السلام - که بر آنان درود خدا باد- نگریست و فرمود:

من در جنگم با کسی که با شما در جنگ باشد و آشتی هستم با هر که با شما در صلح و سلامت باشد.[96]

## اولین از اولوا الامر

قال أمیر المؤمنین علیه‌السلام: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

شُرَکائِیَ الَّذینَ قَرَنَهُمُ‌اللهُ بِنَفْسِهِ وَ بی وَأنْزَلَ فیهِمْ: «یا أیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا أطیعُوا اللهَ وَأطِیعُوا الرَّسُولَ» الآیةَ، فَإنْ خِفْتُمْ تَنازُعاً فی أمْرٍ فَأرْجِعُوهُ إلیَ اللهِ وَ الرَّسُولِ وَ اوُلِی الأمْرِ، قُلْتُ: یا نَبِیِّ اللهِ، مَنْ هُمْ؟

قالَ: أنْتَ اوَّ لُهُمْ.

امیر مؤمنان علیه‌السلام فرمود: نبی مکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

شرکای من آنان‌اند که پروردگار به خود و من، نزدیکشان ساخته و در خصوص ایشان این آیت را فرو فرستاده (ای ایمان آورندگان! از خدا اطاعت کنید و از رسول خدا نیز فرمانبرداری نمایید) تا آخر آیه. پس اگر از درگیری و کشمکش بیمناک شدید آن را به خدا و رسول و اولوالامر ارجاع دهید.

گفتم: ای رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله اولوا الامر کیان‌اند؟

فرمود: تو اولین‌شان هستی.[97]

## وصی رسول خدا صلی الله علیه و آله

عن ابن عباس: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله لعبد الرحمن بن عوف:

یا عَبْدَالرَّحْمنِ، أنْتُمْ أصْحابی وَ عَلِیُّ بْنُ أبی طالبٍ مِنّی وَ أنَا مِنْ عَلِیٍّ، فَهُوَ بابُ عِلْمیَ وَ وَصیّی، وَ هُوَ وَ فاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ هُمْ خَیْرُ الأرْضِ عُنْصُراً وَ شَرَفاً وَ کَرَماً.

از ابن عباس، روایت شده که گفت: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله به عبدالرحمن بن عوف فرمود:

ای عبدالرحمن! شما ملازمان و همراهان من هستید و علی بن ابی‌طالب از من است و و من از او هستم. او باب علم من و وصی من است. او و فاطمه و حسن و حسین بهترین اهل زمین هستند در اصالت و شرافت و کرامت.[98]

## پیشی گیرندگان

عن ابن عباس عن النبی صلى‌الله‌عليه‌وآله قال:

السبقُ ثَلاثَةٌ: السابِقُ إلی مُوسی، یُوشَعُ بْنِ نُون وَ السّابِقُ إلی عیسی، صاحِبُ یاسین، وَ السابِقُ إلی مُحَمَّدٍ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم عَلِیُّ بْنُ ابِی طالِبٍ.

ابن عباس از رسول اعظم صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل کرده است که حضرت فرمود:

سبقت جویان خلق [در ایمان به پیامبران سه نفرند: کسی که به سوی موسی سبقت گرفت و او یوشع بن نون است. و پیشی‌گیرنده در امت عیسی صاحب یاسین است. و سبقت گیرنده در امت محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله ، علی‌بن ابی‌طالب است.

[نکته 1: مراد از سابقون، کسانی هستند که در پذیرش دین حق از دیگران پیشی گرفتند.

نکته 2: مناوی گفته: راستی این چه فضیلت بزرگی برای علی علیه‌السلام است و چه بسیار صفات برجسته‌ای است که در او وجود داشت و دیگران از آن برخوردار نبودند.][99]

## برترین انسان‌ها

قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

خَیرُ رِجالِکُمْ عَلِیُّ بْنُ أبی‌طالِبٍ، وَ خَیْرُ شَبابِکُمْ الحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ، وَ خَیْرُ نِسائِکُمْ فاطِمَةُ بِنْتُ مُحمدٍ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِمْ.

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: بهترین مردان شما علی‌بن ابی‌طالب، و بهترین جوانانتان حسن و حسین هستند، و بهترین بانوان شما دخت محمد عليهم‌السلام است.[100]

## بهترین انسان

عن حذیفة: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

عَلِیٌّ خَیْرُ الْبَشَرِ فَمَنْ أبی فَقَدْ کَفَرَ.

از حذیفه نقل است که گفت: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

علی، برترین انسان است؛ هر که نپذیرد، کافر است.[101]

## نخستین مسلمان

عن سلمان الفارسی قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

أوَّ لُکُمْ وارِداً عَلَیَّ الْحَوْضَ أوَّ لُکُمْ اسْلاماً عَلِیُّ بْنُ أبی‌طالبٍ.

از سلمان فارسی نقل شده است که گفت: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

اولین فردی که در کنار حوض کوثر بر من وارد می‌شود نخستین کسی است که اسلام آورد و او علی بن ابی‌طالب است.[102]

## هم‌نشینان پیامبر صلی الله‌علیه‌وآله در بهشت

عن ابن مردویه: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

فی الجَنَّةِ دَرَجَةٌ تُدْعی «الوَسِیلَةَ» فَإذا سَألْتُمُ اللهَ فَاسْألُوا لِیَ الْوَسیلَةَ، قالوُا: یا رَسُولَ اللهِ، مَنْ یَسْکُنُ مَعَکَ فِیها؟ قَال: عَلِیٌّ وَفاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَیْنُ.

از ابن مردویه نقل است که گفت: نبی مکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

در بهشت درجه‌ای «وسیله» نام است. پس وقتی که از خداوند چیزی برای من می‌خواهید، «وسیله» را درخواست کنید.

افراد حاضر پرسیدند: چه کسی در جوار شما در آن درجه سکونت خواهد گزید؟ فرمود: علی و فاطمه و حسن و حسین.[103]

## اطاعت علی علیه‌السلام، اطاعت پیامبرصلی الله علیه و آله

قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

مَنْ أطاعَنی فَقَدْ أطاعَ اللهَ وَ مَنْ عَصانی فَقَدْ عَصَی اللهَ، وَمَنْ أطاعَ عَلِیّاً فَقَدْ أطاعَنی، وَ مَنْ عَصی عَلِیّاً فَقَدْ عَصانی.

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

هر کس از من پیروی نماید در حقیقت از خدا فرمانبری کرده است و هر کس نافرمانی من کند در واقع نافرمانی خدا کرده است و هر کس از علی اطاعت کند، در حقیقت از من پیروی کرده و هر کس از علی نافرمانی کند از من نافرمانی کرده است.[104]

## خصال سه گانه

عن سعد، سمعت رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله یقول لعلی علیه‌السلام ثلاث خصال لأن یکون لی واحدة منها أحب إلی من الدنیا و ما فیها، سمعته یقول:

أنْتَ مِنّی بِمَنْزِلَةِ هارُونَ مِنْ مُوسی إلّا أنَّهُ لا نَبِیَّ بَعْدِی وَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ: لَاعْطِیَنَّ الرایَةَ غَداً رَجُلًا یُحِبُّ اللهَ وَالرَّسُولَ وَ یُحِبُّهُ اللهُ وَ رَسُولُهُ لَیْسَ بِفَرّارٍ. وَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ: مَنْ کُنْتُ مَوْلاهُ فَعَلِیٌّ مَوْلاهُ.

از سعد نقل است که گفت:

سه جمله (خصلت) است که اگر یکی از آنها در من بود از دنیا و آنچه در آن است بیشترش ارج می‌نهادم.

شنیدم پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله به علی می‌گوید:

منزلت تو به من همان منزلت هارون به موسی است با این تفاوت که دیگر بعد از من نبوت نیست.

و شنیدم در روز فتح خیبر درباره او فرمود:

فردا بیرق جنگ را به کسی خواهم سپرد که خدا و رسول را دوست دارد و خدا و رسول هم او را دوست دارند و هیچ‌گاه به دشمن پشت نمی‌کند و نمی‌گریزد.

و شنیدم فرمود:

هرکس که من مولای اویم علی مولای اوست.[105]

## حدیث کساء

قال أمیر المؤمنین علیه‌السلام:

جَمَعَنا رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله فی بَیْتِ امِ‌سَلَمَة، أنَا وَفاطِمَةَ وَحَسَناً وَحُسَیْناً، ثُمَّ دَخَلَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله فی کِساءٍ لَهُ، وَأدْخَلْنا مَعَهُ، ثُمَّ ضَمَّنا، ثُمَّ قالَ: اللّهُمَّ هؤُلاءِ أهلُ بَیْتی، فَأذْهِبْ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهیراً.

فَقالَتْ امُّ سَلَمَة: یا رَسُولَ اللهِ، فَأنا؟- وَ دَنَتْ مِنْهُ- فَقالَ: أنْتِ مِمَّنْ أنْتِ منْهُ، وَأنْتِ عَلی خَیْرٍ. أعادَ رَسولُ اللهِ، ثَلاثاً یَصْنَعُ ذلِکَ.

امیر مؤمنان علیه‌السلام فرمود:

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله من و فاطمه و حسن و حسین را در بیت ام سلمه گرد آورد و زیر ردای خود رفت؛ ما را هم به زیر عبا برد و در آغوش خود جای داده آن‌گاه فرمود: خدایا! اهل بیت من اینها هستند؛ رجس و ناپاکی را از ایشان زائل فرما و طهارت و پاکی را نصیب آنان قرار ده.

ام سلمه گفت: یا نبی الله! پس من چه؟- و او

نزدیک رسول اقدس صلى‌الله‌عليه‌وآله واقع شده بود.

پیامبر فرمود: تو از همانی که تو از آنی و تو در مسیر خیر هستی [اما از ما اهل بیت و این جماعت پنج تن نیستی . رسول خدا این کار را سه بار تکرار نمود.[106]

## علی و فاطمه علیهما السلام از من هستند

عن ابن عباس فی حدیث زواج فاطمه و علی عليهم‌السلام: ثم التزمهما [رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله فقال:

اللّهُمَّ إنَّهُما مِنّی وَ أنَا مِنْهُما، اللّهُمَّ کَما أذْهَبْتَ عنِّی الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَنی فَطَهِّرْهُما.

از ابن عباس در ضمن روایت ماجرای ازدواج علی و فاطمه عليهم‌السلام آمده است:

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله زوجین را در بغل گرفت و فرمود:

بار الها! این دو تن از من هستند و من از ایشان هستم همچنان که رجس و پلیدی را از من زدودی این دو را نیز پاک گردان.[107]

## فضائل ویژه علی علیه السلام

عن عمرو بن میمون: إنی لجالس إلی ابن عباس إذ أتاه تسعة رهط فقالوا: یا ابن عباس، اما أن تقوم معنا و إما أن تخلو بنا من بین هؤلاء.

فقال ابن عباس: بل أنا أقوم معکم، و هو یومئذ صحیح قبل أن یعمی.

قال: فأبتدؤوا فتحدّثوا، فلا ندری ما قالوا، قال: فجاء ینفض ثوبه و یقول: أفّ و تفّ! وقعوا فی رجل له بضع عشرة فضائل لیست لأحد غیره، وقعوا فی رجل قال له النبی صلى‌الله‌عليه‌وآله :

لَأبْعَثَنَّ رَجُلًا لا یُخْزِیهِ اللهُ أبَداً، یُحِبُّ اللهَ وَرَسُولَهُ- إلی أنْ قالَ-: وأخَذَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم ثَوْبَهُ فَوَضَعَهُ عَلی عَلیٍّ وَ فاطِمَةَ وَ حَسَنٍ وَ حُسَیْنٍ وَ قالَ: «انَّما یُریدُ اللهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُم تَطْهیراً».

عمرو بن میمون گوید: در حضور ابن عباس بودم که هفت تن 108] نزد او آمدند و گفتند: یا قیام کن و از مجلس فاصله بگیر (تا در جای خلوت با هم گفتگو کنیم) یا از هم‌نشینان

خود کناره گیر و با ما خلوت کن.

ابن عباس گفت: با شما هستم. (راوی گوید) وقوع این جریان در ایامی بود که ابن عباس هنوز نابینا نشده بود.

ابن میمون گوید: آنها به گوشه‌ای رفته و سخن آغاز کردند. ما نفهمیدیم چه سخنانی بین آنان رد و بدل شد. ابن عباس در حالی که ناراحت به نظر می‌رسید و جامه‌هایش را می‌تکاند می‌گفت: اف و تف بر شما! به مردی ناسزا می‌گویند که ده‌ها فضائل ویژه دارد. به شخصیتی بدبین‌اند و بدگویی می‌کنند که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله [در جنگ خیبر که دیگران رفتند و عاجزانه برگشتند] درباره او فرمود:

کسی را برای مبارزه می‌فرستم که خداوند هرگز او را خوار و ذلیل نکرد؛ او دوستدار خداوند و رسول است تا جایی که ابن عباس گفت: رسول خدا جامه خویش را روی علی و فاطمه و حسن و حسین قرار داد و فرمود:

جز این نیست که خداوند اراده کرده تا آلودگی را از شما اهل بیت بزداید و شما را پاک گرداند پاک گرداندنی ....[109]

## خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله

عن سعد بن أبی وقّاص: لَمّا نَزَلَتْ هذِهِ الآیَة: «فَقُلْ تَعالَوا نَدْعُ أبْناءَنا وَ أبْناءَکُم» دَعا رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله عَلیّاً وَ فاطِمَة وَ حَسَناً وَ حُسَیْناً، فقال:

اللّهُمَّ هؤُلاءِ أهْلی.

از سعد بن ابی وقاص نقل است که: وقتی آیه «فقل تعالوا ندع أبناءنا و أبناءکم (یعنی بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم و شما فرزندان خود را)» نازل شد، پیامبر اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله علی و فاطمه و حسن و حسین را صدا زد و به درگاه الهی عرضه داشت:

بارالها! اینان اهل و خانواده من هستند.[110]

## معلم و مربی امام علی علیه‌السلام

عن أمیر المؤمنین علیه‌السلام قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

إنَّ اللهَ أمَرَنی أنْ ادْنِیَکَ وَلا اقْصِیَکَ وَ أنْ اعَلِمَّکَ، وَ أنْ تَعِیَ وَ حَقٌّ لَکَ أنْ تَعِیَ. قالَ: فَنَزَلَتْ هذِهِ الآیَهُ: «وَتَعِیها اذُنٌ واعِیَةٌ».

از امیر مؤمنان علیه‌السلام روایت است که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله به من فرمود:

خداوند مرا امر کرده که تو را نزدیک کنم و [از خود] دورت نسازم و این که بیاموزم تو را، و تو نیز فراگیری و سزاوار توست که بیاموزی و حفظ نمایی.

ایشان گفت: پس این آیه نازل شده (و تعیها أذن واعیة)[111] [و بدینسان اذن واعیه را گوش تو قرار داد.][112]

## قرین قرآن

قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله فی مرض موته:

أیُّهَا النّاسُ یُوشَکُ أنْ اقْبَضَ قَبْضاً سَریعاً فَیَنْطَلِقُ بی، وَقَدْ قَدَّمْتُ إلَیْکُمْ الْقَوْلَ مَعْذِرَةً إلَیْکُمْ: ألا إنّی مُخْلِفٌ فیکُمْ کِتابَ رَبّی عَزَّوَجَلَّ وَعِتْرَتِی أهْلَ بَیْتی ثُمَّ أخَذَ بِیَدِ عَلِیٍّ فَرَفَعَها فَقالَ: هذا عَلیٌّ مَعَ الْقُرآنِ وَالقُرآنُ مَعَ عَلِیٍّ لایَفْتَرِقانِ حَتّی یَرِدا عَلَیَّ الْحَوْضَ فَاسْألْهُما ما خَلَّفْتُ فیهِما.

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله در مرض موتش فرمود:

ای مردم! احتمال دارد به زودی قبض روح شوم و مرا ببرند. من از این سخن در این حال به شما می‌گویم تا دیگر عذری نداشته باشید. آگاه باشید که من کتاب خدای با عزت و جلال و عترتم را جانشین خود در بین شما می‌گذارم. آن‌گاه دست علی را گرفته بلند کرد و فرمود: این علی با قرآن است و قرآن با علی است هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا کنار حوض بر من در آیند، آن‌گاه از آن

دومی می‌پرسم درباره عمل به توصیه‌ام درباره دو جانشینم.[113]

## امام علی علیه‌السلام بهترین امت

قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

أنْتَ خَیْرُ امَّتی فی الدُّنْیا وَالآخِرَةِ.

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به علی علیه‌السلام فرمود:

تو بهترین امتم در هر دو سرا می‌باشی.[114]

## سرانجام ما و شیعیان

قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

اذا کانَ یَوْمُ الْقِیامَةِ أخَذْتُ بِحُجْزَةِ اللهِ وَأخَذْتُ أنْتَ بِحُجْزَتی. وَ أخَذَ وُلْدُ کَ بِحُجْزَتِکَ، وَ أخَذَتْ شِیعَةُ وُلْدِکَ بِحُجْزَتِهِمْ فَتَری أیْنَ یُؤْمَرُبِنا.

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

چون رستاخیز برپا شد به خدا متوسل خواهم شد و تو به من متوسل می‌شوی و فرزندانت به تو متوسل می‌شوند و پیروان ذریه‌ات به آنها متوسل می‌شوند و خواهی دید که ما را به کجا هدایت خواهند کرد.[115]

## خدا با علی علیه‌السلام راز گفت

عن جندب بن ناجیة (أو ناجیة بن جندب) لَمّا کانَ یَوْمُ غَزْوَة الطائِفِ قامَ النَّبِی صلى‌الله‌عليه‌وآله مَعَ عَلِی علیه‌السلام مَلِیاً ثُمَّ مَرَّ فَقال لَهُ أبُوبَکْرٍ: یا رَسُولَ اللهِ، لَقَدْ طالَتْ مُناجاتُکُ عَلِیاً مُنْذُ الیوم، فَقال صلى‌الله‌عليه‌وآله :

ما أنَا انْتَجَیْتُهُ وَ لکِنَّ اللهَ انْتَجاهُ.

از جندب بن ناجیه (یا ناجیة بن جندب) نقل است که: در روز جنگ طائف رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مدتی با علی به راز سخن گفت و چون گفتگوها طولانی شد ابوبکر به حضرت گفت: ای رسول خدا! گفتمان و راز گوییتان به درازا کشید. حضرت فرمود:

من با او راز نمی‌گفتم بلکه خداوند با او راز می‌گفت.[116]

## مهرورزی به امام علی علیه‌السلام

عن سلمان قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

مَنْ أحَبَّ عَلِیّاً فَقَدْ أحَبَّنی وَ مَنْ أبْغَضَ عَلِیّاً فَقَدْ أبْغَضَنی.

از سلمان فارسی نقل است که گفت: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

کسی که به علی مهر بورزد و محبت کندچنان است که به من محبت ورزیده، و کسی که به او کینه توزی نماید در حقیقت با من دشمنی کرده است.[117]

## همانند انبیا علیهم السلام

عن الحارث الأعور: أن النبی صلى‌الله‌عليه‌وآله قال:

مَنْ أرادَ أنْ یَنْظُرَ إلی آدَمَ فی عِلْمِهِ، وَ نُوحٍ فی فَهْمِهِ، وَ إبْراهیمَ فی حِلْمِهِ، وَ یَحْیی فی زُهْدِهِ، وَ مُوسی فی بَطْشِهِ، فَلْیَنْظُرْ إلی عَلِیِّ بْنِ أبی طالِبٍ.

از حارث اعور نقل است که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

هر کس دوست می‌دارد که مشاهده کند علم آدم ابوالبشر را، و فهم نوح علیه‌السلام را و حلم ابراهیم علیه‌السلام را و زهد یحیی علیه‌السلام را و دلاوری موسی علیه‌السلام را، پس به سوی علی بن ابی‌طالب بنگرد.[118]

## جوان‌مردی جز علی علیه‌السلام نیست

عن جابر: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله یوم بدر:

هذا رِضْوانُ، مَلَکٌ مِنْ مَلائِکَةِ اللهِ یُنادی: لا سَیْفَ إلّا ذُوالْفَقارِ، وَ لا فَتی إلّا عَلیٌ.

از جابر بن عبدالله نقل است که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله در جنگ بدر[119] فرمود:

این رضوان، یکی از فرشتگان خداست که از آسمان ندا می‌دهد: هیچ شمشیر (برّنده‌ای) جز ذوالفقار، و جوان‌مردی جز علی نیست.[120]

## امام اولیای خدا

عن أنس: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

إنَّ ربَّ العالَمینَ عَهِدَ إلَیَّ عَهْداً فی عَلِیِّ بْنِ أبی‌طالِبٍ فَقالَ: إنَّهُ رایَةُ الهُدی، وَ مَنارُ الإیمانِ وَ إمامُ أوْ لیائی، وَنُورُ جَمیعِ مَنْ أطاعَنی.

یا أبا بَرزَةِ، عَلِیُّ بْنُ أبی طالِبٍ أمینی غَداً فِی القِیامَةِ وَ صاحِبُ رایَتی فی القِیامَةِ عَلی مَفاتیحِ خَزائِنِ رَحَمَةِ رَبّی.

از انس نقل است که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

پروردگار جهان درباره علی بن ابی‌طالب عهدی بسته است که او عَلَم هدایت، منار ایمان و امام دوستان وپیروان من است. او روشنایی کسانی است که مرا اطاعت کنند.

ای ابو برزه! علی بن ابی‌طالب در روز رستاخیز امین من خواهد بود. و او در قیامت صاحب علم و پرچمدار من است [و امین بر کلیدهای گنجینه‌های رحمت 121] پروردگارم.[122]

## امیر نیکوکاران

عن حذیفة: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

عَلِیٌّ أمیرُ الْبَرَرَةِ، وَقاتِلُ الفَجَرَة، مَنْصُورُ مَنْ نَصَرَهُ، مَخْذُولُ مَنْ خَذَلَهُ، ألا وَ إنَّ الحَقَّ مَعَهُ وَیَتْبَعُهُ، ألا فَمیلُوا مَعَهُ.

از حذیفه نقل است که رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

علی، فرمانروای نیکان، و کُشنده بدان و پست فطرتان است؛ کسی که یاریش کند، پیروز و کسی که به او پشت کند و خوارش نماید مخذول و خوار خواهد شد به هوش باشید که حق با اوست و او را دنبال می‌کند. آگاه باشید که گرایش و حرکتتان با محوریت او باشد.[123]

## پیروان علی علیه‌السلام

عن ابن عباس: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله :

إنَّکَ سَتَقْدِمُ عَلَی اللهِ وَ شیعَتُکَ راضینَ مَرْضینَ.

از ابن عباس نقل است که گفت: نبی مکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله به علی علیه‌السلام فرمود:

تو در پیشگاه خدا حاضر خواهی شد و شیعیانت خرسند (از پیشوایی‌ات) و مورد رضایت حق تعالی خواهند بود.[124]

## خداوند او را بیشتر دوست دارد

قال ابنُ عباس کنتُ أنَا وَ أبِیَ الْعَبّاسُ بْنُ عَبْدِ المُطَلِّبِ جالِسَیْنِ عِنْدَ رَسُولِ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله إذْ دَخَلَ عَلیُّ بْنُ أبی طالِبٍ فَسلَّمَ فَرَدَّ عَلَیْهِ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله وَ بَشَّرَ بِهِ وَ قامَ إلَیْهِ وَ اعْتَنَقَهُ وَ قَبَّلَ بَیْنَ عَیْنِیهِ وَ أجْلَسَهُ عَنْ یَمینِهِ.

فَقالَ الْعَبّاسُ: یا رَسُولَ اللهِ، أتُحِبُّ هذا؟

فقال النَّبِی صلى‌الله‌عليه‌وآله :

یا عَمَّ رَسُولِ اللهِ، وَاللهِ لَلّهُ أشَدُّ حُبّاً لَهُ مِنّی، إنَّ اللهَ جَعَلَ ذُرِیَّةَ کُلِ نَبِیٍّ فی صُلْبِهِ وَ جَعَلَ ذُریَّتِی فی صُلْبِ هذا.

ابن عباس گفت: من و پدرم (عباس بن عبد المطلب) در حضور رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله شرفیاب بودیم در این هنگام علی بن ابی‌طالب وارد شد و سلام داد. پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله بعد از جواب سلام با چهره‌ای گشاده در حالی که خوشحال به نظر می‌رسید برخاست؛ او را در بغل گرفت و پیشانی‌اش را بوسه داد و او را در طرف راست خود نشانید.

عباس (که ناظر جریان بود) گفت: ای رسول خدا! آیا او را دوست می‌داری؟

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: عمو جان! به خدا سوگند خدا او را از من بیشتر دوست دارد؛ خداوند نسل هر پیامبری را از پشت همان پیامبر قرار داد و نسل مرا در صلب این شخص نهاده است.[125]

## فهرست منابع

1. القرآن الکریم.

- الف-

2. ارجح المطالب، عبیدالله امرتسری.

3. الاربعین المنتقی من مناقب المرتضی، رضی الدین ابو الخیر احمد بن اسماعیل طالقانی شافعی (م 590 ق) (چاپ شده در مجلة تراثنا، عدد اول، سال 1405 ق).

4. أساس البلاغه، ابوالقاسم محمود بن عمر زمخشری (م 538 ق).

5. أسباب نزول القرآن، ابوالحسن علی بن احمد واحدی نیشابوری (م 468 ق).

6. الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، یوسف بن عبدالله ابن عبدالبر قرطبی مالکی (م 363 ق)، (چاپ شده در حاشیة الاصابة).

7. اسد الغابة فی معرفة الصحابة، عز الدین علی بن ابی المکرم محمد بن محمد بن عبدالکریم شیبانی معروف به ابن اثیر جزری (م 630 ق)، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

8. الاصابة فی تمییز الصحابة، احمد بن علی ابن حجر عسقلانی شافعی (م 812 ق)، قاهره: 1328 ق.

9. الامالی الخمیسیة (امالی شجری)، یحیی بن حسین شجری (م 499 ق).

10. الانباء المستطابة، ابن سید الکل.

11. انساب الاشراف، احمد بن یحیی بن جابر بلاذری (م 279 ق).

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: 174

- ب- ت-

12. البدایة و النهایة، اسماعیل بن عمر بن کثیر دمشقی (م 774 ق).

13. تاریخ بغداد (مدینة السلام)، احمد بن علی بن ثابت خطیب بغدادی (م 463 ق).

14. تاریخ الخلفاء، جلا ل الدین عبد الرحمن سیوطی (م 911 ق).

15. تاریخ مدینة دمشق (ترجمةالامام علی علیه‌السلام)، ابوالقاسم علی بن حسن بن هبة الله شافعی (ابن عساکر دمشقی).

16. تاریخ مدینة دمشق (ترجمة الامام الحسن علیه‌السلام)، ابن عساکر دمشقی، (م 571 ق).

17. التدوین فی أخبار قزوین، عبدالکریم بن محمد رافعی قزوینی (623 ق).

18. تراثنا، مجلة مؤسسة آل البیت علیهم السلام، قم

19. تفسیر روح‌المعانی (تفسیرآلوسی)، محمودبن‌عبدالله آلوسی (م 1270 ق).

20. تفسیر طبری (جامع البیان فی تفسیر القرآن)، ابوجعفر محمد بن جریر طبری (م 310 ه ق).

21. تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن)، محمد بن احمد انصاری قرطبی (م 671 ق).

22. تنزیه الشریعة المرفوعة عن الاحادیث الشنیعة الموضوعة، ابوالحسن علی بن محمد ابن عراق الکنانی (م 963 ق).

23. تهذیب تاریخ دمشق (ابن عساکر)، عبدالقادر بدران (م 1346 ق)

24. توضیح الدلائل، شهاب الدین ایجی.

- ج- ح- خ-

25. الجامع الصغیر، جلال الدین عبدالرحمن سیوطی (م 911 ق).

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: 175

26. الجامع الکبیر، جلال الدین عبدالرحمن سیوطی (م 911 ق).

27. جمع الجوامع، تاج الدین سبکی.

28. جواهر المطالب فی مناقب الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، (المناقب لابن الدمشقی)، محمد بن احمد دمشقی باعونی شافعی، (م 871 ق).

29. حلیة الاولیاء و طبقات الأصفیاء، ابو نعیم احمد بن عبدالله اصفهانی (م 430 ه).

30. خصائص الامام امیرالمؤمنین علیه‌السلام، احمد بن شعیب نسایی (م 303 ق).

- د- ذ- ر- ز-

31. الدر المنثور فی التفسیر المأثور، جلال الدین عبدالرحمن سیوطی (م 911 ق).

32. ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، محب الدین احمد بن عبدالله طبری، (م 694 ق)، مصر: 1352 ق.

33. رشفة الصادی، ابوبکر حضرمی.

34. الریاض النضرة فی مناقب العشرة، محب الدین طبری (م 694 ق).

35. زهر الریاض.

- س-

36. سنن ابن ماجة، محمد بن یزید بن ماجه قزوینی (م 275 ق).

37. سنن الترمذی (الجامع الصحیح)، محمد بن عیسی بن سورة ترمذی، (م 297 ق).

38. سیر اعلام النبلاء، ابو عبدالله محمد بن احمد ذهبی، (م 748 ق).

39. السیرة النبویة، عبدالملک بن هشام بن ایوب حمیری، (م 218 ق).

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: 176

- ش-

40. شرح المقاصد، سعد الدین مسعود بن عمر تفتازانی شافعی (م 793 ق).

41. شرح نهج البلاغه، عز الدین عبدالحمید بن محمد بن ابی الحدید معتزلی، (م 656 ق).

42. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، حاکم حسکانی: عبید الله بن عبدالله بن احمد حنفی نیشابوری (قرن 5).

- ص-

43. الصواعق المحرقة، احمد بن حجر هیثمی مکی (م 974 ق).

- ط-

44. طبقات الحنابلة، ابو الحسین محمد بن یعلی، (م 527 ق).

45. الطبقات الکبری، محمد بن سعد کاتب واقدی: (ابن سعد)، (م 230 ق).

- ع- غ-

46. عبقات الانوار، علامه میر حامد حسین نیشابوری لکنهوی (م 1036 ق).

47. العلل المتناهیة فی الاحادیث الواهیة، ابوالفرج عبدالرحمان بن علی (ابن جوزی) (م 597 ق).

48. العلل الواردة فی الاحادیث النبویة، ابوالحسن علی بن عمر دار قطنی (م 385 ق).

49. الغدیر فی الکتاب و السنة و الأدب، عبدالحسین امینی (م 1390 ق).

- ف- ق-

50. فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، احمد بن علی بن حجر عسقلانی (م 852 ق).

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: 177

51. فتح القدیر، محمد بن علی بن محمد شوکانی (م 1250 ق).

52. فتح الملک العلی بصحة حدیث باب مدینة العلم علی. احمد بن محمدبن الصدیق الغماری الحسنی.

53. فرائد السمطین فی فضائل المرتضی والبتول والسبطین والائمة من ذریتهم علیهم السلام، ابراهیم بن محمد جوینی حموینی (م 730 ق).

54. فردوس الاخبار، شیرویه بن شهردار بن شیرویه دیلمی همدانی (م 509 ق).

55. فضائل امیر المؤمنین علیه‌السلام، ابوالعباس احمدبن محمد کوفی (ابن عقده).

56. فضائل الصحابة، احمد بن محمد بن حنبل شیبانی (م 241 ق).

57. الفوائد المجموعة فی الأحادیث الموضوعة، محمد بن علی بن محمد شوکانی، (م 1250 ق).

58. فیض القدیر، محمد عبدالرئوف مناوی (م 1031 ق).

59. القول الجلی، ابن تیمیه حرانی (م 728 ق)

- ک-

60. الکشاف، محمد بن عمر زمخشری (م 538 ق).

61. کشف الخفاء و مزیل الألباس عما اشتهر من الاحادیث علی ألسنة الناس، اسماعیل بن محمد عجلونی (م 1162 ق).

62. کفایة الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب علیه‌السلام، محمد بن یوسف بن محمد گنجی شافعی (م 658 ق).

63. کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، علاء الدین علی متقی بن حسام‌الدین هندی (م 975 ق).

64. کنوز الحقائق فی احادیث خیر الخلائق، عبدالرؤف مناوی (م 1031 ق).

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: 178

- ل-

65. اللآلی المصنوعة فی الاحادیث الموضوعة، سیوطی (م 911 ق).

66. لسان المیزان، احمد بن علی بن حجر عسقلانی (ابن حجر) (م 807 ق)

- م-

67. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، علی بن ابوبکر هیثمی (م 817 ق)

68. المستدرک علی الصحیحین، ابو عبدالله محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری (م 407 ق)

69. مسند علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام، سیوطی.

70. مسند فاطمه سلام الله علیها، سیدحسین شیخ الاسلام تویسرکانی.

71. المسند، احمد بن محمد بن حنبیل شیبانی (م 241 ق).

72. المسند، ابن ابی حاکم.

73. المسند، أبی یعلی موصلی احمد بن علی بن مثّنی تمیمی (م 307 ق).

74. المصنف، ابوبکر عبدالله بن محمد ابن ابی شیبة کوفی (م 235 ق)

75. المصنف، ابوبکر عبدالرزاق بن همام صنعانی (م 211 ق).

76. المعجم الاوسط، سلیمان بن احمد طبرانی (م 360 ق)

77. المعجم الکبیر، سلیمان بن احمد طبرانی (م 360 ق).

78. معرفة الصحابة، ابونعیم احمد بن عبدالله اصفهانی (م 430 ق).

79. المعیار و الموازنة، محمد بن عبدالله معتزلی اسکافی (م 240 ق).

80. مقتل الحسین علیه‌السلام، موفق بن احمد مکی خوارزمی (م 568 ق).

81. ملحقات احقاق الحق، آیت الله سید شهاب الدین نجفی مرعشی رحمة الله علیه.

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: 179

82. مناقب الامام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام، علی بن محمد بن محمد واسطی ابن مغازلی شافعی (م 482 ق).

83. مناقب سیدنا علیعلیه‌السلام، عینی.

84. المواقف فی علم الکلام، قاضی عضدالدین ایجی.

85. موضح أوهام الجمع و التفریق (ذیل التاریخ الکبیر)، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت خطیب بغدادی (م 463 ق).

86. میزان‌الاعتدال فی نقد الرجال، محمد بن‌احمد ذهبی (م 275 ق).

- ن-

87. نظم درر السمطین فی فضائل المصطفی و المرتضی و البتول و السبطین، محمد بن یوسف بن حسن بن محمد زرندی حنفی مدنی (م 750 ق).

88. النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، ابن اثیر مبارک بن محمد جزری (م 606 ق).

89. نوادر الاثر فی علی علیه‌السلام خیر البشر، جعفر بن احمد بن علی رازی (قرن 4).

90. نور البراهین؛ سید نعمة الله موسوی جزائری (م 1112 ق).

- ی-

91. ینابیع المودة لذوی القربی، سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی (م 1294 ق).

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: 181

آثار حضرت آیت الله العظمی صافی مدظله الوارف در یک نگاه

نام کتاب------ زبان------ ترجمه

فقه:

1- توضیح المسائل------ فارسی--------

2- منتخب الاحکام------ فارسی--------

3- احکام نوجوانان------ فارسی------ انگلیسی

4- جامع الاحکام در 2 جلد------ فارسی--------

5- استفتائات قضایی------ فارسی--------

6- استفتائات پزشکی------ فارسی--------

7- مناسک حج------ فارسی------ عربی

8- مناسک عمره مفرده------ فارسی------ عربی

9- هزار سؤال پیرامون حج------ فارسی--------

10- پاسخ کوتاه به 300 پرسش در 2 جلد------ فارسی--------

11- اعتبار قصد قربت در وقف------ فارسی--------

12- رساله در احکام ثانویه------ فارسی--------

13- فقه الحج در 4 جلد------ عربی--------

14- هدایة العباد در 2 جلد------ عربی--------

15- هدایة السائل------ عربی--------

16- حواشی علی العروة الوثقی------ عربی--------

17- رسائل الخمس فی فقه الإمامیة------ عربی--------

18- صلاة المسافر------ عربی--------

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: 182

19- فقه الخمس------ عربی--------

20- أوقات الصلوة------ عربی--------

21- الاحکام الشرعیة ثابتة لاتتغیّر------ عربی------ فارسی

22- التعزیر (احکامه و ملحقاته)------ عربی--------

23- ضرورة وجود الحکومة او ولایة الفقهاء فی عصرالغیبة (الخمس و ولایة الفقیه)------ عربی------ فارسی

24- رسالة فی معاملات المستحدثة------ عربی--------

25- التداعی فی مال من دون بینة و لا ید------ عربی--------

26- رسالة فی المال المعیّن المشتبه ملکیته------ عربی--------

27- حکم نکول المدعی علیه عن الیمین------ عربی--------

28- ارث الزوجة------ عربی--------

29- مع الشیخ جاد الحق فی ارث العصبه (مسألة التعصیب)------ عربی--------

30- حول دیات ظریف ابن ناصح------ عربی--------

31- بحث حول الاستسقام بالازلام (مشروعیة الاستخارة)------ عربی--------

32- الشعائر الحسینیه------ عربی--------

33- آنچه هر مسلمان باید بداند------------ ترکی

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: 183

اصول فقه:

34- بیان الاصول در 3 جلد------ عربی--------

35- رسالة فی الشهرة------ عربی--------

36- رسالة فی حکم الاقل و الاکثر فی الشبهة الحکمیة------ عربی--------

37- رسالة فی الشروط------ عربی--------

قرآن و تفسیر:

38- تفسیر آیه فطرت------ فارسی--------

39- القرآن مصون عن التحریف------ عربی--------

40- تفسیر آیة التطهیر------ عربی--------

41- تفسیر آیة الانذار------ عربی--------

------ عقاید و کلام------------

42- عرض دین------ فارسی--------

43- به سوی آفریدگار------ فارسی--------

44- الهیات در نهج‌البلاغه------ فارسی--------

45- معارف دین 2 جلد------ فارسی--------

46- پیرامون روز تاریخی غدیر------ فارسی--------

47- ندای اسلام از اروپا------ فارسی--------

48- نگرشی بر فلسفه و عرفان------ فارسی--------

49- نیایش در عرفات------ فارسی--------

50- سفرنامه حج------ فارسی--------

51- شهید آگاه------ فارسی--------

52- نوید امن و امان------ فارسی--------

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: 184

53- پاسخ ده پرسش------ فارسی--------

54- اصالت مهدویت------ فارسی--------

55- تجلی توحید در نظام امامت------ فارسی------ عربی

56- نظام امامت و رهبری------ فارسی--------

57- ولایت تکوینی و ولایت تشریعی------ فارسی--------

58- پیرامون معرفت امام------ فارسی--------

59- عقیده نجات بخش------ فارسی--------

60- به سوی دولت کریمه------ فارسی--------

61- باورداشت مهدویت------ فارسی------ عربی

62- انتظار، عامل مقاومت و حرکت------ فارسی--------

63- فروغ ولایت در دعای ندبه------ فارسی------ عربی

64- معرفت حجت خدا------ فارسی------

65- وابستگی جهان به امام زمان------ فارسی--------

66- توضیحات پیرامون کتاب عقیده مهدویت در تشیع امامیه------ فارسی------ انگلیسی

67- امامت و مهدویت------ فارسی------

68- پیام‌های مهدوی------ فارسی--------

69- گفتمان مهدویت------ فارسی------ انگلیسی

70- گفتمان عاشورایی------ فارسی--------

71- مقالات کلامی------ فارسی--------

72- الی هدی کتاب الله------ عربی--------

73- ایران تسمع فتجیب------ عربی--------

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: 185

74- رسالة حول عصمة الانبیاء و الائمة------ عربی--------

75- تعلیقات علی رسالة الجبر و القدر------ عربی--------

76- لمحات فی الکتاب و الحدیث و المذهب------ عربی--------

77- صوت الحق و دعوة الصدق------ عربی--------

78- رد اکذوبة خطبة الامام علی، علی الزهرا علیهما السلام------ عربی--------

79- مع الخطیب فی خطوطه العریضة------ عربی------ اردو/ فرانسه

80- رسالة فی البداء------ عربی--------

81- جلاء البصر لمن یتولی الائمة الاثنی عشر------ عربی--------

82- حدیث افتراق المسلمین علی ثلاث و سبعین فرقة------ عربی--------

83- من لهذا العالم؟------ عربی--------

84- بین العلمین، الشیخ الصدوق والشیخ المفید------ عربی------ فارسی

85- مقدّمات مفصلّة علی «مقتضب‌الاثر» و «مکیال‌المکارم» و «منتقی الجمان»------ عربی--------

86- امان الامّة من الضلال والاختلاف------ عربی--------

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: 186

87- البکاء علی الامام الحسین علیه‌السلام------ عربی--------

88- النقود اللطیفة علی الکتاب المسمی بالاخبار الدخیلة------ عربی--------

حدیث:

89- منتخب الاثر در 3 جلد------ عربی------ اردو/

انگلیسی

90- قبس من مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام

(مئة و عشر حدیث من کتب عامة)------ عربی------ فارسی

91- احادیث الائمة الاثنی عشر، اسنادها و الفاظها------ عربی--------

92- احادیث الفضائل------ عربی------

93- پرتوی از فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام------ فارسی--------

تاریخ:

94- سیرحوزه‌های علمی شیعه------ فارسی--------

95- رمضان در تاریخ (حوادث تاریخی)------ فارسی--------

سیره:

96- پرتوی از عظمت امام حسین علیه السلام------ فارسی--------

97- با عاشوراییان------ فارسی--------

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: 187

98- آینة جمال------ فارسی--------

99- از نگاه آفتاب------ فارسی--------

100- اشک و عبرت------ فارسی--------

تربیتی:

101- ماه مبارک رمضان، مکتب عالی تربیت و اخلاق------ فارسی--------

102- راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر------ فارسی------

103- با جوانان------ فارسی------

شعر:

104- دیوان اشعار------ فارسی--------

105- بزم حضور------ فارسی--------

106- آفتاب مشرقین------ فارسی--------

107- صحیفة المؤمن------ فارسی--------

108- سبط المصطفی------ فارسی--------

109- در آرزوی وصال------ فارسی--------

مقاله‌ها و خطابه‌ها:

110- حدیث بیداری (مجموعه پیام‌ها)------ فارسی--------

111- شب‌پرگان و آفتاب------ فارسی--------

112- شب عاشورا------ فارسی--------

113- صبح عاشورا------ فارسی--------

تراجم:

114- زندگانی آیت الله آخوند ملامحمد جوادصافی گلپایگانی------ فارسی--------

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: 188

115- زندگانی جابر بن حیّان------ فارسی--------

116- زندگانی بوداسف------ فارسی--------

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

[1] ( 1). بحار الانوار، ج 5، ص 84.

[2] ( 2). فرائد السمطین، ج 1، ص 19؛ کفایة الطالب، ج 1، ص 18.

[3] ( 1). بحار الانوار، ج 38، ص 197.

[4] ( 1).[ المناقب خوارزمی، ص 37؛ المقتل، 42؛ طبع نجف، ینابیع المودة، ص 82.]

[5] ( 2). اسد الغابة، 4، ص 23.

[6] ( 1). شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، 15، ص 194.

[7] ( 1). نک نهج البلاغه، کلمات قصار، 74.

[8] ( 2). نهج البلاغه، نامه 45.

[9] ( 3).[ خطبه قاصعه، نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه 192]

[10] ( 1). این عدد معادل نام شریف علی عليه‌السلامبه حسب حروف ابجد است. البته با محاسبه احادیثی که در پانوشت بدان افزودم بیش از این شمار شده است. و الحمدلله.

[11] ( 1). رشفة الصادی فی بحر فضائل بنی النبی الهادی، ابوبکر حضرمی، ص 75.

[12] ( 1) گروهی از ارباب صحاح اهل سنت و مسانید و جوامع روایی آنان به طرق بسیار و صحیح که متجاوز از حد تواتر است نقل کرده‌اند: پیامبر اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله به هنگام مراجعت از« حجة الوداع» در مکانی به نام« غدیر خم» توقف کرده و خطبه‌ای ایراد کرد و مسلمانان را به چنگ زدن به دو گوهر گرانبها( یعنی کتاب خدا و خاندان پیامبر) توصیه فرمود و افزود که این دو هیچ‌گاه از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض کوثر بر رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله درآیند، آن‌گاه بازوی علی علیه‌السلام را گرفت و فرمود:« هر کس را که من مولای اویم علی نیز مولای اوست ....»

\Y\*\*\*\E عقیده نگارنده این است که: احادیث« غدیر»،« ولایت»،« ثقلین»،« منزلت»،« ائمه اثناعشر»،« طیر»،« کساء»،« مباهله»، و احادیث دیگر از این قبیل تمامی از مشهورترین روایات با صحیح‌ترین اسناد، و طرق فراوان می‌باشند که جمعی از یاران رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله به نقل آنها پرداخته‌اند و احدی قادر نیست در بین روایات، احادیثی را که قابل سنجش با احادیث یاده شده از حیث اعتبار و تواتر و شهرت را بیابد مگر خیلی کم. و ضبط کلیه اسناد و الفاظ این روایات فوق العاده دشوار است به نحوی که برای آنها تک‌نگاری‌هایی در دست است و گاه برخی از آنها چند مجلد را تشکیل می‌دهد که در این دفتر فهرست و از باب تبرّک و تیمّن آنها را نقل می‌کنیم.

و سپاس ویژه خداوندی است که ما را از متمسکین به ولایت امیر المؤمنین و ائمه از فرزندانش تا امام عصر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار داد.

[13] ( 1) تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام)، ج 2، ص 412/ 923.

نیز نک: الدر المنثور، ج 4، ص 45؛ تفسیر روح المعانی، ج 13، ص 97؛ تفسیر طبری، ج 3، ص 72.

این حدیث از روایات مشهور است. سیوطی در الدر المنثور درباره آن گوید: این حدیث را ابن جریر و ابن مردویه، و ابو نعیم در المعرفة، و دیلمی، و ابن‌عساکر و ابن نجار نقل کرده‌اند.

چون آیه:« انَّما انت مُنذر و لکلّ قومٍ هاد»[ سوره رعد، آیه 7]( همانا تو بیم دهنده‌ای و برای هر قومی هدایت‌کننده‌ای است) فرو فرستاده شد، پیامبر اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله دست مبارک خویش به سینه نهاد و گفت:« من بیم دهنده‌ام.» آن‌گاه با دست خود به شانه علی اشاره کرده فرمود:« یا علی! تو هدایت کننده‌ای و هدایت شوندگان پس از من توسط تو راه می‌یابند.»

و مانند همین را از ابی برزه، ابن مردویه، ضیاء در المختاره از ابن عباس و از عبدالله بن احمد در زوائد المسند ابن ابی حاتم و طبرانی در الاوسط و حاکم نقل نموده و آن را صحیح تلقی کرده است.

و ابن مردویه و ابن عساکر از علی بن ابی‌طالب نقل کرده‌اند که در خصوص آیه:« انَّما انت مُنذر و لکلّ قومٍ هاد» فرمود:« رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله بیم دهنده است و من هدایت‌کننده‌ام.»

[14] ( 1). الفردوس، ج 1، ص 44/ 106؛ المستدرک( حاکم)، ج 3، ص 126؛ تاریخ بغداد، ج 2، ص 277 و ج 4، ص 348؛ مجمع الزوائد، ج 9، ص 114؛ تهذیب تاریخ دمشق، ج 3، ص 38؛ اللآلی‌المصنوعة( سیوطی)، ج 1، ص 329؛ اسد الغابة، ج 4، ص 22.

درکتاب فتح الملک العلی بصحة حدیث باب مدینة العلم علی، ص 164 این گونه آمده است:

حافظ سیوطی در الجامع الکبیر می‌گوید: مدتی بود که در مقام پاسخگویی به این پرسش که سند این حدیث چگونه است می‌گفتم: حسن است تا از حسن اتفاق مواجه شدم با تصحیح ابن‌جریر در رابطه با نقل حدیث از علی از کتاب تهذیب الآثار به همراه تصحیح حاکم نیشابوری نسبت به نقل این روایت از ابن عباس، آن‌گاه استخاره کردم و مطمئن شدم به ارتقاء مرتبه حدیث از« حسن» به« صحیح».\*

نیز رجوع شود به کتاب« مناقب سیّدنا علی»، ص 25 و کتاب المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 126.

ترمذی در کتاب الجامع الصحیح، ج 5، ص 637/ 3723 از علی علیه‌السلام نقل کرده که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرموده است:« من خانه حکمتم و علی باب آن است.»

و ابن عساکر در تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام)، ج 2، ص 459/ 990 و ابونعیم اصفهانی در کتاب حلیة الاولیاء، ج 1، ص 64 همین حدیث را ثبت کرده‌اند.

و رجوع نمایید به کتاب فتح الملک العلی بصحة حدیث باب مدینة العلم علی علیه‌السلام که در آن علم فراوانی خواهید یافت.

نیز از سلمان فارسی از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روایت شده که حضرت فرمودند:« داناترین امتم بعد از من علی بن ابی‌طالب است.»

الفردوس، ج 1، ص 370/ 1491؛ جمع الجوامع/ 3794؛ کنز العمال/ 32977.

سعید بن مسیب گوید:« در میان اصحاب رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم تنها کسی که مدعی« سلونی»( از من پرسش کنید) شده، علی بن ابی‌طالب بود.»

توضیح الدلائل، ص 211؛ الاستیعاب( چاپ شده در حاشیة الاصابه)، ج 3، ص 40، تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام)، ج 3، ص 31/ 1054.

از سفیان نقل است که گفت:« احدی با علی احتجاج نداشت جز آن که علی با براهین، استدلال اورا بر هم زدو بر او چیره شد.» مناقب ابن مردویه، 87/ 77.

ابن مردویه گوید: برای صحابه پیامبر اقدس اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم پیشامد ناگواری رخ داد ازاین رو عمر آنها را فرا خواند به علی گفت:« تو راه حل بده که بهترین و داناترین آنانی.»

کتاب ملحقات احقاق الحق، 233: 8. و عبارتی نزدیک به این مضمون در ذخائر العقبی، ص 81 نقل شده است. و نیز در نقل‌ها فراوان آمده است که عمر همیشه می‌گفت:« اگر علی نبود، عمر هلاک می‌شد.»

رجوع شود به کتاب الاستیعاب( چاپ شده در حاشیة الاصابه) 39: 3.

به طور خلاصه باید گفت:« در کتاب الغدیر صد و چهل و سه مصدر برای این حدیث ذکر کرده. و علامه لکهنوی درباره این حدیث و مباحث پیرامون آن دو جلد کتاب قطور تصنیف کرده که صفحات آن بالغ بر 1345 خواهد بود.»

[\* حدیث صحیح عبارت است از حدیث مسندی که اسناد آن به نقل عادل با قدرت ضبط و حفظ قوی از افراد مانند خود روایت کرده باشند و تحت عنوان شاذ و معلل قرار نگیرد. نک: ارشاد طلاب الحقائق الی معرفة سنن خیر الخلائق.]

[15] ( 1). الفردوس، 1/ 44/ 107؛ کشف الخفاء، 1/ 236.

[16] ( 1). الفردوس، 244: 2/ 3151؛ الجامع الصغیر، 665: 1/ 4332؛ کنز العمال، 11/ 601/ 32894؛ مناقب علی ابی‌طالب( ابن مغازلی)، 206/ 243.

[17] ( 1). الفردوس، 46: 1/ 115؛ تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام)، 163174: 3/ 1178 و 1185؛ کنز العمال، 32968.

از ابن عمر روایت است که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:« مردم از درخت‌های متعددند و من و علی از یک درخت آفریده شده‌ایم.»

نیزنک: توضیح الدلائل از شهاب الدین، ایجی/ 123.

[18] ( 1). الفردوس 46: 1/ 115، تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام) 174 163: 3/ 1178 و 1185؛ کنز العمال/ 32968.

انس از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روایت کرده که حضرت فرمود:« علی پس از من آنچه را که مردم از تأویل قرآن نمی‌دانند را به آنها تعلیم می‌دهد.» شواهد التنزیل، 39: 1/ 28.

[19] ( 1) الفردوس، 52: 1/ 135؛ تنزیه الشریعة، 14: 1؛ تهذیب تاریخ دمشق، 4/ 231.

و عبدالرحمن بن عوف از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله این گونه روایت کرده است که حضرت فرمود:

« من درختم، و فاطمه تنه و فرع آن، و علی موجب باروری آن است و حسن و حسین میوه آن، و شیعیان ما برگ آنند. و اصل آن درخت در بهشت عدن قرار دارد و باقیمانده اجزایش در دیگر جاهای بهشت است.» المستدرک علی الصحیحین، 174: 3/ 4755.

[20] ( 1) میزان الاعتدال ذهبی، 3/ 76.

و از انس روایت آورده که گفت: در حضور رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بودم ناگهان علی را دیدم که از روبرو می‌آید حضرت فرمود:« انس!» عرضه داشتم: بلی یا رسول‌الله. فرمود:« این که از مقابل می‌آید حجت من است بر امتم در رستاخیز.» جواهر المطالب، ج 1، ص 193؛ تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام)، ج 2، ح 800 و مابعد آن.

[21] ( 1). الفردوس، 152: 1/ 552.

[22] ( 1). مجمع الزوائد، ج 2، ص 112 به نقل از طبرانی.

[23] ( 1). الصواعق، 97،( چاپ مصر) سال 1308؛ ذخائر العقبی( چاپ مصر) سال 1356 و غیر آن دو.

[24] ( 1). تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام) 337: 2/ 846؛ ذخایر العقبی، 89؛ الریاض النضرة، 2/ 209؛ جواهر المطالب، 1/ 227.

[25] ( 1). الفردوس، 85: 2/ 2459؛ کنز العمال 33031؛ تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام)، 218: 2/ 182؛ مقتل الحسین( ع) خوارزمی، 97: 2.

[26] ( 1). الفردوس، 100: 2/ 2530، تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام)، 2/ 178، 182/ 666؛ جواهر المطالب، 227: 1؛ فرائد السمطین، 292: 1.

انس درضمن حدیثی روایت کرده که رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله به علی علیه‌السلام فرمود:

« به خدا سوگند تو نخستین آنهایی» و این را سه مرتبه بیان فرمود. علی سؤال کرد: پدر و مادرم به فدایت آن سه تن کیان‌اند؟ جواب داد:« مقداد و سلمان و ابوذر رضوان الله علیهم» مجمع‌الزوائد، 9/ 117.

و از ابن عباس روایت شده که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:« از هیچ آسمانی نگذشتم جز آنکه اهل آن را در آرزوی دیدار علی بن ابی‌طالب یافتم. و هیچ پیامبری در بهشت نیست جز آنکه مشتاق علی بن ابی‌طالب است». جواهرالمطالب، 1/ 257.

[27] ( 1). الفردوس، 2/ 132/ 2674؛ تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام)، 271: 2/ 797. نیز نک: مناقب ابن مغازلی، 47/ 70.

عمّار بن یاسر و ابو ایوب انصاری گفته‌اند: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:« حق علی بر مسلمانان همان حق پدر است بر فرزند.» جواهر المطالب، 91: 1؛ الریاض النضرة، 117: 2.

[28] ( 1). الفردوس، 142/ 2722؛ تنزیه الشریعه، 355: 1؛ الفوائد المجموعة، 367.

[29] ( 1). الفردوس، 142: 2/ 2723.

[30] ( 1). الفردوس، 142: 2/ 2725.

[31] ( 1). المناقب خوارزمی، 68/ 41. این حدیث را ابن مردویه طبق آنچه شهاب الدین ایجی شافعی در توضیح الدلائل 178 آورده، نقل نموده است.

و نیز محب الدین طبری در ذخائر العقبی، ص 72 از عائشه نقل می‌کند که چون رحلت رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نزدیک شد فرمود:« حبیب مرا به نزدم بیاورید.» ابوبکر را حاضر کردند حضرت به او نگریست دوباره سر خود را بر بالین نهاد، و بار دیگر همان را تکرار فرمود. عمر را فرا خواندند. همین که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله او را مشاهده کرده سر بر زمین نهاد و باز فرمود: حبیب مرا بگویید بیاید. علی را دعوت کردند. چون رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله او را دید همراه با خود او را داخل پارچه‌ای کرد که رویش انداخته بودند، همچنان او را در آغوش داشت تا جان به جان آفرین تسلیم کرد.

و نیزاین حدیث در تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام) 3/ 17/ 1036؛ جواهرالمطالب، 1/ 175 نقل شده است.

از عبدالله بن عمر روایت است که رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله هنگام بیماریش فرمود:« برادرم را نزد من فرا خوانید.» ابوبکر را گفتند، حضرت از او روی برگرداند آن‌گاه فرمود:« بگویید برادرم بیاید.» عمر را گفتند آمد. رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله از او نیز روی گردانیده آن‌گاه فرمود:« برادرم را بگویید بیاید.» عثمان را گفتند آمد پس حضرت از او نیز روی برگرداند. پس علی را فراخواندند پیامبر پارچه‌ای رویش بود برداشت و علی را در زیر آن پارچه داخل نمود، هنگامی که علی از حضور پیامبر خارج شد. از ایشان سؤال شد رسول خدا چه چیزی در زیر پارچه به تو فرمود؟ گفتند: رسول خدا مرا هزار باب آموخت که از هر بابی هزار باب گشوده می‌شود.

مسند ابی یعلی موصلی؛ سیر اعلام النبلاء، 22: 8؛ تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام) 483: 2/ 1012؛ کفایة الطالب، 133.

[32] ( 1). الاصابة فی تمییز الصحابة، ابن حجر عسقلانی( چاپ قاهره، 1328 ه، ط 1) 403: 4، ترجمه لیلی الغفاریه. و نیز ابن اثیر جزری در اسدالغابة( چاپ بیروت، دار احیاء التراث العربی) 547: 5.

[33] ( 1) الفردوس، 61: 3/ 4172، و 358: 2/ 3599؛ انساب الاشراف بلاذری، 182: 2 و در ذیل صفحه از تاریخ دمشق، 41: 38/ 851.

از جابر بن عبدالله روایت شده ما در خدمت پیامبر اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله نشسته بودیم که علی از روبرو به سوی ما آمد، هنگامی که چشم پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله به او افتاد فرمود:« قسم به آن کسی که جانم در دست قدرت اوست این و شیعیانش روز رستاخیز پیروزمند و رستگارند.» و آیه 98 سوره بیّنه نازل شد( کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، آنان بهترین مردم هستند.) مجمع الزوائد، 131: 9.

و گنجی با اسناد خود از ابو سعید خدری روایت کرده که پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله به علی نگاه کرد و فرمود:« این و پیروانش رستگاران روز رستاخیز هستند.» در ادامه می‌فرماید: من این حدیث را از گروه بسیار و طرق گوناگون شنیدم. کفایة الطالب، 175.

و مناوی این حدیث را این گونه نقل کرده است:« شیعیان علی رستگارانند». کنوز الحقائق، 2515: 1/ 17.

[34] ( 1). الفردوس، 403: 2/ ح 3793.

[35] ( 1) الفردوس، 421: 2/ 3866؛ جمع الجوامع/ 11083؛ فیض القدیر، 5148 از ابن عباس و 5149 همان؛ الدر المنثور، 262: 3؛ تفسیر القرطبی، 306: 15؛ کنز العمال/ 32897 و 32989، المناقب خوارزمی، 310/ 307؛ تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام)، 282: 2/ 812؛ الجامع الصغیر، 115: 2/ 5148؛ الصواعق المحرقه، ابن حجر، 125.

نیز رجوع فرمایید به: الدر المنثور، 154: 6؛ فتح القدیر، 151: 4؛ تفسیر روح المعانی، 114: 27 در تفسیر آیه:« و السّابقون السابقون» و فضائل اثرابن حنبل، 131 و 170.

[36] ( 1). جواهر المطالب فی مناقب الامام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام: 1، 181.

[37] ( 1). الفردوس، 61: 3/ 4171.

مسند احمد، 4، ص 165؛ سنن الترمذی/ 3719؛ سنن ابن ماجه/ 119؛ المعجم الکبیر، 19: 4 و 20؛ خصائص نسایی، 166/ 90.

نیز رجوع فرمایید به: ارحج المطالب، 548، و ابن اثیر در اسد الغابة، ج 4، ص 27 حدیث را این گونه روایت کرده است:« همانا علی از من است و من از علی و اوست سرپرست هر مؤمنی و پس از من»؛ کنز العمال، 612: 11/ 32961.

[38] ( 1). الفردوس، 62: 3/ 4173؛ المعجم الکبیر طبرانی، ج 2، ح 2035؛ الجامع الصغیر سیوطی، ح 5597.

ابن عبدالبر در استیعاب( چاپ شده در حاشیة الاصابه) در ترجمه امام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام، ج 3، ص 35 می‌نویسد: این کلام رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله که به علی فرمود: تو نسبت به من همچون موسی علیه‌السلام هستی به هارون( پیامبر) جمعی از یاران رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله روایت کرده‌اند و این از حیث سند از جمله بهترین آثار ثبت شده و صحیح‌ترین آنها ست.

خوارزمی در کتاب مقتل الحسین علیه‌السلام، ج 1، ص 48 گفته است: این حدیث را جماعتی از صحابیان روایت کرده‌اند که عبارتند از: علی، عمر، عامر بن سعد، سعد بن ابی وقاص، امّ‌سلمه، ابو سعید، ابن عباس، جابر، ابوهریرة، جابر بن سمره، جشی بن جناده، انس، مالک بن جویرث، ابوایوب، یزید بن أبی أوفی، ابو رافع، زید بن أرقم، براء، عبدالله بن ابی أوفی، معاویة بن ابی‌سفیان، ابن عمر، بریدة بن حصیب، خالد بن عرفطه، حذیفة بن اسید، ابوالطفیل، اسماء بنت عمیس، فاطمه دخت پیامبر اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله و فاطمه دخت حمزة بن عبدالمطلب.

گنجی شافعی درکفایة الطالب( باب 70، ص 283) می‌نویسد: حاکم نیشابوری گفته است: این حدیث در حد تواتر است.

حاکم حسکانی در شواهد التنزیل، ج 1، ص 152 می‌نویسد: این همان حدیث منزلت است که شیخ ما ابو حازم درباره آن می‌گوید: آن را با پنج هزار سند تخریج نموده‌ام.

سیوطی در الدر المنثور، 3/ 266؛ ابن عساکر درتاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام)، 307: 1/ 336 و ابن حجر در الاصابه( 2/ 905) از سعد بن أبی وقاص نقل کرده‌اند: علی بن ابی‌طالب همراه رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله از مدینه بیرون رفت وقتی به حجة الوداع رسید و پیامبر عازم تبوک بود گریست و به پیامبر چنین گفت:« مرا میان زنان و اطفال نهاده و خود به تبوک می‌روید.»

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:« آیا راضی نیستی موقعیتت نسبت به من همچون موقعیت هارون به موسی باشد جز در نبوت؟!»

نیز رجوع شود به کنز العمال، 13/ 171/ 36517؛ مجمع الزوائد، 9/ 110.

[39] ( 1). الفردوس، 62: 3/ 4174؛ فیض القدیر/ 5596؛ زهر الفردوس، 316: 2 به گونه مسند؛ مناقب خوارزمی، 144/ 167 و 148/ 174، و ابن مغازلی در المناقب، 92/ 135 از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل کرده که فرمود:« علی نسبت به من همچون سر است به بدنم.» و با سند دیگری به شماره 136 از رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل کرده که حضرت فرمود:« علی نسبت به من مانند سرم است به تنم.»

نیز مراجعه شود به: الجامع الصغیر سیوطی، 2، ص 177/ 5596؛ کنز العمال، 603: 1/ 32914.

[40] ( 1). الفردوس: 63/ 4178؛ فیض القدیر، 5599؛ زهر الفردوس، 315: 2؛ الجامع الصغیر سیوطی، ح 5599.

[41] ( 1). الفردوس، 64: 3/ 4179؛ فیض القدیر، 5592؛ کنز العمال/ 32910؛ زهر الفردوس، 315: 2 به نقل از ابن عمر. الجامع الصغیر، 96: 2.

[42] ( 1). الفردوس، 64: 3/ 4180. نیز مراجعه شود به طبقات الحنابله، 32: 1؛ تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام) 253: 2/ 775.

دار قطنی در العلل الواردة( 273: 6/ 1132) از ابوذر روایت کرده که رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:« علی تقسیم‌گر آتش دوزخ است، دوستانش را به بهشت و دشمنانش را به دوزخ می‌افکند.»

در طبقات الحنابله( 320: 1/ 448) محمد بن منظور طوسی می‌گوید: نزد احمد بن حنبل بودیم که مردی به وی گفت: ای اباعبدالله! چه گویی درباره این حدیثی که علی گفته است:« من تقسیم‌کننده آتش دوزخم.»

احمد گفت: چه انکاری در این حدیث دارید؟ مگر برای ما از پیامبر روایت نشده که به علی فرمود:« جز مؤمن تو را دوست نمی‌دارد، و جز منافق تو را دشمن نمی‌دارد؟» گفتم:[ چرا.] گفت:[ جای مؤمن کجاست؟ گفتیم: بهشت. گفت:[ جای منافق در کجاست؟ پاسخ دادیم، در آتش. گفت بنابراین علی تقسیم‌گر آتش دوزخ است.

[43] ( 1). کنز العمال، 639: 12/ 37613 به نقل از مستدرک حاکم و صواعق و ذخائر العقبی و غیر آن.

[44] ( 1). اسد الغابة، 30: 4. در آن آمده است این حدیث را بیش از یک راوی از انس روایت کرده‌اند. البدایة و النهایة، 354: 7 و 388؛ العلل المتناهیة، 323: 1/ 367 و 234/ 373 و 375 و 236/ 376 و 377؛ تاریخ دمشق، 2/ 131/ 639 و در موارد متعدد دیگر این کتاب این حدیث نقل شده است.

خوارزمی در مقتل الحسین علیه‌السلام، ص 46 می‌نویسد: حافظ ابن مردویه این حدیث را با صد و بیست سند روایت کرد:

و ابو عبدالله حافظ گوید: حدیث طیر را اگر چه مسلم و بخاری درکتاب خود نیاورده‌اند صحیح است اگر خواهان اطلاعات گسترده‌تر در این زمینه هستید به کتاب العبقات مراجعه فرمایید.

[45] ( 1). المعجم الصغیر، طبرانی، 88: 2، و در کنز العمال( 619: 11/ 3309) آمده: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله به علی فرمود:« مرحبا به آقای مسلمانان، و امام پرواپیشگان.»

ابو نعیم اصفهانی درکتاب حلیة الاولیاء( 63: 1) از انس نقل روایت می‌کند که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:« انس! آب جهت وضو ساختن برایم بیاور.» آن‌گاه برخاست و دو رکعت نماز گزارد سپس فرمود:« ای انس! نخستین کسی که از این در در آید، امیر مؤمنان و آقای مسلمان‌ها و پیشوای سفید رویان درخشان چهره و خاتم وصیان است.»

انس گفت:« عرضه داشتم: خدایا! مردی از انصار باشد؛ و این خواسته را از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله پوشیده داشتم.» آن‌گاه علی آمد. پیامبر سؤال کرد:« انس! کیست؟» گفتم:« علی.» پیامبر با شادمانی برخاست و او را در آغوش گرفت، سپس بنا کرد عرق چهره‌اش را به صورت علی مالید و عرق چهره علی را به رخسار خود می‌مالید.

علی گفت:« ای رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله ! کاری کردید که پیش از این با من نمی‌کردید؟!»

حضرت فرمود:« چرا نکنم درحالی که تو آنچه بر من است ادا خواهی کرد و آوای مرا به ایشان می‌رسانی و آنچه را که بعداز من در آن اختلاف کنند، حق را برای آنان بیان می‌کنی.»

ابن عساکر در تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام)، 486: 2/ 1014 و در مستدرک 127: 3 چنین ثبت شده است به من سه چیز درباره علی وحی شده است: او سید مسلمانان و ... است.

حاکم می‌نویسد: این حدیث دارای اسناد صحیحی می‌باشد ولی مسلم و بخاری آن را نیاورده‌اند.

[46] ( 1). الفردوس، 3/ 4284 از عمر. و سیوطی در اللآلی برای آن طریق دیگری ذکر کرده است( یعنی غیر از طریقی که تضعیف کرده‌اند. گرچه تضعیفشان هم چون به دلیل آن است که راوی از محبان اهل بیت علیهم السلام بوده، این تضعیف بی‌وجه است. و آن را طبرانی از ابن موسی نقل کرده که او گفت: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:« من و علی و فاطمه و حسن و حسین در قیامت در قبه‌ای تحت عرش قرار داریم. و این طریق هم بدون اشکال نیست و مؤید طریق دیگر خواهد شد.»

[47] ( 1). الفردوس، 227: 3/ 4666. و ابو نعیم در الحلیة، 6465: 1 آن را تخریج کرده؛ الجامع الکبیر، 550: 2.

[48] ( 1). الفردوس، 230: 3/ 4678؛ مناقب سیدناعلی، 38؛ مجمع الروائد، 9/ 134. همچنین رجوع شود به المناقب خوارزمی، 176/ 214؛ توضیح الدلائل: 209؛ المستدرک علی الصحیحین، 124: 3؛ کنز العمال، 603: 11/ 32912؛ الجامع الصغیر، ح 5594؛ مجمع الزوائد، 134: 9 باب؛ الحق مع علی علیه‌السلام.

[49] ( 1). الفردوس، 65: 3/ 418؛ زهر الفردوس، 317 316: 2، به صورت مسند؛ کنز العمال، 212: 12 و 156: 6؛ القول الجلی ح 38 و غیر آنها. و مانند آن چیزی است که روایت کرده‌اند در المستدرک، 36؛ کنوز الحقائق، ص 188؛ حلیة الاولیاء، 63: 1.

[50] ( 1). الفردوس، 283: 3/ 4851. نیز نک: مناقب سیدنا علی، 21؛ ینابیع المودة، 118؛ المناقب خوارزمی، 145/ 170؛ تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام)، 151: 1/ 186؛ کفایةالطالب، 315، ب 87؛ المناقب، ابن مغازلی، 78/ 132 130.

[51] ( 1). الفردوس، 354: 3/ 5066.

[52] ( 1). الفردوس، 363: 3/ 5100؛ کنز العمال،/ 32993؛ المناقب خوارزمی، 131/ 146. و نزدیک به آن را در تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام)، 364: 2/ 87 نقل کرده است؛ ذخائرالعقبی، 100.

[53] ( 1). الفردوس، 364: 3/ 5103؛ تنزیه الشریعة، 1، ص 398؛ المناقب خوارزمی، 67/ 40.

[54] ( 1). الدر المنثور، 209: 3 و 210 همان؛ کنز العمال، 422: 2؛ فتح القدیر، 334: 2؛ فضائل الصحابة از احمد بن حنبل، 562: 2، ح 964.

[55] ( 1). الفردوس، 429: 1/ 1751؛ امالی شجری، 134: 1؛ کنز العمال، 32953. و آن را هیثمی در مجمع الزوائد، 108: 9 نقل کرده است.

[56] ( 1). الفردوس، 373: 3/ 5130.

ابن مردویه با اسناد خود از امّ ایمن نقل کرده که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله صبحگاه عروسی فاطمه و علی به او فرمود:« ای ام ایمن، برادرم را بگو بیاید.» ام ایمن گفت: مرادتان کیست؟ فرمود:« علی.» امّ ایمن باتعجب پرسید: چگونه علی برادر تو است در حالی که دخترت را به عقد او در آورده‌ای؟!

حضرت فرمود:« اینچنین است به خدا قسم فاطمه را به ازدواج هم شأنی درآوردم که در این سرا و سرای دیگر شرافتمند است.»

مناقب ابن مردویه، 101/ 104. و نزدیک به آن را در المستدرک علی الصحیحین، 159: 3 می‌توان دید.

[57] ( 1). الفردوس، 373: 3/ 5135.

[58] ( 1). مجمع الزوائد هیثمی، 12: 9؛ لسان المیزان، 414: 2. نیز رجوع شود به المناقب ابن‌مغازلی، 65/ 93. او به اسناد خود نقل می‌کند که رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:« ای علی! تو آقای مسلمانان، پیشوای پروا پیشگان و رهبر نامدار وسپیدان و خسرو دینی.» تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام) ح 119 و آنچه پیرامون حدیث نقل کرده‌اند.

[59] ( 1). الفردوس، 455: 3/ 5406؛ المستدرک علی الصحیحین، 194: 3.

[60] ( 1). الفردوس، 508: 3/ 5579 و 321: 5/ 8316. از جابر و او از رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم روایت کرده که حضرت فرمود:« ای علی! چنانکه امتم با تو دشمنی ورزید، خداوند آنان را با نوک بینی‌شان در آتش می‌اندازد.» تنزیه الشریعه: 360. اللآلی المصنوعة، 1/ 190.

و در کتاب الفردوس، 330: 5/ 8339 و زهر الفردوس، 312: 4 به صورت مسند از بهز بن حکیم از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روایت کرده که فرمود:« ای علی! باکی ندارم هر کس با دشمنی تو دنیا را ترک گوید، یهودی بمیرد یا نصرانی.» این حدیث را ابن مغازلی در المناقب(( 50/ 74) از معاویة بن حیده نقل کرده است.

و از ابن هارون نقل شده که گفت: با ابن عمر در جایی نشسته بودیم که نافع بن ارزق به ما نزدیک شد و بالای سر ابن عمر ایستاد و سوگند یاد کرد و گفت: به خدا سوگند که بغض علی را در دل نهفته دارم. روای گوید: ابن عمر سربلند کرد و گفت: خدایت دشمن بدارد، بغض شخصیتی را در دل می‌گیری که یکی از سوابقش ازدنیا و هر چه در آن است برتر و بهتر است.

المصنف، ابن ابی شیبة، 160: 6؛ شواهد التنزیل، 20: 1/ 12.

[61] ( 1). الفردوس، 542: 3/ 5689؛ فیض القدیر، 8736؛ مسند احمد بن حنبل، 323: 5؛ المستدرک علی الصحیحین، 130: 3؛ مجمع الزوائد، 130: 9؛ الجامع الصغیر، ح 8736؛ خوارزمی در کتاب المناقب( 136/ 154) از سعید بن جیبر نقل کرده که گفت: ابن عباس مطلع شد جمعی به بدگویی علی علیه‌السلام مشغولند. به فرزند خود( علی بن عبدالله) گفت:« دستم را بگیر و مرا به مجمع آنها ببر.» فرزندش اطاعت کرد. وقتی به آنها رسید گفت:« کدام یک از شما داشت به خدا ناسزا می‌گفت؟» همه با تعجب گفتند:« سبحان الله! کسی که به خدا ناسزا بگوید مشرک است.»

پس پرسید:« کدام فرد از شما داشت به رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله ناسزا می‌گفت؟» باز گفتند:« این چه حرفی است هر کس رسول ناسزا بگوید کفر ورزیده است.»

پس از آن گفت:« کدام یک شما علی را دشنام می‌داد؟»

گفتند:« این را گفتیم.»

ابن عباس به آنان گفت: گواه باشید از رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله شنیدم فرمود:« هر کس علی را ناسزاگوید به من دشنام داده وهرکس مرا دشنام دهد به خدا ناسزاگفته و هر کس به خدا ناسزا بگوید خدا وی را با صورت درآتش سرنگون خواهدفرمود.» این‌مطلب را محب الدین طبری در الریاض النضرة، 122: 3، و متقی هندی در کنز العمال 602: 11/ 32903 نقل نموده‌اند.

[62] ( 1). الفردوس، 123: 4/ 6380 و 257: 2/ 3195؛ کنزالعمال/ 36435؛ توضیح الدلائل، 208؛ حلیة الاولیاء، 251: 7؛ تاریخ بغداد، 7/ 387.

ابن عباس از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روایت کرده که حضرت فرمود:« شبی که به معراج برده شدم، مشاهده کردم بر سر در بهشت نگاشته شده: خدایی جز خدای یگانه نیست، محمد فرستاده پروردگارت وعلی حبیب او وحسن وحسین برگزیده‌اش، و فاطمه، منتخبش، و لعنت حق نثار دشمنانشان.»

تاریخ بغداد، 209: 1؛ تهذیب تاریخ دمشق، 322: 4؛ المناقب خوارزمی، 302/ 297؛ و در مجمع الزوائد، 9/ 11 چنین آمده است: خدایی جز خدای یکتا نیست، محمد فرستاده خدا و علی برادر پیامبر است دوهزار سال قبل از آفریدن آفرینش.

[63] ( 1). الفردوس، 134: 4/ 6417.

[64] ( 1). الفردوس، 294: 4/ 6865 و 6866؛ النهایة ابن اثیر 77: 5( مادة: نظر). ابن اثیر در این کتاب حدیث را چنین ترجمه کرده است: هر گاه علی در جمع مردم ظاهر می‌شد مردم شگفت‌زده می‌گفتند لا اله الا الله، چه رخسار نیکو و نورانی دارد. و لا اله الا الله چقدر این جوان مرد دانا است، لا اله الا الله چه مقدار این جوان مرد گرامی و بزرگوار است. یعنی چقدر پروا پیشه است، لا اله الا الله چقدر این جوان مرد دلاور است، از این رو این دیدار مردم را به زبان راندن کلمه توحید وا می‌داشت.

نیز رجوع کنید به حلیة الاولیاء، 26/ 183 و 85: 5؛ مجمع الزوائد، 119: 9؛ تاریخ بغداد، 51: 2 از ابوهریره نقل کرده گفت: دیدم معاذ بن جبل نگاه کردن به رخسار علی بن ابی‌طالب را ادامه می‌دهد، در یکی از اوقات به او گفتم: سبب چیست نگاهت را به سیمای علی طولانی می‌کنی و چنان نگاهش می‌کنی که گویی تا به حال او را ندیده‌ای؟ او حدیث یاد شده را خواند.

این حدیث را ابن مردویه طبق نقل سیوطی که در اللآلی المصنوعة، 345: 1 آورده، روایت کرده است وحاکم در المستدرک، 141: 3 و خوارزمی در المناقب، 361/ 375 673؛ و ابن مغازلی در المناقب: 211/ 254 و 206/ 245 و سیوطی در تاریخ الخلفاء، 172 و ابن حجر در الاصابة 403: 4 در ترجمه لیلی غفاریه، و ابو نعیم اصفهانی درالحلیة، 182: 2 و ابن کثیر در البدایة و النهایة، 358: 7؛ الصواعق، 108 این روایت را کرده که بسیاری از صحابیان نقل کرده‌اند که برخی از آنها سند نقل را به 12 تن از صحابه منتهی کرده‌اند. مجمع الزوائد، 119: 9 باب نگاه افکندن به سیمای علی. دراین کتاب مؤلف از طلیق بن محمد روایت کرده که گفت: عمران بن حصین را دیدم دقیق به سیمای علی می‌نگرد در این خصوص از او سؤال شد. گفت: از پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله شنیدم که فرمود:« نظر به رخسار علی عبادت است.»

[65] ( 1). الفردوس، 343: 4/ 6993؛ کنز العمال، 34293؛ زهر الفردوس، 134: 4.

[66] ( 1). جواهر المطالب فی مناقب الامام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام از باعونی شافعی، 88: 1؛ اخبار اصبهان، از ابو نعیم اصفهانی، 341: 1 حدیث را ابو الخیر طالقانی در باب 26، ح 33 از کتابش الأربعین المنتقی که در مجله وزین تراثنا، ش 1، ص 119 منتشر شده، آورده است.

ابن مغازلی در المناقب، 119/ 153 از ابن عباس روایت کرده که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:« در روز رستاخیز علی علیه‌السلام مشرف بر حوض کوثر ایستاده است. احدی به بهشت در نیاید جز آنکه پروانه‌ای از علی بن ابی‌طالب با او باشد.» نیز این مطلب را از انس در حدیث، 289 ص 242 نقل کرده است.

برای این حدیث منابع فراوانی وجود دارد که آنها را در فرائد السمطین، 289: 1/ 228؛ غایةالمرام، 262؛ الریاض النضرة، 122: 2؛ ذخائر العقبی، ص 71، می‌توان دید.

[67] ( 1). الفردوس، 315: 5/ 8299.

ابن عساکر از حبه بن جوین عربی نقل کرده، که گفت: شنیدم علی بن ابی‌طالب می‌گوید: نخستین کس هستم که به رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله گروید یا با او نماز گزارد تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام) 1/ 58/ 85. و مفاد حدیث یاد شده به تواتر ثابت است.

[68] ( 1). کنز العمال، ج 13، از طبرانی از مسند رافع بن خدیج، ح 36449.

[69] ( 1). تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام) 259: 2/ 784.

از سالم غلام حذیفه نقل است که پیامبر اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله امر کرد تا به علی بن ابی‌طالب این گونه سلام دهیم.« یا امیر المؤمنین و رحمة الله و برکاته». مناقب سیدنا علی از عینی، چاپ هند، حیدر آباد، 1352 ه 18. و در صفحه 61 آن از انس نقل روایت شده که انس گفت: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:« ای انس! اولین شخصی که ازاین در بر تو درآید امیر مؤمنان و آقا و سرور مسلمانان و خاتم وصیین است.»

این مطلب را ابن عساکر در تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام)، 2، ص 259/ 783 در ضمن حدیثی از انس چنین نقل کرده:« ای انس! نخستین کسی که ازاین در درآید امیر مؤمنان و پیشوای نامی روسپیدان، وسرور مؤمنان علی است.»

نیز رجوع کنید به المناقب خوارزمی، 322/ 329.

تفتازانی در شرح المقاصد( 259: 5) المبحث الرابع من الفصل الرابع این گونه آورده: قول پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله که فرمود:« سلّموا علیه( یعنی بر علی) بامرة المؤمنین.»

[70] ( 1). الفردوس، 316: 5/ 8304؛ کشف الخفاء، 537: 2.

[71] ( 1). الفردوس، 317: 5/ 8305؛ مجمع الزوائد، 135: 9؛ المعجم الصغیر/ 1014 و طبرانی در المعجم الاوسط( 71: 6/ 5149) از عبدالله بن اجارة بن قیس نقل کرده که گفت: شنیدم علی بر فراز منبر می‌گفت:« با دستان کوتاه خویش کفار و منافقان را از حوض رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله دور می‌سازم آنسان که آب دهندگان شتر( ساربانان)، شترهای بیگانه را از حوض‌هایشان دور می‌کنند.»

و در المعجم الکبیر( 319: 1/ 948) از ابو رافع نقل شده که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود:« تو و پیروانت برمن در کنار حوض کوثر وارد می‌شوید در حالی که از آب حوض سیراب گشته‌اید و رخسارتان سفیداست. اما دشمنانت با چهره‌ای کریه و قبیح المنظر و لب تشنه بر من وارد خواهند شد.»

و در المعجم الکبیر: 319/ 948 از ابو رافع نقل شده که نبی مکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله به علی علیه‌السلام فرمود:« تو و پیروانت در حالی بر من در کنار حوض در آیید که از آب بهره‌ور شده و سیراب گشته‌اید و رویتان سپید است. اما دشمنانت در حالی بر من وارد آیند که تشته کام و سیمایشان زشت و بدمنظر است.»

نیز رجوع شود به: مجمع الزوائد، 131: 9/ 8310؛ کنز العمال، 157: 13/ 3684؛ تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام)، ج 1، ح 329؛ جواهر المطالب از باعونی، 75: 1/ 233.

[72] ( 1). الفردوس، 319: 5/ 8310؛ تنزیه الشریعة، 1، ص 411.

[73] ( 1). مقتل الحسین علیه‌السلام خوارزمی، 97: 1؛ فضائل امیر المؤمنین علیه‌السلام، ابن عقده، 32/ 28 خوارزمی مانند آن را از عمر بن خطاب نقل کرده است.( المناقب، 329/ 348).

[74] ( 1). مناقب ابن مردویه، 81/ 66؛ الأنباء المستطابة از ابن سید الکل: 64؛ التدوین فی اخبار قزوین، از رافعی، 389: 3.

و از حسین بن علی علیهما السلام نقل است که پدرم( علی بن ابی‌طالب) در حالی که با دست، یک تار موی او را گرفته بود، این حدیث را برایم ذکر کرد که جدم رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله در حالی که با دست یک تار موی او را گرفت فرمود:« هر کس به یک تار مویت آزار رساند، مرا آزرده است. هر کس مرا آزرده باشد، در حقیقت خدا را آزرده، و هر کس خدا را آزار دهد خدا به حجم زمین و آسمان به او لعنت فرستد.» توضیح الدلائل، شهاب الدین ایجی، 193.

[75] ( 1). مجمع الزوائد، 114: 9 باب فتح بابه فی المسجد.

گفتنی است که حدیث فتح باب و سدّ ابواب، حدیثی مشهور و ثابت است.

[76] ( 1) المعجم الکبیر طبرانی، ج 2، ح 2036؛ تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام) ج 1، ح 209؛ جواهر المطالب، 1، 182.

از انس نقل است که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مکتوب برائت از مشرکان مکه را در اختیار ابوبکر گذاشت و او را به طرف مکه اعزام کرد. چندی بعد او را باز خواند و فرمود:« شایسته نیست این نامه را برساند مگر مردی از وابستگان نزدیک من.» آن‌گاه علی را فرا خواند و نامه یاد شده را به او سپرد تا به مکه ببرد.

الدر المنثور، 209: 3؛ فتح القدیر 334: 2. و نزدیک به این مضمون در کنز العمال، 422: 2 و از ابن عباس نقل شد، که گفت:« علی حامل عَلَم رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله در جنگ بدر و کلیه نبردها بود.»

جواهر المطالب، 189: 1. نیز نک: الطبقات ابن سعد، 14: 3.

و از ابن عباس نقل است که گفت: دست علی در نبرد احد، آسیب دید و پرچم از دستش به زمین افتاد. رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود:« بیرق را در دست چپ او بگذارید زیرا او در هر دو جهان پرچمدار من است.»

الریاض النضره، 138: 2؛ جواهر المطالب، 190: 1.

[77] ( 1). المعجم الکبیر طبرانی، ج 2، ح 2037.

و نیز از عمّار نقل است که گفت: من و علی بن ابی‌طالب در غزوة ذی العشیره با یکدیگر رفیق و همسنگر بودیم، رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:« آیا با دو تن از بدبخت‌ترین مردم شما را آشنا سازم؟»

گفتم:« آری.» فرمود:«( مردک سرخ روی) کودن قوم ثمود همان که ناقه صالح را پی کرد. و ای علی! دومی کسی است که ضربتی بر فرق سر تو می‌زند که تا محاسنت به خون، رنگین می‌شود.»

الجامع الکبیر، 255: 16/ 7864؛ کنز العمال، 140: 13/ 36442، مجمع الزوائد، 136: 9 به نقل از ابن سمرة.

نیز مراجعه شود: به المناقب خوارزمی 387/ 402؛ البدایة و النهایة، 7، ص 324؛ تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام)، 351: 2/ 1401.

[78] ( 1). حلیة الاولیاء، 71: 1؛ تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام) 212: 2/ 715؛ مناقب امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام، 105/ 148 و دراسد الغابة 13: 4 مانند آن ثبت شده است.

و نزدیک به این مضمون در الفردوس، 319: 5/ 8311 و جمع الجوامع، 968: 1 آمده است. طبرانی در المعجم الاوسط( 90 89: 3/ 2178) از عمّار بن یاسر نقل کرده که گفت: از پیامبر اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله شنیدم به علی علیه‌السلام فرمود:« خداوند متعال تو را به زیوری آراسته است که هیچ یک از بندگان را به زیوری مانند آن، نیاراسته. خداوند متعال دوستی بینوایان و در کنار آنان بودن را مورد علاقه تو قرار داده و تو را به پیشوایی آنان برگزیده که تو به آنان خشنودی و برایت پیروانی در نظر گرفته که آنان به پیشوایی تو خرسندند. پس خوشا بر آنان که تو را دوست بدارند و تو را می‌پذیرند و وای بر آنهایی که با تو دشمنی ورزند.»

و خوارزمی در المناقب( 117/ 128) از عمر بن عبد العزیز نقل کرده که گفت:« بعد از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله در میان امت آن حضرت کسی را زاهدتر از علی بن ابی‌طالب سراغ نداریم.»

نیز نک: تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام) 252: 3/ 1269.

و در خصوص مصادیق زهد ایشان نک: همان کتاب، 239: 3/ 256 و 232/ 142 و 230/ 1238 و سایر کتاب‌ها.

[79] ( 1). المعجم الأوسط الطبرانی، 1/ 152/ 162؛ کنوز الحقائق، 2، ص 17.

[80] ( 1). مناقب خوازمی، 53/ 18؛ تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام)، 81: 21/ 114. و در کتاب مناقب آل ابی‌طالب، 1/ 291 از ابوذر نقل شده که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

« فرشتگان الهی هفت سال بود که بر من و علی درود نثار می‌کردند قبل از آن که فردی به اسلام گرویده باشد.» و از ابن عباس نقل شده که رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:« اولین مردی که با من نماز گزارد علی بود.»

الفردوس، 27: 1/ 39؛ کنز العمال، 3992؛ الخصائص نسائی، 16.

و در کتاب اسد الغابة، 18: 4 از ابو ایوب انصاری نقل شده که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:« در حقیقت ملائکه هفت سال بر من و علی درود و صلوات فرستادند زیرا که از مردان جز او همراه من کسی نماز نگزارده بود.»

[ تعبیر« رجل» در روایت قابل تأمل است گویا از ابتدای اسلام علی تا زمانی که بر او اطلاق رجل شده یعنی پانزده سالگی، غیر از او احدی مسلمان نشده است. نیز نک: شرح سنن ابن‌ماجه، ج 1، ص 75 و 258.]

[81] ( 1). ترمذی درسنن، 636: 5/ 7320 از ابن عمر روایت می‌کند که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله میان اصحابش پیمان برادری بست( علی در این موقع تنها ماند) در این لحظه با دیدگان اشک آلود حضور پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله رسید و گفت:« یا نبی‌الله! بین ملازمان و همراهانتان پیوند اخوت ایجاد کردی ولی میان من و کسی پیوند برادری برقرار نفرمودی.» حضرت فرمود:« تو برادر من در این جهان و سرای دیگر هستی.»

حاکم در مستدرک، 14: 3 و سیوطی در الجامع الصغیر، ح 5589. و در کتاب مناقب سیدنا علی علیه‌السلام از زید بن ارقم نقل است که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به علی علیه‌السلام فرمود:« تو برادر و رفیق منی.» و در فردوس الاخبار، 15: 3/ 4182 از آن سرور صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل است که فرمود:« علی برادر و عموزاده من است».

ابن عساکر از عباس روایت آورده که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود:« بهترین برادرانم علی، بهترین عموهایم حمزه است.» تاریخ‌دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام) 138: 1 و رجوع شود به مجمع الزوائد، 9/ 111 باب منزلته و مؤاخاته. گفتنی است که حدیث مؤاخات از احادیث مشهور بین فریقین است. و ایجاد پیوند برادری بیش از یک نوبت انجام شده است.

در حدیث دیگر از مسند زید بن ابی اوفی در باب مؤاخات چنین آمده است: وقتی علی علیه‌السلام از تأخیر پیوند برادری‌اش شِکوه کرد، نبی مکرّم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:« قسم به خدایی که مرا به حق مبعوث فرمود[ پیمان تو را به عقب نینداختم مگر برای این که تو را برادر خود کنم. تو برادر منی و نسبت به من چون هارون نسبت به موسایی با این فرق که پس از من پیامبری نخواهد بود و تو برادر و وارث من هستی.»

علی گفت:« از تو چه چیزی به ارث می‌برم یا رسول الله؟»

فرمود:« آنچه را پیامبران پیش از من ارث گذاشتند.»

پرسید:« انبیای پیشین چه چیزی به ارث گذاشتند؟»

فرمود:« کتاب خدا و سنت پیامبرانشان و تو با منی در قصرم در بهشت با دخترم فاطمه و تو برادر و رفیق منی.»

این حدیث را احمد در کتاب مناقب علی آورده. کنز العمال، 106 105: 13 ح 36345.

می‌گویم: چه قدر شایسته است که دوستدار علی علیه‌السلام به هنگام ذکر احادیث« پیوند برادری» که روایاتش متواتر است به ترنم این اشعار که منسوب به امیر مؤمنان علیه‌السلام است بپردازد. ترجمه اشعار طبق نقل کنز العمال، 112: 13 چنین است:

« رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله برادر و پدر خانم من است و حمزه سید الشهدا عمویم می‌باشد.»

و جعفر طیّار که( در بهشت) بامداد و شامگاه همراه فرشتگان پرواز می‌کند برادر من است.

و فاطمه دخت محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله همسر و آرام جان من است که گوشتش با گوشت و خونم در آمیخته است.

و نواده‌های پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله ( حسنین علیهما السلام) دو فرزند من از فاطمه‌اند، چه کسی از شما را نصیبی همچون نصیب من هست؟

بر تمام شما در ایمان به خدا و پیامبر پیشتازم در حالی که هنوز خُرد بودم و به مرز بلوغ جسمی نرسیده بودم.

[82] ( 1) المواقف فی علم الکلام نوشته ایجی، 409 و در ص 25 آن از نبی اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم آمده است.

و از بریده همان طور که در منابع آتی نیز خواهد آمد نقل است که رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:« برای هر پیامبر، وصی و وارثی بود و علی وصی و وارث من است.»

الفردوس، 336: 3/ 5009؛ تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام)، 5: 3/ 1021 و 1022؛ مناقب خوارزمی، 84/ 74؛ المناقب ابن مغازلی 200/ 238؛ فتح الباری، 8/ 150.

و در کتاب مناقب سیدنا علی 29 به نقل از ربیعه آمده که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله به علی فرمود:« تو برادر و همراه و وصی منی.» و از سلمان نقل است: عرض کردم:« ای رسول خدا! برای هر پیامبری وصی‌ای بود، وصی شما کیست؟» حضرت جواب مرا نداد. روز بعد که مرا دید فرمود:« یا سلمان!» با عجله خود را به حضرت رساندم و عرض کردم:« بلی.»

حضرت فرمود:« می‌دانی وصی موسی که بود؟»

گفتم:« آری، یوشع بن نون.»

پرسید:« چرا او وصی موسی بود؟»

عرض کردم:« چون در آن روزگار داناترین آنان بود.»

فرمود:« وصی و محل راز من و بهتر فردی که پس از خود می‌گذارم که وعده‌های مرا وفا می‌کند و دین مرا می‌پردازد علی بن ابی‌طالب است.»

المعجم الکبیر: 221/ 6063؛ مجمع الزوائد، 113: 9. و نیز رجوع شود به المناقب خوارزمی، 67/ 38؛ کنز العمال، 611: 13/ 32956؛ مناقب سیدنا علی، 39.

[83] ( 1). المعیار و الموازنه اسکافی، 119.

و در تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام) 153: 3/ 1172 از ابو ثابت غلام ابوذر نقل شده که گفت: روزی نزد امّ سلمه رفتم دیدم علی را یاد کرده می‌گریست و می‌گفت: از رسول خدا صلی‌الله علیه‌وآله شنیدم که فرمود:« علی با حق و حق با علی است و این دو هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا در قیامت در کنار حوض بر من وارد آیند.»

از عبدالرحمن بن سعید نقل است که گفت: ما به اتفاق گروهی از مهاجران در حضور پیامبر اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله شرفیاب بودیم که علی از آنجا گذشت. پیامبر فرمود:« حق با این است.»

این سخن را هیثمی درمجمع الزوائد، 234: 7 و ابن عساکر در تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام)، 153: 3/ 1171 نقل کرده‌اند:

و از ابوموسی اشعری نقل است که رسول اعظم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به علی علیه‌السلام فرمود:

« تو با حقی و حق با تو است.»

به روایت جناب عینی در مناقب سیدنا علی، 29 و ابن ابی الحدید در شرح نهج‌البلاغه، 18/ 24. مانند این کلام از عایشه در کتاب مناقب سیدنا علی، 15، نقل شده است.

و در مجمع الزوائد، 134: 9 هیثمی از امّ سلمه نقل کرده که او هماره می‌گفت:« علی بر محور حق بود، هر کسی که از او تابعیت نمود، از حق پیروی نمود و کسی که او را رها ساخت، حق را رها کرد. این میثاقی است که پیش از این گرفته شده است.»

نیز نک: الامامة و السیاسة از دینوری، 78: 1؛ صحیح ترمذی، 133: 5/ 3114؛ المستدرک علی الصحیحین، 124: 3؛ مجمع الزوائد، 233: 7.

[84] ( 1). مسند ابی یعلی، 285: 1/ 561؛ تاریخ بغداد، 398: 12؛ تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام)، 321: 2/ 831 827؛ فضائل الصحابة ابن حنبل، 2، ص 652/ 1102.

[85] ( 1). مسند ابی یعلی، 318: 4/ 4558؛ تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام)، 285: 3/ 1376.

[86] ( 1). سنن ترمذی، 641: 5/ 37733؛ مسند احمد بن حنبل، 168: 1/ 576؛ فضائل‌الصحابة، 964: 2/ 1185؛ تاریخ بغداد، 287: 13؛ تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام)، 52/ 95 و 96؛ اسد الغابة، 29: 4.

[87] ( 1). المعجم الاوسط، 348: 2/ 2191؛ المناقب خوارزمی، 77/ 59؛ مجمع الزوائد، 10/ 246.

[88] ( 1). تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام)، 204: 2/ 695.

و از عمران بن حصین نقل است که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله به علی فرمود:« دوستی تو را جز مؤمن بر نمی‌گزیند و جز منافق، دشمنی تو را به دل ندارد.»

المعجم الاوسط طبرانی، 264: 4/ 4151. و از امّ سلمه نقل شده که نبی اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به علی فرمود:« هیچ مؤمنی تو را دشمن نمی‌دارد و منافق هرگز دوستدار تو نخواهد شد.» مسند ابن حنبل، 176: 10/ 26569؛ سنن ترمذی، 635: 5/ 3717؛ البدایة و النهایة، 355: 7؛ تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام)، 208: 2/ 99.

و از ابو سعید خدری نقل شده که گفت:« ما گروه انصار هماره منافقان را به دشمنی آنها نسبت به علی بن ابی‌طالب می‌شناختیم.»

سنن ترمذی، 635: 5/ 3717؛ تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام)، 220: 2/ 718؛ تاریخ الخلفاء، 202؛ فضائل الصحابة ابن حنبل، 639: 2/ 1086.

از ابن مسعود نقل است که گفت: شنیدم نبی مکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله می‌فرمود:« کسی که گمان کرده است به من و آنچه آورده‌ام ایمان آورده در حالی که با علی دشمنی می‌کند، دروغگو و مؤمن نیست.» تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام) 210: 2/ 712.

نیز مراجعه شود به کتب: صحیح مسلم، 86: 1/ 78؛ صحیح ترمذی، 643: 5/ 3736؛ سنن ابن‌ماجه، 42: 1/ 114؛ مسند ابن حنبل، 84: 1 و 204/ 731؛ فضائل الصحابة ابن حنبل، 564: 2/ 948؛ سنن نسائی، 8/ 117؛ تاریخ بغداد، 255: 2 و 14؛ تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام)، 191: 2/ 683، و 63: 1/ 91.

[89] ( 1). تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام)، 225: 2/ 730.

از محبوب بن ابی الزناد نقل است که گفت: انصار گفتند: ما فرزندان نامشروع را به سبب دشمنی با علی بن ابیطالب داشتند می‌شناختیم. تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام)، 224: 2/ 729 و 728؛ و به سند دیگر در ح 737.

و از شافعی نقل است که گفت: شنیدم مالک بن انس گفت:« ما میزانی برای شناخت فرزندتان نامشروع جز بغض و دشمنی آنان با علی بن ابی‌طالب در دست نداشتیم.»

مناقب علی بن ابی‌طالب، ابن مردویه، 76/ 57.

و انس گوید:« پس از جنگ خیبر، عادت چنان شده بود که مرد، فرزند خود را به دوش می‌گرفت و سر راه علی می‌ایستاد، چون چشمش به آن حضرت می‌افتاد صورتش را به سوی علی می‌نمودو با انگشت به سوی او اشاره می‌کرد و به فرزند خود می‌گفت:« فرزندم! آیا این مرد که می‌آید دوست داری؟» اگر کودک می‌گفت آری، او را در بر می‌گرفت و می‌بوسید، و اگر می‌گفت: نه، او را بر زمین گذاشته و می‌گفت: برو به( قوم) مادرت بپیوند. من فرزندی که علی را دوست ندارد نمی‌خواهم.»

تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام)، 224: 2/ 837.

[90] ( 1). المعجم، 88: 3/ 2749؛ حلیة الاولیاء، 1، ص 63.

زید بن ارقم، گوید: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:« آیا شما را راهنمایی کنم بر چیزی که اگر درباره آن پرسش کنید به هلاکت نمی‌افتید؟ همانا ولی شما خدا است و امامتان علی بن ابی‌طالب، پس بر این خیرخواهی کنید و تصدیقش نمایید که جبرئیل چنین فرمانی برایم آورد.»

شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، 98: 3؛ مناقب ابن مردویه، 120/ 147.

[91] ( 1). الدر المنثور 203: 6؛ شواهد التنزیل، 534: 1/ 568 و در مناقب ابن مردویه 99/ 98 مردی از ابن‌عمر تقاضا کرد برایش از علی بن ابی‌طالب گوید: او گفت:« می‌خواهی موقعیت و منزلتش را نزد نبی اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله بدانی؟ به خانه‌اش بنگر که وسط خانه‌های پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله واقع شده است.»

و نسایی در الخصائص، 204/ 107 از سعد بن عبیده نقل کرده که گفت: مردی نزد ابن عمر آمد و از او درباره علی پرسش کرد. وی در پاسخ گفت:« درباره علی از من سؤال نکن، به خانه‌اش بنگر که نسبت به بیوت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله چه موقعیتی دارد.»

[92] ( 1). حلیة الاولیاء، 86: 1؛ تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام) 95: 2/ 596؛ کنزالعمال، 6/ 217؛ منتخب کنز العمال( چاپ شده در حاشیه المسند، 945) و غیر آن مثل فرائدالسمطین، کفایة الطالب؛ مسند احمد، مناقب علی علیه‌السلام و ....

نک: کتاب دیگر ما به نام امان الأمة من الضلال و الاختلاف و در کنز العمال نیز مانند آن از زیاد بن مطرف، 6/ 55 نقل شده است.

[93] ( 1). تاریخ بغداد، 133: 1 و 433: 8؛ تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام)، 366: 2/ 873؛ خصائص علی علیه‌السلام از نسایی، 85/ 31.

[94] ( 1). شواهد التنزیل، 400: 1/ 422.

نیز رجوع کنید: توضیح الدلائل، 161؛ تفسیر القرآن قرطبی، 236: 9.

[95] ( 1). فضائل الصحابة احمد بن حنبل، 654: 2/ 1113.

و در روایت دیگری فرمود:« سپاس خداوندی را که در بین اهل بیت کسی را قرار داد که به طریقه داود علیه‌السلام به قضاوت می‌پردازد.»

مناقب ابن مردویه، 92/ 90.

نیز رجوع شود: المسند، حمیدی، 345: 2/ 785؛ الجامع الکبیر، 636: 15/ 406.

[96] ( 1). مسند احمد بن حنبل، 446: 3/ 9704؛ المستدرک علی الصحیحین، 161: 3/ 473 و 4714؛ تاریخ بغداد، 137: 7؛ المعجم الکبیر، 40: 3/ 2621؛ البدایة و النهایة، 36: 8.

از زید بن ارقم نقل است که گفت: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله در بیماری‌ای که به رحلتش منجر شد با مهربانی رو به سوی علی و فاطمه و حسن و حسین کردو فرمود:« من در جنگم با کسی که با شما بجنگد، و صلحم با کسی که با شما از در آشتی درآید.» تهذیب تاریخ دمشق، 319.

نیز رجوع فرمایید به: سنن ترمذی، 699: 5/ 3870؛ سنن ابن ماجه: 52/ 145. از ابو سعید خدری نقل است که گفت: بعد از ازدواج علی با فاطمه، نبی مکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله چهل روز صبحگاهان به در خانه فاطمه می‌آمد و می‌فرمود:« من سرا پا جنگم با هر که با شما بجنگد و سرا پا دوستم با فردی که با شما دوستی نماید.» فضائل سیدة النساء از ابوحفص عمر بن شاهین، 29.

و در کنزالعمال از زید بن ارقم نقل است که پیامبر اعظم صلى‌الله‌عليه‌وآله به فاطمه و علی و حسن و حسین فرمود:

« من در نبردم با کسی که با شما بستیزد و در صلح و آشتی‌ام با کسی که با شما در صلح و صفا باشد.»

متقی هندی این روایت را از شماری از کتاب‌های عامه نقل کرده است: 640: 13/ 37618.

[97] ( 1). شواهد التنزیل، 89: 1/ 202.

می‌گویم:« ایشان نخستین امام از امامان دوازده گانه است و دومین آنها حسن و حسین تا امام دوازدهم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که زمین را آکنده از عدل و داد خواهد کرد پس از آن که پر از ظلم و جور شده باشد.

ائمه دوازده‌گانه همانان هستند که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله در نصوص معتبر به امامتشان تصریح فرموده برای دریافت اطلاع گسترده به کتاب منتخب الاثر، ج 1، مراجعه فرمایید.»

[98] ( 1). ینابیع المودة، 333: 2/ 973؛ مقتل الحسین علیه‌السلام، خوارزمی، 60: 1.

[99] ( 1). مجمع الزوائد، 102: 9 به نقل از طبرانی.

[100] ( 1). تاریخ بغداد، 392: 4/ 2280.

[101] ( 1). تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام)، 444: 2/ 962/ 963؛ کنز العمال، 625: 11/ 33045؛ و در الفردوس، 62: 3/ 3175 چنین ثبت شده است:« علی بهترین انسان است هر کس در این شک نماید کافر است.»

ابن عساکر از عطاء نقل کرده است که گفت: از عایشه درباره علی علیه‌السلام پرسیدم، او گفت:« او بهترین بشر است و در آن شک نمی‌کند مگر کافر.» در همان منبع( تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام) 488: 2/ 972)

نیز مراجعه شود به موضح اوهام الجمع و التفریق، 394: 1.

کنوز الحقائق، به نقل از ابو یعلی:« علی بهترین بشر است، کسی که در آن شک نماید کافر است» و در کفایة الطالب، اثر گنجی شافعی، ص 119 از عطاء نقل است که از عایشه از علی پرسیدم، گفت: ذلک خیرا لبشر لا یشک فیه الا کافر( او بهترین بشر است و در آن شک نمی‌کند مگر کافر.)

و محدث بزرگ و امین ابو محمد جعفر بن احمد بن علی قمی ساکن ری کتابی مستقل در این زمینه دارد به نام( نوادر الاثر فی علی علیه‌السلام خیر البشر صلوات الله علیه) و در این کتاب نزدیک به هفتاد و پنج طریق برای این حدیث نوشته است.

[102] ( 1). تاریخ بغداد، 81: 2؛ المناقب ابن مغازلی، 16/ 22؛ الفردوس، 1/ 41/ 93؛ المستدرک علی الصحیحین، 3/ 147/ 4662؛ تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام) 82: 1/ 115. و از عمر نقل شده که گفت من و ابو عبیده و ابوبکر و گروهی از انصار با یکدیگر بودیم که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله دست بر شانه علی زد و فرمود:« ای علی! تو نخستین گرونده‌ای که ایمان آورد و مسلم نخستی که اسلام را برگزید و تو نسبت به من منزلت هارون نسبت به موسی را داری.»

مراجعه شود به جواهر المطالب اثر باعونی شافعی، 37: 1.

[103] ( 1). تفسیر ابن کثیر 68: 2؛ کنز العمال، 103: 12/ 34195، و 639: 13/ 37616؛ مقتل الحسین علیه‌السلام، خوارزمی، 141/ 67، سیوطی در مسند علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام، 350: 1، مسند فاطمه سلام الله علیه، 69؛ الجامع الکبیر 305: 16/ 8070 حدیث را روایت کرده. المناقب ابن مغازلی، 247/ 295.

[104] ( 1). المستدرک، 121: 3. حاکم نیشابوری می‌گوید:« این حدیث، سندش صحیح است و نویسنده کنز العمال از ابوذر چنین نقل کرده که رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر کس از تو جدا شود، از من جدا شده و هر کس از من جدا شود در حقیقت از خدا جدا شده است.» 156: 60.

[105] ( 1). کنز العمال 13، ح 36595 به نقل از ابن جریر. نیز رجوع فرمایید به ح 36493 و 36496.

می‌گویم:« این احادیث از روایات متواتر و قطعی الصدور است.»

[106] ( 1). شواهد التنزیل، 52: 2/ 672؛ نیز رجوع فرمایید به المناقب ابن مغازلی، 302/ 346؛ المستدرک علی الصحیحین، 188: 3/ 4802؛ المناقب خوارزمی، 63/ 32؛ فضائل الصحابه ابن حنبل، 577: 2/ 978؛ مسند ابن حنبل، 45: 6/ 16985؛ المصنف از ابن ابی شبیه، 501: 7/ 40. سنن ترمذی، 663: 5/ 3787 و غیر آنها.

احادیث‌این باب بسیار و در حد تواتر می‌باشد و در غیر مصادر یاد شده در مجامع روایی و تفاسیر و کتب تاریخی نقل شده است.

[107] ( 1). المعجم الکبیر، 134: 24/ 312، و 412: 22/ 1022؛ المصنف از عبدالرزاق، 479 5/ 9782.

[108] ( 1). ظاهراً متشکل از هفت طایفه بوده‌اند.

[109] ( 1). المستدرک علی الصحیحین، 123: 3/ 4652؛ مسند احمد بن حنبل، 708: 1/ 3062؛ خصائص الامام امیر المؤمنین علیه‌السلام، 70/ 23؛ تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام)، 185: 1/ 250.

[110] ( 1). صحیح مسلم، 1871: 4/ 32؛ سنن ترمذی، 225: 5/ 2999؛ مسند ابن حنبل، 391: 1/ 1608؛ المستدرک علی الصحیحین، 163: 3/ 4719؛ السنن الکبری، 101: 7/ 13392؛ الدر المنثور، 233: 2؛ تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام)، 207: 1/ 271.

این حدیث از احادیث متواتر است.

[111] ( 1). الحاقة: 12. و گوش‌های شنوا آن را نگهداری می‌کنند.

[112] ( 2). حلیة الاولیاء، 67: 1؛ کنز العمال 408: 6/ 616 و مانند آن در تفسیر طبری، 29/ 35. نیز الدرالمنثور، در تفسیر آیه 12 الحاقة؛ اسباب النزول واحدی، 329؛ المناقب ابن مغازلی، ص 265، ح 312 و ص 319، ح 364 و باب النقول، 225. و رجوع شود به کشاف وروح المعانی 9: 43، مجمع الزوائد، 131: 1؛ کنز العمال، 398: 6، 408. برای دریافت اطلاع بیشتر نک: شواهد التنزیل

[113] ( 1). الصواعق المحرقه، ص 124. و در روایت دیگری که حاکم نیشابوری آن را به شرط شیخین صحیح دانسته مانند این روایت نقل شده است که در آن بعد از آن پیامبر فرموده:« اهل بیتی عترتی» سپس فرمود:« آیا می‌دانید من نسبت به مؤمنان از خود آنها شایسته‌ترم؟» و این سخن را سه بار تکرار کرد

گفتند:« آری.»

فرمود:« هر کس را که من اولای به نفس و مولایم علی مولای او است.» المستدرک، 3/ 109.

و آنچه نسایی از زید بن ارقم صحابی نقل کرده این گونه آمده است که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:« خدا مولا و سرپرست من است و من اولای به نفس و مولای هر مؤمنم.» آن‌گاه دست علی را در دست گرفت و فرمود:« هر کس را که من مولای او بودم این ولی اوست. خداوندا کسی که پذیرای ولایت علی شد دوست بدار و با هر که بااو خصومت داشت دشمن باش.»

خصائص امیر المؤمنین علیه‌السلام از نسایی، ص 21.

[114] ( 1). مناقب سیدنا علی علیه‌السلام، 28 به نقل از ابن مردویه. مناقب ابن مردویه، 111/ 129.

[115] ( 1). اساس البلاغه از زمخشری، 155 و مانندش در ربیع الابرار در باب خیر و صلاح و ذکر اخبار صلحا ثبت شده است و در نظم درر السمطین، ص 243 در حدیثی چنین است و امت خود را به چنگ زدن به اهل بیتش سفارش نمود، و توضیح داد که خاندانش دامن پیامبرشان را( در رستاخیز) خواهند گرفت و ....

[116] ( 1). کنز العمال، ح 36438، ص 139، ح 13 به نقل از طبرانی. و ابن مغازلی در المناقب، 125/ 164 از جابر نقل کرده است که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله در جنگ طائف با علی در گوشی سخن گفت و این گفتگو به درازا کشید. یکی از آن دو مرد گفت:« جدّ اً رازگویی درازی با پسرعمّش داشت.»

این کلام به آن حضرت رسید فرمود:« من با او راز نگفتم بلکه خدا بود که با او راز گفت.»

و مانند این از انس نقل شده است. مناقب سیدنا علی علیه‌السلام، 34. نیز مراجعه فرمایید به سنن ترمذی، 5/ 639.

[117] ( 1). الجامع الصغیر، ج 2، 160 به نقل از المستدرک( به طور صحیح). و در همان اثر ص 173، ح 2 چنین ثبت است:« هرکه به علی ناسزا گوید به من ناسزا گفته و هر که به من ناسزا گوید در حقیقت به خدا ناسزا گفته است.» از احمد در المسند و حاکم نیشابوری در المستدرک( به طور صحیح). ودر کتاب کنوز الحقائق، ج 2، ص 193 به نقل از طبرانی چنین آمده است.« یا علی، محب تو دوستدار من است و دشمنت دشمن من خواهد بود.»

[118] ( 1). مناقب سیدنا علی علیه‌السلام، 49؛ تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام)، 280: 2/ 811؛ ذخائر العقبی 93 به نقل از ابی حمراء؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، 9/ 168.

[119] ( 1).[ مطابق روایاتی که از طریق شیعه رسیده‌اند این ندا در غزوه احد بلند شد که شمشیر علی علیه‌السلام شکست و جبرئیل ذوالفقار را آورد و این ندا را هم سر داد.]

[120] ( 2). المناقب خوارزمی، 167/ 200؛ تاریخ دمشق( ترجمة الامام علی علیه‌السلام)، 158197: 1.

و ابن هشام در السیرة النبویه، 100: 2، ابن جوزی درتذکرة الخواص، 30. در این اثر روایت است که حسان بن ثابت( شاعر رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله ) از حضرت، اجازه خواست دراین خصوص شعری بسراید. ایشان اجازه فرمود و اشعاری سرود که ترجمه آن چنین است:« جبرئیل آشک-- ار ن-- دا داد، در حالی که خودش دیده نمی‌شد؛ و مسلمانان حلقه زده بودند، به گِرد پیامبر فرستاده؛ شمشیری جز ذوالفقار، و جوان‌مردی جز علی نیست»

[121] ( 1).[ در تاریخ بغداد، به جای« رحمت»،« جنت» آمده است

[122] ( 2). حلیة الاولیاء، 66: 1؛ المناقب خوارزمی، 311/ 311.

نیز مراجعه شود به مناقب سیدنا علی علیه‌السلام، ص 62.

[123] ( 1). المناقب خوارزمی، 177/ 215؛ الجامع الصغیر سیوطی، ح 5591.

حاکم در المستدرک، 129: 3 از جابر بن عبدالله نقل کرده است که گفت: شنیدم رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله در حالی که بازوی علی بن ابی‌طالب را گرفته بود با صدای بلند فرمود:« این علی امیر ابرار، کُشنده فاجران است؛ کسی که به یاری‌اش برخیزد پیروز و کسی که او را خوار کند خوار خواهد شد.»

و در الجامع الصغیر، 66: 2 آمده است:« علی امام ابرار، قاتل تبهکاران است؛ کسی که به او کمک کند یاری می‌شود و هر کس او را سرافکنده کند، سرافکنده خواهد شد.» به نقل از حاکم( به عنوان حدیث حسن)

[124] ( 1). مناقب سید نا علی، 25؛ محمع الزوائد، 9/ 131؛ کنز العمال، 156: 13/ 36483.

[125] ( 1). تاریخ بغداد، 317 316: 1 ح 206. خطیب بغدادی این حدیث را از منصور از پدرش محمد بن علی از پدرش علی بن عبدالله از پدرش عبدالله بن عباس و از جابر این گونه روایت کرده است:« خداوند ذریه هر پیامبری را در پشت همان پیامبر قرار داد و ذریه مرا درصلب علی بن ابی‌طالب نهاده است.» الفردوس، 172: 1/ 643؛ کنز العمال، 32892؛ امالی شجری، 152: 1.

\Y\*\*\*\E[ سپاس بی‌کران خدای یگانه را که توفیق ترجمه این اثر ارزشمند را به بنده ناچیز ارزانی داشت.

امید آن که خداوند به ما توفیق دهد که در مسیر زندگی خود همواره پیرو خاندان رسالت باشیم و آنان را اسوه و الگویی شایسته برای خود بدانیم.

آل النبی ذریعتی‌و هم الیه وسیلتی

ارجوا بهم اعطی غداًبیدی الیمین صحیفتی ( ینابیع المودة، ص 307)

خاندان پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم دست آویز من هستند و آنان وسیله( تقرّب) من به خدا هستند.

آرزو می‌کنم به خاطر آنها، فردای قیامت نامه عملم را به دست راستم بدهند. بفضله و کرمه

فهرست مطالب

[سخن مترجم 2](#_Toc461971270)

[مقدمه مؤلف 5](#_Toc461971271)

[علی علیه‌السلام امیر غدیر 11](#_Toc461971272)

[علی علیه‌السلام هادی امت 12](#_Toc461971273)

[ورود به شهر علم پیامبر صلی الله علیه و آله 12](#_Toc461971274)

[علی عليه‌السلام دو کفة ترازوی علم پیامبر صلی الله علیه و آله 13](#_Toc461971275)

[یاد علی علیه‌السلام عبادت است 14](#_Toc461971276)

[پیغمبر و علی علیهما السلام از یک ریشه‌اند 14](#_Toc461971277)

[کارزار علی علیه‌السلام بر تأویل ق 15](#_Toc461971278)

[علی علیه‌السلام حجت خدا بر بندگان 16](#_Toc461971279)

[افتخار به علی علیه‌السلام 16](#_Toc461971280)

[بشارت به علی علیه‌السلام 17](#_Toc461971281)

[جواز عبور از صراط 17](#_Toc461971282)

[همراه با پیامبر در بهشت 18](#_Toc461971283)

[دشمنی علی علیه‌السلام وخاندان رسول‌خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله 18](#_Toc461971284)

[بهشت آرزوی دیدار امام علی علیه‌السلام را دارد 19](#_Toc461971285)

[حق امام علی علیه‌السلام بر عهده مسلمانان 19](#_Toc461971286)

[محبت امام علی علیه‌السلام، نابودکننده گناهان 20](#_Toc461971287)

[دوستی امام علی علیه‌السلام برائت از آتش 20](#_Toc461971288)

[محبت امام علی علیه‌السلام عمل صالح است 21](#_Toc461971289)

[امام علی علیه‌السلام دوست رسول خدا صلی الله علیه و آله 22](#_Toc461971290)

[محبوب‌ترین مردم نزد رسول‌اکرم صلی الله علیه و آله 23](#_Toc461971291)

[کامروایان رستاخیز 24](#_Toc461971292)

[مَحرَم اسرار پیامبر صلی الله علیه و آله 24](#_Toc461971293)

[بهترین راستگویان (صدیق اعظم) 25](#_Toc461971294)

[حامل لوای حمد 26](#_Toc461971295)

[منزلت علی علیه‌السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله 27](#_Toc461971296)

[همانند هارون علیه‌السلام نسبت به موسی علیه‌السلام 27](#_Toc461971297)

[عینیت با پیامبر صلی الله علیه و آله 28](#_Toc461971298)

[علی علیه‌السلام درِ آمرزش الهی 29](#_Toc461971299)

[تقسیم‌گر آتش دوزخ 30](#_Toc461971300)

[نخستین گروه بهشتی 31](#_Toc461971301)

[خدایا! دوستش بدار 32](#_Toc461971302)

[پیشوای اهل تقوا 33](#_Toc461971303)

[علی علیه‌السلام در بهشت 34](#_Toc461971304)

[سهم علی عليه‌السلام از حکمت الهی 35](#_Toc461971305)

[علی علیه‌السلام و قرآن 36](#_Toc461971306)

[معیار ایمان و نفاق 37](#_Toc461971307)

[پیامبر و علی علیهما السلام از یک نورند 37](#_Toc461971308)

[برتری ایمان علی علیه‌السلام بر هر ایمانی 39](#_Toc461971309)

[عبادت بدون ولایت امیر مؤمنان علیه‌السلام اثری ندارد 40](#_Toc461971310)

[پیام‌رسان برائت 41](#_Toc461971311)

[سفارش پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به ولایت پذیری 42](#_Toc461971312)

[علی عليه‌السلام کفو (همتای) فاطمه سلام الله علیها 43](#_Toc461971313)

[اگر در دل همه، مهر علی علیه‌السلام بود 44](#_Toc461971314)

[علی علیه‌السلام جدا کننده بین حق و باطل 45](#_Toc461971315)

[ارزش مبارزة علی علیه‌السلام 46](#_Toc461971316)

[دشمن علی علیه‌السلام غیر مسلمان است 47](#_Toc461971317)

[سزای توهین به علی علیه السلام 47](#_Toc461971318)

[نام علی علیه‌السلام بر سر درِ بهشت 48](#_Toc461971319)

[علی علیه‌السلام همانند سوره اخلاص است 48](#_Toc461971320)

[نظر به ماه رخسار علی علیه‌السلام عبادت است 49](#_Toc461971321)

[افضل امامان علیهم السلام 49](#_Toc461971322)

[حدیث جواز 50](#_Toc461971323)

[اسلام و ایمان علی علیه‌السلام 50](#_Toc461971324)

[مواسات امام علی علیه‌السلام 51](#_Toc461971325)

[امارت امیر مؤمنان علیه‌السلام 52](#_Toc461971326)

[دوستدار علی علیه‌السلام دوستدار رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم است 52](#_Toc461971327)

[دور ساختن منافقان از حوض کوثر 53](#_Toc461971328)

[راه رفتن در زمین بر دشمن علی علیه‌السلام حرام است 53](#_Toc461971329)

[هدیة فرشتگان به شیعیان علی علیه‌السلام 54](#_Toc461971330)

[آزردن علی علیه‌السلام اذیت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم است 55](#_Toc461971331)

[همه درها جز در خانه علی علیه‌السلام را ببندید 56](#_Toc461971332)

[پرچمدار رسول‌خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در هر دو سرا 57](#_Toc461971333)

[قاتل علی علیه السلام، تیره بخت‌ترین امّت 58](#_Toc461971334)

[زینت علی علیه‌السلام 59](#_Toc461971335)

[صاحب حوض کوثر 60](#_Toc461971336)

[نخستین مسلمان 61](#_Toc461971337)

[علی علیه‌السلام برادر پیامبر صلی الله علیه و آله 61](#_Toc461971338)

[برادر و وزیر پیامبر صلی الله علیه و آله 62](#_Toc461971339)

[راه علی علیه‌السلام حق است 62](#_Toc461971340)

[کینه‌های پنهان 63](#_Toc461971341)

[پدرم فدای شهید تنها! 64](#_Toc461971342)

[هم‌درجه پیامبر صلی الله علیه و آله 65](#_Toc461971343)

[پرسش در قیامت 66](#_Toc461971344)

[به دوستی علی عليه‌السلام فرزندانتان را بشناسید 68](#_Toc461971345)

[راهنمایی پیامبر صلی الله‌علیه‌وآله 69](#_Toc461971346)

[بیت رفیع علی و فاطمه علیهما السلام 70](#_Toc461971347)

[توصیه درباره علی علیه‌السلام 71](#_Toc461971348)

[خداوند، دل علی علیه‌السلام را به ایمان آزموده است 72](#_Toc461971349)

[علم علی علیه‌السلام 73](#_Toc461971350)

[حکمت امام علی علیه‌السلام 74](#_Toc461971351)

[اولین از اولوا الامر 75](#_Toc461971352)

[وصی رسول خدا صلی الله علیه و آله 76](#_Toc461971353)

[پیشی گیرندگان 77](#_Toc461971354)

[برترین انسان‌ها 78](#_Toc461971355)

[بهترین انسان 78](#_Toc461971356)

[نخستین مسلمان 79](#_Toc461971357)

[هم‌نشینان پیامبر صلی الله‌علیه‌وآله در بهشت 79](#_Toc461971358)

[اطاعت علی علیه‌السلام، اطاعت پیامبرصلی الله علیه و آله 80](#_Toc461971359)

[خصال سه گانه 81](#_Toc461971360)

[حدیث کساء 82](#_Toc461971361)

[علی و فاطمه علیهما السلام از من هستند 83](#_Toc461971362)

[فضائل ویژه علی علیه السلام 84](#_Toc461971363)

[خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله 86](#_Toc461971364)

[معلم و مربی امام علی علیه‌السلام 87](#_Toc461971365)

[قرین قرآن 88](#_Toc461971366)

[امام علی علیه‌السلام بهترین امت 89](#_Toc461971367)

[سرانجام ما و شیعیان 89](#_Toc461971368)

[خدا با علی علیه‌السلام راز گفت 90](#_Toc461971369)

[مهرورزی به امام علی علیه‌السلام 91](#_Toc461971370)

[همانند انبیا علیهم السلام 91](#_Toc461971371)

[جوان‌مردی جز علی علیه‌السلام نیست 92](#_Toc461971372)

[امام اولیای خدا 93](#_Toc461971373)

[امیر نیکوکاران 94](#_Toc461971374)

[پیروان علی علیه‌السلام 95](#_Toc461971375)

[خداوند او را بیشتر دوست دارد 96](#_Toc461971376)

[فهرست منابع 97](#_Toc461971377)

[فهرست مطالب 135](#_Toc461971378)